

ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت

تحلیل، تحقیق و تصحیح

رسالة أقسام الحکمة

محسن کدیور

چکیده:

یکی از آثار مسلم الانتساب ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸) «رسالة أقسام الحکمة» (تفاسیم الحکمة، أقسام العلوم العقلیه) است که احتمالاً بین سالهای ۳۹۲ تا ۴۱۲ نگاشته شده است. این رساله از یک مقدمه، ۱۱ فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. ابن سینا در این رساله ۱۵ علم طبیعی، ۱۵ علم ریاضی، ۷ علم الهی، ۳ علم در حکمت عملی، و ۹ علم منطقی و در مجموع ۴۹ علم اصلی و فرعی حکمی را به اختصار معرفی کرده و به مهمترین کتب مرجع هر رشته نیز اشاره کرده است. در این رساله عناوین ۲۰ کتاب ارسطو، و کتبی از افلاطون، اقلیدس، بروسن و فرفوریوس آمده است. مفاد این رساله در دیگر آثار ابن سینا از قبیل مدخل منطق و الهیات الشفاء، دانشنامه علائمی، عیون الحکمة و حکمة المشرقیین به نحوی دنبال و تکمیل شده است، هر چند این رساله مشروح‌ترین اثر ابن سینا در موضوع طبقه‌بندی علوم و تقسیم حکمت است. طبقه‌بندی حکمت از سوی ابن سینا در این رساله متخذ از میراث ارسطویی است. استخوان‌بندی تقسیم حکمت به نظری و عملی، و تقسیم ثلاثی هر یک، در دوران اسلامی در دو رساله «التنبیه علی سبیل السعادة» و «ما ینبغی ان یقدم قبل

تعلیم فلسفه ارسطو» فارابی و «مفاتیح العلوم» خوارزمی به چشم می‌خورد. طبقه‌بندی اصلی حکمت ریاضی و طبیعی نیز قبلاً در رساله «کمیة کتب ارسطوطالیس و ما یحتاج الیه فی تحصیل الفلسفة» کندی آمده است.

اهمیت این رساله از سوئی در تثبیت موارد فوق از سوی ابن‌سینا و تبدیل آن به طبقه‌بندی رسمی در دوران اسلامی است، چرا که اکثر طبقه‌بندی‌های فوق در کتاب پرآوازه «احصاء العلوم» فارابی رعایت نشده است، و از سوی دیگر ناشی از ابتکارات ابن‌سینا در فصول چهارم، نهم و دهم این رساله (فصول حکمت عملیه و حکمت الهیه) است.

تقسیم سیاست مدنی به علم مُلک و علم نوامیس؛ تأسیس علم نوامیس (دین‌شناسی فلسفی)؛ پافشاری بر عدم مخالفت حکمت با وحی و شریعت، اعتبار احکام وحی در حوزه ممکنات عقلی، و اذعان به محدودیت ادراک عقلی و خضوع عقل در برابر مفاد وحی در قلمرو یاد شده از ابتکارات این رساله است. این راه که با کندی آغاز شد، با ابن‌سینا به بالندگی رسید و با رویکرد «اصالت فلسفه» فارابی متفاوت است.

ابن‌سینا مجردشناسی فارابی در «احصاء العلوم» را به سه بخش خداشناسی، عقل‌شناسی و شناخت نفوس سماوی تجزیه کرد. جزئیات و تفصیل هر پنج بخش با ابن‌سینا به اوج خود می‌رسد، هرچند این تقسیم نه از سوی ابن‌سینا و نه از سوی دیگر حکیمان در عمل رعایت نشده است. دو علم وحی‌شناسی فلسفی و آخرت‌شناسی فلسفی به عنوان علوم فرعی الهی برای نخستین بار توسط ابن‌سینا در این رساله مطرح شده‌اند. ابن‌سینا در شرح این دو علم به نکات مهمی در باب وحی و معاد جسمانی اشاره کرده است.

نفوذ رساله اقسام الحکمة در دوران اسلامی به مراتب بیش از کتاب ارزنده «احصاء العلوم» فارابی است. رساله‌ای که بتواند متفکرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی را به اقتباس (گاه تا حد نقل مستقیم) وا دارد و متفکران صاحب‌مکتبی چون غزالی را از تأثیر خود بی‌نصیب نگذارد، جایگاه رفیعی در تاریخ طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام دارد. رساله اقسام الحکمة ابن‌سینا یکی از سه اثر تأثیرگذار حوزه «طبقه‌بندی علوم» در دوران اسلامی، و از زاویه «منبع‌شناسی فلسفی» یکی از سه اثر اصلی این دوران است. متن کامل این رساله به زبانهای لاتین، فرانسوی (۳ بار) و فارسی و پاره‌هایی از

آن به عبری و انگلیسی ترجمه شده است. علی‌رغم انتشار مکرر دو چاپ غیر مصحح، تصحیح انتقادی این رساله برای نخستین بار بر اساس چهار نسخ خطی شماره‌های ۴۷۵۴ و ۴۷۵۵ کتابخانه دانشگاه استانبول، ۴۶۵۱ کتابخانه ملک تهران و ۴۸۵۲ کتابخانه ایاصوفیه استانبول که تاریخ کتابت آنها بین سالهای ۵۸۸ تا ۷۲۴ است (گزیده شده از میان ۵۸ نسخه خطی) منتشر می‌شود. از دستاوردهای این تحقیق کشف اثر محتمل الانتساب تازه‌ای از ابن سینا به نام رساله «اقسام علوم الاوائل» است. کلید واژه‌ها: ابن سینا، رساله اقسام الحکمة، تقاسیم الحکمه، اقسام العلوم العقلیه، طبقه‌بندی علوم، طبقه‌بندی حکمت.

فهرست

چکیده

• تحلیل انتقادی متن رساله

بخش اول: پیشینه بحث طبقه‌بندی حکمت

۱. میراث ارسطو
۲. «رساله کمیة کتب ارسطوطاليس» کندی
۳. «رساله التنبیه علی سبیل السعادة» فارابی
۴. «کتاب احصاء العلوم» فارابی
۵. تقسیم علوم در دیگر آثار متقدمین

بخش دوم: تحلیل محتوای رساله اقسام الحکمة

۱. گزارش محتوای رساله
 ۲. اقسام حکمت و علوم وابسته در رساله
 ۳. فلاسفه و کتب یونانی در رساله
 ۴. نسبت حکمت و دین در رساله
- بخش سوم: طبقه‌بندی حکمت در دیگر آثار ابن سینا

۱. تقسیم حکمت در کتاب الشفا
 ۲. تقسیم حکمت در دانشنامه علائی
 ۳. تقسیم حکمت در عیون الحکمه
 ۴. تقسیم علوم در حکمت المشرقین
- بخش چهارم: ابتکارات و امتیازات رساله
۱. سیر تحول ابن سینا در طبقه‌بندی حکمت
 ۲. استفاده ابن سینا از آثار سلف
 ۳. امتیازات و ابتکارات ابن سینا در رساله
 ۴. بررسی میزان پایبندی ابن سینا در آثارش به مفاد رساله

بخش پنجم: بررسی تأثیر رساله در طبقه‌بندی حکمت

۱. غزالی و احیاء علوم الدین
۲. فخر الدین رازی و جامع العلوم

۳. طوسی، اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمة
۴. شهرزوری و الشجرة الالهيه
۵. قطب‌الدین شیرازی و درة التاج
۶. میزان نفوذ رساله اقسام الحکمة ابن سینا

• مقدمه تحقیق

۱. وجه انتساب رساله به ابن سینا
۲. یک رساله یا دو رساله؟
۳. عنوان رساله
۴. زمان نگارش رساله
۵. روش تحقیق

• مقدمه تصحیح

۱. مشخصات کلیه نسخ خطی شناخته شده رساله
۲. معرفی و ارزیابی کلیه چاپهای پیشین رساله
۳. ضرورت نخستین تصحیح انتقادی رساله
۴. مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح
۵. روش تصحیح
۶. مشخصات ترجمه‌های رساله به دیگر زبانها
۷. تشکر

• منابع

• متن رساله

{خطبة الرساله}

- [۱] فصل في ماهية الحکمة
- [۲] فصل في اول اقسام الحکمة
- [۳] فصل في اقسام الحکمة النظرية
- [۴] فصل في اقسام الحکمة العملية
- [۵] فصل في اقسام الحکمة الطبيعية
- [۶] اقسام الحکمة الفرعية الطبيعية
- [۷] الاقسام الاصلية للحکمة الرياضية

- [۸] الاقسام الفرعية للعلوم الرياضية
[۹] الاقسام الاصلية للعلم الالهي
[۱۰] فروع العلم الالهي
[۱۱] الاقسام التسعة للحكمة التي هي المنطق
{خاتمة رساله}

بسم الله الرحمن الرحيم

نوشتار «ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت (تحلیل، تحقیق و تصحیح رساله اقسام الحکمة شیخ‌الرئیس)» از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول: ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت (تحلیل انتقادی متن رساله)؛ بخش دوم: مقدمه تحقیق رساله؛ بخش سوم: مقدمه تصحیح انتقادی متن رساله؛ بخش چهارم: متن مصحح و محقق رساله.

۱. تحلیل انتقادی متن رساله

این مقدمه تحلیلی شامل پنج بخش است: اول، مروری بر پیشینه بحث طبقه‌بندی فلسفه؛ دوم، ابن سینا و طبقه‌بندی حکمت؛ سوم، تحلیل محتوای رساله اقسام الحکمة؛ چهارم، ابتکارات و امتیازات رساله؛ و بالاخره پنجم، بررسی تأثیر رساله در بحث طبقه‌بندی حکمت و علوم.

• بخش اول: پیشینه بحث طبقه‌بندی فلسفه

طبقه‌بندی فلسفه به ارسطو نسبت داده می‌شود. مرور پیشینه بحث را با بررسی آثار ارسطو و میراث یونانی ارسطو آغاز کرده‌ایم. سپس رسائل کندی اولین فیلسوف مسلمان را کاویده‌ایم. در سومین و چهارمین قسمت آثار فارابی مؤسس فلسفه اسلامی یعنی *التنبيه على سبيل السعادة و احصاء العلوم* را مطالعه کرده‌ایم. آثار دیگر متقدمین از قبیل اخوان الصفا، ابوالحسن عامری و *مفاتیح العلوم* خوارزمی در آخرین قسمت این بخش مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

۱. میراث ارسطو

انچه درباره طبقه‌بندی فلسفه به ارسطو نسبت داده می‌شود، یعنی تقسیم فلسفه به نظری و عملی، و تقسیم فلسفه نظری به طبیعیات و ریاضیات و الهیات، و تقسیم

فلسفه عملی به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست، هیچ‌یک دقیقاً به خود وی باز نمی‌گردد. در نوشته‌های ارسطو اشاره به یک تقسیم‌بندی مشخص و قطعی را نمی‌توان یافت. او مختصراً اشاره می‌کند که مسائل فلسفی را می‌توان در سه گروه جای داد: اخلاقیات، طبیعیات و منطقیات (توپیکا، کتاب ۱، فصل ۱۴، گ ۱۰۵ ب، سطر ۱۹). اما این تقسیم‌بندی را خود او نیز موقتی می‌داند.

چه‌بسا گفته شود (شرف، ۱۳۷۵، ۵۷۹) که اشاره‌های خود ارسطو در نوشته‌هایش تقسیم بنیادی فلسفه به نظری و عملی را تأیید می‌کند. از جمله: «فلسفه به درستی شناخت حقیقت نامیده شده است. هدف شناخت حقیقت نظری، حقیقت است و از آن شناخت عملی، کنش». (متافیزیک، کتاب II، فصل ۱، ۹۹۳ ب، ۱۹). فلسفه عملی نزد ارسطو دو گونه است: یکی آفرینش یا پدید آوردن و ساختن (poiesis)، و دیگری عمل یا کنش (praxis) که از آن میان، نخستین با استعداد و توان هنری فنی، و دیگری با خواست یا اراده پیوسته است. (متافیزیک، کتاب II، فصل ۱، ۱۰۲۵ ب، ۲۲).

حتی می‌توان تقسیمی ثلاثی را قابل توجه ارسطو در طبقه‌بندی فلسفه دانست (توپیکا، زنا ۶، ۱۴۵ الف ۱۵ به بعد؛ متافیزیک، اپسیلون ۱، ۱۰۲۵ ب ۲۵): اول، فلسفه نظری (متافیزیک، کاپا ۷-۱۰۶۴ ب ۱ به بعد) که در آن معرفت از این حیث که معرفت است غایت مورد نظر است، نه هیچ غرض عملی، و منقسم است به: (الف) فیزیک یا فلسفه طبیعی که با اشیاء مادی که دستخوش حرکتند سر و کار دارد؛ (ب) ریاضیات که با نامتحرک اما غیر مفارق (از ماده) سر و کار دارد؛ (ج) مابعدالطبیعه، که با مفارق (متعالی) و نامتحرک سر و کار دارد. دوم: فلسفه عملی (پراکتیکه) که اصولاً با علم سیاسی سروکار دارد، لیکن علم لشکرکشی (strategy)، علم اقتصاد و خطابه را به عنوان رشته‌های کمکی و فرعی دارد، زیرا غایاتی که در این رشته‌ها مورد نظر است، وابسته به غایت علم سیاسی و نسبت به آن در حکم کمک و متمم است (اخلاق نیکوماخوسی، آلفا ۱، ۱۰۹۴ الف ۱۸ به بعد). سوم، فلسفه شعری (پوئیکه) با تولید سر و کار دارد و نه با عمل از آن حیث که عمل است، چنانکه در مورد

فلسفه عملی (که شامل عمل اخلاقی به معنی وسیعتر یا به معنی سیاسی کلمه است) وضع چنین است؛ و در حقیقت همان نظریه هنر (Theory of Art) است. (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱ ص ۳۱۹).

در مقابل نظر دیگری در این باره مطرح است (طباطبائی، ۱۳۸۳، ۲۴۱-۲۳۹):
اولاً، تدوین منظومه فلسفی از ویژگی‌های دوران یونانی‌مآبی است و با روح اندیشه فلسفی ارسطویی سازگاری ندارد (During, 1957, 422). ارسطو هرگز رساله‌های خود را به صورت مجموعه‌ای تدوین نکرد. این آندرونیکوس رودسی (Andronicus of Rhodes) بود که در قرن اول پیش از میلاد با ترتیبی که به رساله‌های ارسطو داد زمینه را برای چنین تعبیری فراهم آورد. با رساله «زندگی‌نامه ارسطو» نوشته بطلمیوس افلاطونی این پندار که ارسطو خود این رساله‌ها را در منظومه‌ای منسجم تدوین کرده بود، تقویت شد. دیوجانس لائرتیوس (Diogenes Laertius) در قرن سوم میلادی در آثار و احوال فلاسفه مشهور تذکره‌ای فراهم آورد. او در شرح حال ارسطو پس از ذکر عناوین رساله‌های ارسطو، در شرح اجمالی فلسفه ارسطو بحث را با تقسیم فلسفه (همانگونه که آندرونیکوس تنظیم کرده بود) آغاز می‌کند: «این مجموعه را می‌توان به دو گونه فلسفه تقسیم کرد، فلسفه عملی و فلسفه نظری، فلسفه عملی شامل اخلاق و سیاست است و در آن از امور مربوط به شهرها و منزل بحث می‌شود. فلسفه نظری طبیعیات و منطق را شامل می‌شود. اما منطق شاخه‌ای جدا از دانش نیست، بلکه آلتی بسیار دقیق برای فهم دیگر دانش‌هاست.» (Laertius, 1972, V 28, p. 475).

ثانیاً، برای دو اصطلاح «حکمت عملی و نظری» یا به گفته دیوجانس در آثار و احوال فلاسفه مشهور *ton kata philosophian logon, ton men praktikon ton de theoretikon* در نوشته‌های ارسطو معادلی نمی‌توان یافت. اگر چه ارسطو تنها یک بار در رساله متافیزیک (۱۰۲۶ a19) از فلسفه‌های نظری (*philosophia theoretike*) سخن به میان آورده است، اما قرینه آن یعنی اصطلاح *philosophia praktike* به معنای حکمت عملی در آثار ارسطو به کار نرفته است. زیرا «ارسطو برخلاف برخی مشائیان متأخر بحث درباره سیاست و اخلاق را وارد در قلمرو فلسفی صرف

نمی‌دانسته و اصطلاح فلسفه عملی با توجه به مبانی فلسفه ارسطویی دارای تناقض بوده است.» (Allan, 1962, 169). جالب توجه است که ارسطو، مقولات عملی و نظری را در نوشته‌های خود به عنوان صفتی برای دو وجه خرد (logos) - اندیشه (dianoia) و توانائی دریافت علمی (episteme) می‌آورد و نه دو نظام گفتار فلسفی (logoi). بدین‌سان بحث ارسطو درباره اخلاق و سیاست و پیوند آن از مباحث «حکمت عملی» ارسطویی نیست، بنابراین تقسیم‌بندی درونی آن نیز به سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن به هیچ وجه نمی‌تواند ارسطویی باشد.

۲. «رساله کمیة کتب ارسطوطاليس» کندی

ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۲۵۲-۱۸۵) نخستین فیلسوف مسلمان در رساله مهم «کمیة کتب ارسطوطاليس و ما یحتاج الیه فی تحصیل الفلّسفه» (الکندی، ۱۹۵۰، ج ۱ ص ۳۸۴-۳۵۹) نخستین طبقه‌بندی علوم حکمی و کتاب‌شناسی فلسفی را به زبان عربی تدوین کرده است. او کتب ارسطو بلکه حکمت و علوم عقلی را بطور کلی به چهار نوع تقسیم کرده است: منطقیات، طبیعیات، ریاضیات و الهیات. هرچند با اضافه شدن علم اخلاق در ادامه، این عدد به پنج بالغ می‌شود. منطقیات نیز به هشت بخش تقسیم شده است. کندی به تفصیل هر بخش را معرفی کرده و واژه‌های یونانی معادل را نیز به دقت معنا کرده است.

طبیعیات به هفت کتاب تقسیم می‌شوند: الخبر الطبیعی (سمع الکیان)، السماء، الکون و الفساد، احداث الجو و الارض، المعادن، النبات، الحيوان. کندی در ادامه اموری را که در قوام و ثبات به ماده نیاز ندارند، اما گاهی در مادیات یافت می‌شوند، در چهار کتاب دنبال کرده است: النفس، الحس و المحسوس، النوم و اليقظة، طول العمر و قصره. به بیان وی مابعدالطبیعة کتاب واحدی است. آنگاه از سه کتاب اخلاق کبیر نیقوماخیا، اخلاق نیقوماخوس و کتابی کوچکتر شبیه نیقوماخوس سخن گفته است. کندی برای ریاضیات ارزش فراوانی قائل شده است و فهم فلسفه را تنها بعد از تعلم ریاضیات و منطق میسر دانسته است. ریاضیات به علم عدد، هندسه، تنجیم و تألیف

تقسیم می‌شوند.

او در میان تشریح علوم ریاضی استطراداً به مقایسه علم الهی و علوم انسانی می‌پردازد. به نظر او علوم انسانی منوط به طلب، رنج و چاره جوئی بوده در گذر زمان کسب می‌شوند، حال آنکه علم الهی از قبیل «علم رسل صلوات الله علیهم» بدون شرائط چهارگانه تنها با اراده خداوند و طهارت نفس نبی حاصل شده است. این علم مختص پیامبران است و هیچ انسانی را به این علم راهی نیست. کندی آنگاه به عنوان مثال یکی از آیات قرآن در سوره یس درباره معاد را تحلیل کرده، در انتها می‌پرسد کدام انسان با فلسفه بشری‌اش توان گنجاندن این معارف عظیم در این حروف اندک را دارد؟ زبان‌های منطقی، عقول جزئی بشری و توان انسانی از وصول به این مرتبه علم الهی عاجز است.

در انتهای رساله، کندی اغراض کتب ارسطو را یک به یک تشریح می‌کند. او غرض کتاب مابعدالطبیعیات را دو امر می‌داند: یکی وجودشناسی و دیگری خداشناسی (ناظر به توحید ذات و صفات و افعال). به نظر کندی غرض ارسطو در کتب اخلاقی سیاسی‌اش، یعنی کتاب/اخلاق نیکوماخوس که برای فرزندش نوشته و کتاب بولیطیقی یعنی مدنی که برای برخی برادرانش نوشته، به ترتیب وصول به فضائل و دوری از رذائل اخلاقی، و سیاست مدنی است.

در تقسیم حکمت و علوم در رساله بلکه رسائل بجا مانده کندی نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. کندی از دو قسم علوم بشری و الهی سخن گفته است. علم الهی مختص انبیاست. فلسفه با همه شعبش در زمره علوم بشری است که به لحاظ رتبه و گستره و عمق مادون علم الهی است.

۲. در طبقه‌بندی کندی نشانی از تقسیم حکمت به نظری و عملی به چشم نمی‌خورد.

۳. کندی در نهایت از شش طبقه مشخص از اقسام فلسفه سخن گفته است: منطقی، ریاضیات، طبیعیات، مابعدالطبیعه، اخلاق، سیاست مدنی.

۴. مفصل‌ترین بحث کندی درباره هشت بخش منطق است. او اشاره‌ای به مدخل

فرفورس ندارد.

۵. کندی درباره طبیعیات نیز به تفصیل به هفت کتاب و سپس چهار کتاب (نفس، حس و محسوس، خواب و بیداری، طول و قصر عمر) پرداخته است. کندی علیرغم مطرح کردن چهار رشته اصلی ریاضیات هیچ اشاره‌ای به علوم فرعی طبیعیات و ریاضیات نکرده است.

۶. با اینکه کندی تصریح کرده است که ارسطو «کتاب واحد»ی در مابعدالطبیعیات دارد و به *اثولوجیا* در این رساله هیچ اشاره‌ای نکرده است، اما شرح غرض کتاب آن بویژه در بخش دومش بیش از آنکه به متافیزیک ارسطو ناظر باشد، *اثولوجیا* را تداعی می‌کند.

۷. جایگاه «علم اخلاق نفس و سیاست آن» در رساله کندی به وضوح چهار علم دیگر نیست. وضعیت سیاست مدنی که کندی تنها یک بار در انتهای رساله در ذیل اخلاق به کتاب آن اشاره کرده، در ابهام بیشتری قرار دارد. او هیچ اشاره‌ای به تدبیر منزل ندارد.

۳. «رساله التنبیه علی سبیل السعادة» فارابی

مهمترین طبقه‌بندی علوم و فلسفه قبل از ابن‌سینا در دوران اسلامی متعلق به فارابی است. در آثار فارابی به دو تقسیم به ظاهر متفاوت برخورد می‌کنیم. یکی در «رساله التنبیه علی سبیل السعادة» و دیگری در کتاب «احصاء العلوم».

در رساله نخست (فارابی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۶-۲۲۳) فارابی صنایع را به دو صنف جمیل و نافع تقسیم می‌کند. صنایعی که مقصودشان فقط تحصیل جمیل است، فلسفه یا حکمت انسانی نامیده می‌شوند. صنایعی که مقصود از آنها نافع است، فلسفه نیستند، اگرچه گاهی با تشبیه به فلسفه به این نام خوانده می‌شوند. از آنجا که جمیل بر دو صنف است: صنف اول فقط علم است، صنف دوم علم و عمل می‌باشد؛ صناعت فلسفه نیز بر دو صنف است: صنفی که با آن معرفت موجوداتی که ایجاد آنها در شأن انسان نیست به دست می‌آید، یعنی فلسفه نظریه؛ و صنفی که با آن معرفت اموری که ایجاد آنها در شأن انسان است، و بر فعل جمیل آنها قدرت دارد، تحصیل می‌شود، یعنی

فلسفه عملیه یا فلسفه مدنیه.

این برای نخستین بار در تألیفات یک حکیم مسلمان است که فلسفه به دو قسم فلسفه نظریه و فلسفه عملیه تقسیم می‌شود. فلسفه نظریه مبتنی بر سه صنف علم تعالیم (ریاضیات)، علم طبیعی، و علم الهی (علم مابعد الطبیعیه) است. فلسفه عملیه یا فلسفه مدنیه به دو صنف صناعت خُلقیه یا علم اخلاق و فلسفه سیاسیه تقسیم می‌شود. به نظر فارابی علم منطقی به عنوان مقدمه لازم فلسفه به شدت مورد نیاز است.

ضمناً فارابی در رساله «ما ینبغی أن یقدم قبل تعلم فلسفة ارسطو» (قاهره، ۱۳۲۸) به هشت کتاب طبیعی، سه کتاب ریاضی (مناظر، خطوط و حیل)، هشت کتاب منطقی، سه کتاب در اصلاح اخلاق و تدبیر مدن و تدبیر منزل اشاره کرده است.

۴. کتاب «احصاء العلوم» فارابی

فارابی رساله پرآوازه احصاء العلوم (قاهره، ۱۹۴۹) خود را این گونه آغاز می‌کند: «بر آنیم که که در این کتاب دانش‌های مشهور را یک یک برشمریم، و خلاصه‌ای از مباحث هر یک از آنها را به دست دهیم و هر کدام که دارای چند بخش است از بخش‌های آن یاد کنیم و نمونه‌هایی نشان دهیم». غرض از تألیف احصاء العلوم معرفی علوم مشهور عصر فارابی جهت شناخت برترین و استوارترین دانش‌ها و تمییز عالمان حقیقی از مدعیان کم‌دانش است. بنابراین فارابی دائرةالمعارف مختصر خود را به علوم عقلی و حکمت منحصر نکرده است، بلکه گستره کاوش او، علوم ادبی و نقلی را نیز در بر گرفته است.

احصاء العلوم پنج فصل دارد. فصل اول به معرفی علوم ادبی اختصاص یافته است: علوم لغت، صرف، نحو، کتابت، قرائت و عروض. فارابی در فصل دوم که از مهم‌ترین و نافذترین فصول کتاب است، به معرفی علم منطقی می‌پردازد. اجزای منطقی به سیاق میراث ارسطو عبارتند از مقولات، عبارت، قیاس، برهان، جدل، سفسطه، خطابه و

شعر. در فصل سوم علم تعالیم (ریاضیات) معرفی شده است. بخش‌های این علم عبارتند از: حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، علم مناظر، علم اقبال و علم حیل (مکانیک). در فصل چهارم علم الهی (متافیزیک) و علم طبیعی (فیزیک) در کنار هم معرفی شده‌اند. بر سیاق ارسطو طبیعیات به هشت علم سماع طبیعی، بسائط، کون و فساد، افعال و انفعالات، مرکبات، معادن، نبات و حیوان منقسم است. از دیدگاه فارابی علم الهی بر سه بخش است. بخش اول وجودشناسی است. بخش دوم تعیین مبادی براهین علوم نظری را به عهده دارد. بخش سوم به مجرد شناسی اختصاص دارد.

فارابی در فصل پنجم به بررسی علم مدنی، فقه و کلام می‌پردازد. علم مدنی از دو بخش سعادت‌شناسی و احکام مدینه فاضله تشکیل می‌شود. علم اخلاق جزئی از بخش اول، و علم سیاست جزئی از بخش دوم علم مدنی است. علم فقه از دیدگاه فارابی علم اجتهاد در عقاید و افعال شرعی است. علم کلام در مرتبه متأخر از فقه، عهده‌دار دفاع از اعتقادات دینی در برابر شبهات مطرح شده از سوی ادیان دیگر است. او متکلمان را به پنج دسته تقسیم می‌کند. همه علوم فصل پنجم مبتنی بر وحی الهی‌اند، با این تفاوت که علم مدنی در مرتبه فلسفه درک می‌شود، و علم فقه و کلام در مرتبه دین.

مقایسه این دو تقسیم فارابی نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

۱. مقسم در تقسیم نخست فلسفه است، حال آن که در تقسیم دوم علوم مشهور است. بنابراین مقسم در /احصاء اعم از مقسم در /التنبیه است.

۲. اعمیت مقسم در طبقه‌بندی /احصاء به ورود دو صنف علوم ادبی (هفت علم لسانی) و علوم نقلی (فقه و کلام) می‌انجامد، که در تقسیم فلسفه در /التنبیه از آنها خبری نیست.

۳. تقسیم رئیسه فلسفه به نظریه و عملیه در /التنبیه قابل دفاع‌تر از تقسیم پنجگانه علوم در /احصاء است. بویژه آنکه به دو علم مقدماتی ادبیات و منطق دو فصل مستقل اختصاص یافته، اما طبیعیات و الهیات با یکدیگر در فصل چهارم مورد

بحث قرار گرفته‌اند. هکذا نگنجاندن علوم نقلی فقه و کلام در فصلی مستقل از علم مدنی.

۴. تقسیمات اصلی فلسفه در *التنبیه* به شرح ذیل با فصول *احصاء* مطابق است: فلسفه نظریه با فصول سوم (ریاضیات) و چهارم (طبیعیات و الهیات)؛ فلسفه عملیه با نیمه اول فصل پنجم (علم مدنی)؛ و علم آلی منطبق با فصل دوم.

۵. فارابی در *التنبیه* به تقسیم اولیه فلسفه نظریه به سه قسم و فلسفه عملیه به دو قسم اکتفا کرده است. حال آنکه در *احصاء اصناف* هر یک از این اقسام پنجگانه نیز معرفی شده است.

۶. اگرچه در هر دو رساله فلسفه عملیه یا علم مدنی به دو قسم تقسیم شده است، اما این دو قسم عیناً مطابق نیستند. اقسام دوگانه علم مدنی در *احصاء* (سعادت شناسی و احکام مدینه فاضله) اعم از مشابه خود در *التنبیه* (اخلاق و فلسفه سیاسی) است.

۷. فارابی در تقسیم فلسفه به نظریه و عملیه و تقسیم فلسفه نظریه به ریاضیات و طبیعیات و الهیات و امدار میراث ارسطو است.

۸. تقسیم فلسفه عملیه یا علم مدنی در هر دو رساله، تعریف فقه و کلام، اقسام متکلمین، نحوه ارتباط علوم مدنی و فقه و کلام، و بالاخره گنجاندن تقسیم علوم ادبی در زمره طبقه‌بندی علوم از ابتکارات فارابی است.

۵. تقسیم علوم در دیگر آثار متقدمین

در این مقام به بررسی مهم‌ترین آثار متقدم یعنی *رسائل اخوان الصفا، الاعلام بمناب الاسلام عامری و مفاتیح العلوم خوارزمی* می‌پردازیم:

اول: «*رسائل اخوان الصفاء*» نگاشته شده در اواسط قرن چهارم دائرةالمعارفی از علوم و فلسفه در ضمن پنجاه و دو رساله است؛ که توسط مؤلفین به چهار صنف اصلی تقسیم شده‌اند: ریاضیه تعلیمیه، طبیعییه جسمانییه، نفسانییه عقلیه و الهیه ناموسییه. در صنف اول از ۱۴ علم از جمله عدد، هندسه، نجوم، جغرافیا، موسیقی، ایساغوجی، بارامانیاس، آنالوطیقای اولی و ثانیه بحث شده است. صنف دوم به علومی از قبیل

سماع طبیعی، السماء و العالم، الكون و الفساد، الآثار العلویه، تكوين المعادن، النبات، تكوين الحيوانات و اصنافها، الحاس و المحسوس، الانفس الجزئیه اختصاص دارد. در صنف سوم علمی از قبیل مبادی عقلیه، العقل و المعقول، ماهیه العشق، البعث و القيامة، العلل و المعلولات، الحدود و الرسوم به چشم می‌خورد. و بالاخره صنف چهارم حاوی علمی از جمله الآراء و الدیانات، ماهیه الایمان، ماهیه الناموس الاهی، کیفیه احوال الروحانیین، انواع السیاسات، و ماهیه السحر و العزائم می‌باشد.

دوم: ابوالحسن محمد عامری (م ۳۸۱) در «الاعلام بمنایب الاسلام» علوم را به دو طبقه ملی (شرعی) و حکمی (فلسفی) تقسیم کرده است. علوم ملی بر سه قسم است: علم حسی (حدیث)، علم عقلی (کلام) و علم مشترک بین حس و عقل (فقه). علوم حکمی نیز بر سه قسم است: علم حسی (طبیعیات)، علم عقلی (الهیات) و علم مشترک بین حس و عقل (ریاضیات). منطق ابزار علوم حکمی است.

سوم: ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف الخوارزمی (م ۳۸۷) در «مفاتیح العلوم» طی دو مقاله علوم را معرفی کرده است: مقاله اول محتوی علوم شرعی و ملحقات آن از علوم عربی طی شش باب است: فقه، کلام، نحو، کتابت، شعر، عروض و اخبار. مقاله دوم علوم بیگانگان از جمله یونانیان را در ضمن نه باب معرفی کرده است: فلسفه، منطق، طب، حساب، هندسه، نجوم، موسیقی، علم الحیل و کیمیا. خوارزمی فلسفه را به دو قسم نظری و عملی تقسیم کرده است. فلسفه نظری بر سه قسم است: علم برین یا الهیات، علم وسطی یا ریاضیات، علم فروتر یا طبیعیات. فلسفه عملی نیز بر سه قسم است: علم اخلاق، تدبیر منزل و اداره اجتماع و ملت و کشور. او منطق را نیز به نه جزء از ایساغوجی تا بیوطیقی یا شعر تقسیم کرده است.

• بخش دوم: تحلیل محتوای رساله اقسام الحکمة

در این بخش چهار مطلب عرضه می‌شود: گزارش تحلیلی محتوای رساله، اقسام حکمت و علوم در رساله، فلاسفه و کتب یونانی در رساله، بحث درباره نسبت حکمت و دین یعنی غرض اصلی رساله.

۱. گزارش تحلیلی محتوای رساله

از ابن‌سینا در خواست می‌شود که اقسام علوم عقلی را به ایجاز و ترتیب تبیین نماید. بر این اساس در این رساله انتظار نیست از علوم نقلی (از قبیل تاریخ، کلام، فقه، تفسیر و حدیث) و علوم ادبی (از قبیل صرف و نحو و بلاغت و لغت) و علوم هنری و علوم شهودی (عرفان) بحث شود و نشده است.

ابن‌سینا با تعریف حکمت رساله‌اش را آغاز کرده است. تعریف وی از حکمت متکی بر غایت حکمت است. با حکمت در نظر، هستی و در عمل، شایسته‌ها را می‌شناسیم، تا به کمال نفس برسیم و به حسب طاقت بشری به عالمی معقول مشابه عالم موجود تبدیل شده به رستگاری نهائی در سرای دیگر نائل آئیم.

حکمت در نخستین و پایه‌ای‌ترین تقسیم به حکمت نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری باور یقینی به حال موجوداتی است که وجودشان متعلق به فعل انسان نیست و مقصود از آن تنها تحصیل رأی نظری یا حق است. مقصود از حکمت عملی حصول رأی معطوف به عمل یا شناخت خیر است.

حکمت نظری بر سه قسم است: علم اسفل یا طبیعی، علم اوسط یا ریاضی، علم اعلی یا الهی. در طبیعیات از اموری بحث می‌شود که در تعریف و وجود مادی و جسمانی‌اند. ریاضیات متکفل بحث از اموری است که اگرچه در وجود متعلق به ماده و حرکتند اما در تعریف به آن دو تعلق ندارند. اما اموری که در وجود و تعریف نیازمند ماده و حرکت نیستند در الهیات مورد بحث قرار می‌گیرند.

شیخ‌الرئیس در این رساله برخلاف انتظار با تشریح اقسام حکمت عملی بخشش را در تقاسیم ثانوی آغاز می‌کند. وجه تقسیم، افعال مختص افراد انسانی و افعال نیازمند به شرکت است، اعم از شرکت در اجتماع منزلی و اجتماع مدنی. علم اخلاق متکفل بحث از افعال و اخلاق شایسته برای دستیابی به زندگی سعادت‌مند است. علم تدبیر منزل عهده‌دار تنظیم روابط فرد با همسر، فرزند و مملوک برای وصول به سعادت است.

اما در سومین شاخه حکمت عملی از اقسام سیاستها و جوامع مدنی و طرق استیفا و زوال و انتقال هر یک از این جوامع بحث می‌کند. به نظر ابن‌سینا این علم دو بخش

دارد: بخش متعلق به مُلك و فرمانروائی که در کتب سیاست باید از آن سراغ گرفت؛ و بخش متعلق به نبوت و شریعت که در کتب نوامیس مورد بحث قرار می‌گیرند. مراد ابن سینا از ناموس، سنن و هنجارهای نازل توسط وحی الهی است. به نظر شیخ‌الرئیس بخش اخیر همچنین از ضرورت نبوت و نیاز بشر به دین بحث می‌کند.

شیخ‌الرئیس در فصل پنجم رساله حکمت طبیعی را به اصلی و فرعی تقسیم کرده، اقسام هر یک را به ترتیب در فصول پنجم و ششم برمی‌شمارد. در فصل هفتم اقسام اصلی حکمت ریاضی، و در فصل هشتم علوم فرعی ریاضی معرفی می‌شوند.

از دیدگاه ابن‌سینا اقسام اصلی حکمت الهی پنج علم است: اول: الهیات بالمعنی الاعم یا بحث از احکام عمومی موجودات؛ دوم: بررسی اصول و مبادی حکمت طبیعی و ریاضی و منطق؛ سوم: الهیات بالمعنی الاخص یا مباحث واجب‌الوجود از اثبات ذات و صفات؛ چهارم: عقل‌شناسی یا بحث از عقل اول و دیگر عقول و نقش این مجردات تام در جهان؛ پنجم: بحث از وجه ارتباط امور زمینی به امور آسمانی و امور آسمانی به عقول یا ملائک و عقول با خداوند و بحث از شرور. ابن‌سینا همه امور این حکمت را مبتنی بر برهان یقینی می‌شمارد.

شیخ‌الرئیس در فصل دهم دو علم را از فروع علم الهی می‌شمارد: اول وحی شناسی فلسفی و بحث از نحوه اخبار از غیب و الهام و وحی و روح القدس. دوم: علم معاد مشتمل بر معاد روحانی عقلی و معاد جسمانی شرعی که عقل با آن مخالفتی ندارد و نیز بحث از سعادت و شقاوت روحانی (که عقلاً قابل اثبات است) و جسمانی (که جوازش عقلاً و وجوبش از طریق پیامبر اثبات می‌شود).

پس از اتمام اقسام اصلی و فرعی حکمت، ابن‌سینا در فصل یازدهم به اقسام علم آلی یعنی منطق می‌پردازد که حکمت نظری و عملی هر دو به آن محتاجند.

شیخ‌الرئیس در پایان رساله می‌نویسد: با توجه به اقسام حکمت واضح شد که هیچیک از آنها مشتمل بر امور خلاف شرع نیست و انحراف برخی از مدعیان فلسفه ناشی از خود فلسفه نیست بلکه برخاسته از عجز یا کوتاهی از درک فلسفه است.

این خاتمه دلالت بر آن دارد که رساله در جو فشار بر فلسفه به اتهام مخالفت با

شرع در اندیشه دفاع منطقی از فلسفه نوشته شده است.

۲. اقسام حکمت و علوم وابسته در رساله

ابن‌سینا در رساله *اقسام‌الحکمه* در مجموع ۴۹ شاخه اصلی و فرعی حکمت را به شرح ذیل معرفی کرده است: ۸ علم اصلی و ۷ علم فرعی طبیعی، ۴ علم اصلی و ۱۱ علم فرعی ریاضی، ۵ علم اصلی و ۲ علم فرعی الهی، ۳ علم در حکمت عملی (علم سوم خود دو بخش دارد)، و ۹ بخش منطقی. بر این اساس ابن‌سینا در زمانه خود ۱۵ علم طبیعی، ۱۵ علم ریاضی، ۷ علم الهی یعنی ۳۷ علم در حوزه حکمت نظری می‌شناخته است.

حوزه حکمت نظری: (۱) طبیعیات: علوم اصلی: ۱. سماع طبیعی، ۲. السماء و العالم، ۳. الکون و الفساد، ۴. الاوضاع الجویه، ۵. معادن، ۶. النبات، ۷. طبایع الحیوان، ۸. النفس والحسّ والمحسوس. علوم فرعی: ۹. طب، ۱۰. احکام نجوم، ۱۱. علم فراست، ۱۲. علم تعبیر خواب، ۱۳. علم طلسمات، ۱۴. علم نیرنجات، ۱۵. علم کیمیا.

(۲) ریاضیات: علوم اصلی: ۱۶. علم حساب، ۱۷. علم هندسه، ۱۸. علم هیأت، ۱۹. علم موسیقی. علوم فرعی: ۲۰. حساب هندی، ۲۱. جبر و مقابله، ۲۲. علوم مساحت، ۲۳. علم الحیل، ۲۴. علم جرّ انتقال، ۲۵. علم اوزان، ۲۶. علم ابزار جنگی، ۲۷. علم مناظر و مرایا، ۲۸. انتقال آب؛ ۲۹. علوم زیج و تقویم، ۳۰. علم بکارگیری آلات موسیقی.

(۳) الهیات: علوم اصلی: ۳۱. امور عامه، ۳۲. اصول و مبادی دیگر علوم؛ ۳۳. مباحث واجب‌الوجود از اثبات ذات و صفات؛ ۳۴. عقل شناسی، ۳۵. وجه ارتباط امور زمینی به امور آسمانی و امور آسمانی به عقول یا ملائک و عقول با خداوند و بحث از شرور. فروع علم الهی: ۳۶. وحی و نبوت، ۳۷. علم معاد. حوزه حکمت عملی: ۳۸. علم اخلاق، ۳۹. علم تدبیر منزل، ۴۰. علم سیاست (شامل علم مُلک و علم نوامیس).

حوزه منطق: ۴۱. ایساغوجی، ۴۲. مقولات، ۴۳. عبارات، ۴۴. قیاس، ۴۵. برهان، ۴۶. جدل، ۴۷. مغالطه، ۴۸. خطابه، ۴۹. شعر.

۳. فلاسفه و کتب یونانی در رساله

ابن سینا در رساله/اقسام/الحکمة مجموعاً نام ۵ فیلسوف یونانی و ۲۶ کتاب ایشان را ذکر کرده است. فلاسفه مذکور در متن عبارتند از: افلاطون، ارسطو، اقلیدس، فرفورئوس و بروسن.

ابن سینا از ۲ کتاب افلاطون یاد کرده است، یکی در سیاست (جمهوری) و دیگری نوامیس (قوانین). از اقلیدس نیز دو کتاب اصول علم هندسه و مجسطی ذکر شده است. از فرفورئوس کتاب ایساغوجی و از بروسن کتاب تدبیر منزل.

ابن سینا در مجموع از ۲۰ کتاب ارسطو نام برده است: ۱. اخلاق [نیکوماخوس]، ۲. سیاست، ۳. در نوامیس [ظاهراً: قانون اساسی دولت شهرهای یونان]، ۴. سمع الکیان، ۵. السماء و العالم، ۶. الکون و الفساد، ۷. الآثار العلویة، ۸. النبات، ۹. طبایع الحیوان، ۱۰. النفس، ۱۱. الحس و المحسوس، ۱۲. متافیزیقا، ۱۳. قاطیغوریاس، ۱۴. باریمیناس، ۱۵. آنالوطیقا الاولی، ۱۶. آنالوطیقا الثانية یا افوذقطیقی ۱۷. طویقا یا دیالقطیقی، ۱۸. سوفسطیقا، ۱۹. ریطوریقی، ۲۰. بوطیقا.

از ۲۰ کتاب فوق‌الذکر ارسطو تنها کتاب النبات تألیف نیکولاس دمشقی است و به نادرست به ارسطو نسبت داده شده است. در انتساب بقیه به ارسطو تردیدی نیست. در اینکه مراد ابن سینا از ۲ کتاب ارسطو در سیاست دو کتاب مذکور است، دلایل لازم در حاشیه متن رساله اقامه شده است. به نظر می‌رسد که اگرچه ابن سینا این دو کتاب را می‌شناخته اما یقیناً از مفاد آنها اطلاعی نداشته است.

۴. نسبت دین و حکمت در رساله

با اینکه رساله/اقسام/الحکمة آنچنانکه از نام و مقدمه‌اش برمی‌آید، می‌باید به چیزی جز طبقه‌بندی حکمت نپردازد، اما خاتمه رساله و تفصیل بیش از حد متعارف برخی بخشهای رساله نشان می‌دهد که در پس پشت متن رساله علاوه بر تقسیم

حکمت، مصنف غرض دیگری را دنبال می‌کرده است. غرض ثانوی تدوین رساله تبیین نسبت دین و حکمت و اثبات عدم مخالفت شریعت با فلسفه است. خاتمه رساله چنین است:

«پس ما به اقسام [پنجاه‌گانه] حکمت راه بردیم، و آشکار شد که هیچ‌یک از آنها مشتمل بر امور خلاف شرع نیست، پس اینکه برخی از مدعیان حکمت از راه روشن شریعت بیراهه می‌روند، تنها از جانب خود و به واسطه ناتوانی و کوتاهی‌شان [از درک حکمت] گمراه شده‌اند، نه اینکه خود حکمت اقتضای آن [مخالفت شریعت] داشته باشد، پس آن [حکمت] از ایشان [حکیم نمایان منحرف از شریعت] برائت می‌جوید.»

عبارات فوق حاکی از آن است که اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم افرادی می‌زیسته‌اند که در عین اطلاع از حکمت، خارج از ضوابط شریعت سلوک می‌کرده‌اند. شیوه زیست ایشان این توهم را به وجود آورده بود که حکمت با شریعت ناسازگار است. فلسفه مهمانی ناخوانده از سرزمین شرک و بیگانه از توحید و دیانت و در نهایت «سُور کفار» است، مسلمان مستظهر به کتاب و سنت را با فلسفه یونانیان چه کار؟ مخالفان فلسفه طیف وسیعی را تشکیل می‌داده‌اند، از متکلمان، فقیهان، محدثان و در مجموع اهل ظاهر شریعت تا عارفان و صوفیان و اهل باطن دیانت. دسته اول به لحاظ عِدّه و عُدّه بر دسته دوم برتری داشته‌اند. بنابراین طبیعی است که موضع دفاعی رساله در مواجهه با ایشان باشد.

ابن سینا با ظرافت می‌گوید صنعتی که به دنبال «کشف حقیقت و خیر» است نمی‌تواند با شریعت که «بیانی همگانی از همان حقیقت و خیر» است، مخالف باشد. پس حکمت فی‌نفسه موجب و مقتضی مخالفت با شریعت نیست. مخالفت‌های پیش آمده - که شیخ منکر آنها نیست - ناشی از ذات فلسفه نیست، برخاسته از عجز یا تقصیر اشخاص مدعی فلسفه است. عجز ناظر به ناتوانی قوای ادراکی در فهم عمیق

حکمت، و تقصیر (و نه قصور) حاکی از اتهام عدم کوشش کافی در راه فهم حقیقت است. رساله با برائت جستن مصنف از این حکیم نمایان دین‌ستیز پایان می‌یابد. ابن‌سینا، اما در متن رساله گوئی در ضمیر ناخودآگاهش پیوسته به دنبال اثبات این گزاره ستر است: «حکمت بذاته منافاتی با دیانت ندارد». او بهتر از هر کس دیگر می‌داند که علیرغم برخورداری از قلمروهای اختصاصی، حکمت و دیانت قلمروهای مشترک وسیعی دارند. در صورت تعارض احکام حکمت و دیانت در این قلمروهای مشترک حق با کدام قاضی است؟

اولین صحنه رویارویی در این قلمرو مشترک، سیاست مدنی است. ابن‌سینا این قلمرو را از دو ناحیه شایسته سامان می‌یابد، یکی ناحیه مُلک و فرمانروایی و کشورداری و حکمرانی و دیگری ناحیه نبوت و شریعت و دیانت و ناموس. از نظر دور نباید داشت که این دو ناحیه «متعلق» بحث است نه داور و حاکم بحث. در هر دو ناحیه حکمت حکم می‌راند. این افلاطون و ارسطو هستند که در هر دو ناحیه چه در مُلک و چه در ناموس حاکمند. مراد فلاسفه از ناموس - به گزارش ابن‌سینا - سنت و فرشته (مثال قائم ثابت به نزول وحی) است. به نظر ابن‌سینا:

«با این جزء از حکمت عملیه [بخش ناموس از سیاست مدن] این امور دانسته می‌شود: [۱] ضرورت نبوت و احتیاج انسان در وجود، بقاء و بازگشتش به شریعت، [۲] حکمت قلمرو مشترک و مختص شرایع به حسب اقوام و زمانها [ی متفاوت]، [۳] فرق بین نبوت الهی و همه دعاوی باطل [مُتَنَبِّی‌ها]».

این سه موضوع اگر چه متعلق به دین و شریعت و وحی و نبوت هستند، اما از زاویه عقلی و منظر فلسفی مورد بحث قرار می‌گیرند. این مباحث را می‌توان از سنخ مباحث «فلسفه دین» معاصر دانست. ابن‌سینا در *حکمة المشرقیین* این جزء از سیاست مدن را علمی مستقل و چهارمین بخش از حکمت عملیه با نام «صناعت شارع» خوانده است.

منبع اولیه بخش ناموس از سیاست مدن، دو کتاب نوامیس از افلاطون و ارسطو - به معرفی ابن سینا - است. اگرچه در حوالی قرن سوم و چهارم کتاب نوامیس (قوانین) افلاطون و قانون اساسی دولت شهرهای یونان (اصول حکومت آتن) ارسطو در میان مسلمانان اجمالاً شناخته شده بود، اما یقیناً متن کامل آنها به عربی ترجمه نشده بود، و اطلاعات حکیمان مسلمان از آن دو منحصرأً از طریق برخی شروح و تلخیص‌های ناقص بوده است. به راستی اگر ابن سینا متن کامل این دو کتاب را خوانده بود، چنین نسبتی را به افلاطون و ارسطو روا می‌داشت؟ علم نوامیس با اجزای سه‌گانه‌اش در هیچ کتاب یونانی امکان یافت شدن نداشته است. هر سه جزء ناموس متعلق به دوران ادیان ابراهیمی و قرن‌ها پس از زمانه افلاطون و ارسطو بوده است. آری از افلاطون و ارسطو به روایت نوافلاطونیان (پس از فلوطین و فیلون یهودی) چنین مطالبی محتمل است. و ظاهراً مسلمانان با این روایت نوافلاطونی «این دو حکیم الهی» را شناخته بودند.

ابن سینا در تشریح سومین بخش از علم الهی بار دیگر از منظر فلسفی به حق اول، توحید در ذات و صفات و ربوبیت، بساطت ذات، کیفیت اسماء و صفات می‌پردازد. در بخش چهارم از علم الهی بحث از عقول و عالم ابداع، طبقات و کثرت ایشان است که با عناوین دینی ملائکه کروبیین، ملائکه موکل سماوات، حاملان عرش، مدبرات طبیعت و عالم کون و فساد مورد بحث قرار گرفته‌اند. بخش پنجم علم الهی به بحث از نفوس فلکیه که در تسخیر عقول هستند اختصاص یافته است. ارتباط زمین و آسمان، نحوه تحقق وحی و امر الهی، نحوه ارتباط ملائکه با خداوند و با یکدیگر، ارتباط ویژه ملائکه عامله و مبلغه ممشله، نحوه دخول شر در قضای الهی از جمله مباحث این بخش است. به روایت ابن سینا همه این مباحث (به علاوه امور عامه و اثبات مبادی دیگر علوم) در کتاب متافیزیک ارسطو آمده است.

واضح است که قلمرو یادشده قلمرو باورهای دینی است که از منظر فلسفی مورد بحث قرار می‌گیرد. اما آیا کتاب متافیزیک ارسطو حاوی اینگونه مباحث است؟ به نظر می‌رسد از سوئی همه فصول متافیزیک در دوران اسلامی ترجمه نشده بود، بعلاوه

ضمیمه شدن کتاب اثولوجیا به عنوان کتاب ارسطو زمینه‌ساز چنین پنداری است که متافیزیک ارسطو حاوی مطالبی از سنخ بخشهای سوم تا پنجم علم الهی است. ابن سینا دو علم فرعی الهی یعنی وحی‌شناسی و آخرت‌شناسی را مفصل‌تر از تمام دیگر علوم رساله مطرح کرده است. این موضوع کاملاً دینی در اینجا از منظر عقلی و به شیوه فلسفی مورد بحث قرار می‌گیرد. در وحی‌شناسی فلسفی کیفیت نزول وحی، ویژگیهای ملک موکل وحی روح‌الامین و روح‌القدس، چگونگی محسوس شدن وحی، معجزات و اخبار از غیب، الهام و کرامات اتقیاء ابرار مطالعه می‌شوند. در آخرت‌شناسی فلسفی دو موضوع معاد روحانی و معاد جسمانی مطرح‌اند. به نظر ابن سینا معاد روحانی را عقل و شرع ضروری می‌دانند، معاد جسمانی را شرع تجویز کرده و عقل هم با آن مخالفتی ندارد. وی معرفت معاد روحانی را منحصرأً عقلی و معرفت معاد جسمانی را منحصرأً از طریق وحی و شریعت میسر می‌داند. در انتهای آخرت‌شناسی فلسفی که مفصل‌ترین علم مورد بحث در رساله اقسام الحکمة است، ابن سینا نبوت را متمم عقل دانسته، به یک قاعده مهم اشاره می‌کند:

«هر آنچه [امور غیر ممتنع الوجودی] که عقل با دلیل به اثبات وجود و جوبش نرسد، فقط عقلاً جائز است، پس [اگر] نبوت بر وجود یا عدم چنین اموری فصلی منعقد کرد، [از آنجا که] صدق نبوت نزد عقل محرز است، معرفت عقل در آنچه از معرفتش قاصر بود، [با پذیرش از وحی] تمام [و کامل] می‌شود».

ابن سینا بالاخره به قلمروی اشاره کرد که عقل بیش از جواز و امکان در آن ورودی ندارد و حاکم به ضرورت یا امتناع وحی و شریعت است. معاد جسمانی از مصادیق بارز این قلمرو است. لازمه قاعده فوق، اذعان به محدودیت ادراک عقلی و خضوع عقل در برابر مفاد وحی در قلمرو یاد شده است. پیش از ابن سینا کندی نیز چنین موضعی پیش گرفته بود. البته فارابی در این موضع راهی متفاوت رفته است. مقایسه رویکرد این دو حکیم شهیر در مسئله خطیر نسبت دین و فلسفه مقام و

مقالی دیگر می‌طلبید.

• بخش دوم: اقسام حکمت در دیگر آثار ابن سینا

ابن سینا حداقل در چهار اثر دیگر خود مسئله تقسیم حکمت یا اقسام علوم را مورد بحث قرار داده است: کتاب الشفاء، دانشنامه علائی، عیون الحکمه، و حکمه المشرقیین. مروری در این مباحث چهارگانه به ایضاح مفاد رساله مورد بحث می‌افزاید.

۱. تقسیم حکمت در کتاب الشفاء ابن سینا

ابوعلی سینا در فصل دوم از مقاله اولی مدخل منطق شفا به تفصیل تقسیم دوگانه حکمت به نظری و عملی و تقسیم ثانوی سه‌گانه هر یک از دو حکمت را مورد بحث قرار داده است. بر این اساس علم طبیعی از موجوداتی بحث می‌کند که در تصور و قوام در حرکتند و هر نوعی از آنها به ماده مخصوصی تعلق دارند. ریاضیات عهده دار بحث از موجوداتی است که در تصور مفارق از حرکت و ماده‌اند اگرچه در قوام اینگونه نیستند. و علم الهی به موجوداتی اختصاص دارد که در تصور و قوام مفارق از ماده و حرکتند. شیخ به اجمال تقسیم اولیه دوگانه و تقسیم ثانوی سه‌گانه حکمت نظری را در فصل اول از مقاله اولی الهیات شفا نیز بحث کرده است.

ابن سینا پس از معرفی اجمالی اقسام سه‌گانه حکمت عملی به علم سیاست، تدبیر منزل و علم اخلاق در یک جمع‌بندی کلی درباره تمام اقسام حکمت می‌نویسد:

«صحت تمامی آنها با برهان نظری و شهادت شرعی محقق می‌شود. هرچند تفصیل و تقدیر آنها با شریعت الهی حاصل می‌شود.»

این عبارت مجمل و موجز است. اگر تمامی آنها (جمع ذلک) را به حکمت عملی که اخیراً درباره آنها بحث می‌کرد راجع بدانیم، اگرچه با رأی وی در عیون الحکمه سازگار می‌شود، اما امکان اقامه برهان نظری در حکمت عملی جای تأمل دارد. اگر جمع ذلک را به مطلق حکمت اعم از نظری و عملی راجع بدانیم آنچنانکه

سیاق عبارت و جمله بعدی (غایت در فلسفه نظری معرفت حق و در فلسفه عملی معرفت معرفت خیر است) نیز دلالت بر اعمیت حکمت دارد، بعلاوه در غیر این صورت رابطه شریعت و حکمت نظری مغفول مانده است؛ در این صورت صحت عبارت در گرو این است که برهان نظری را ناظر به حکمت نظری، شهادت شرعی را ناظر به حکمت عملی، و حصول تفصیل و تقدیر از سوی شریعت الهی را نیز ناظر به حکمت عملی بدانیم. و الا نه صحت قضایای حکمت نظری در گرو شهادت شرعی است و نه تفصیل و تقدیر آنها با شریعت الهی حاصل می‌شود. به هر حال شیخ در *عیون الحکمه* ارتباط حکمت و شریعت را واضح‌تر از مدخل منطق شفا تبیین کرده است.

۲. تقسیم حکمت در *دانشنامه علائی*

ابن سینا در دیباچه الهیات *دانشنامه علائی* تقسیم حکمت به نظری و عملی و بخش‌های سه‌گانه هر یک را با زیباترین واژه‌های فارسی به اجمال توضیح داده است:

«علمهای حکمت دو گونه بوند: گونه‌ای آن بود که از حال کُنش ما آگاهی دهد و این را علم عملی خوانند، زیرا که فایده وی آن است که بدانیم ما را چه باید کردن تا کار این جهانی ما ساخته باشد و کار آن جهانی امیدوار بود. و دیگر آن بود که از حال هستی چیزها ما را آگاهی دهد، تا جان ما صورت خویش بیابد و نیکیخت آن جهانی بود، چنانکه بجای خویش پیدا کرده‌اید، و این علم را نظری خوانند. و هر علمی از این دو علم سه گونه بود.

اما علم عملی سه گونه است: علم تدبیر عام مردم تا آن انبازی که ایشان را بدو نیاز است بر نظام بود؛ و این بر دو گونه است: یکی علم چگونگی شرایع، و دومی چگونگی سیاسات و نخستین اصل است و دوم شاخه و خلیفه. و اما علم دیگر علم تدبیر خانه است تا آن انبازی که اندر يك خانه افتد زن و شوی را و پدر و فرزند را و خداوند و

رهی را بر نظام بود. و سوم علم خود است که مردم بنفس خویش چگونه باید که بود. پس چون حال مردم یا به تنهایی خویش بود یا به انبازی، و انبازی یا به هم‌خانگان بود یا به هم‌شهریان، لاجرم علم عملی سه گونه بود: یکی علم تدبیر شهر، دیگر علم تدبیر خانه، و سوم علم تدبیر خود.

اما علم نظری بر سه گونه بود: یکی را علم برین خوانند و علم پیشین و علم آنچه سپس طبیعت است خوانند، و یکی را علم میانگین و علم فرهنگ و ریاضت خوانند و علم تعلیمی خوانند، و یکی را علم طبیعی و علم زیرین خوانند.»

نکات تازه متن فاخر دانشنامه به قرار ذیل است:

۱. تقسیم علم عام تدبیر مردم به علم چگونگی شرایع و علم چگونگی سیاسات.

۲. نسبت شرایع به سیاسات. اولی به مثابه اصل، و دومی به مثابه شاخه و فرع.

۳. این نحوه نگرش به نسبت دیانت و سیاست لوازم و نتایج فراوانی دارد، که در دنبال به آن خواهیم پرداخت.

۳. تقسیم حکمت در عیون الحکمه ابن سینا

در آغاز طبیعیات کتاب عیون الحکمه شیخ به اختصار پس از تقسیم حکمت به نظری و عملی به اقسام سه‌گانه هریک می‌پردازد. او حکمت عملی را به حکمت مدنی، حکمت منزلیه و حکمت خَلْقیه تقسیم می‌کند. به نظر وی:

«مبدأ این سه مستفاد از شریعت الهی است و کمالات حدود آن نیز توسط شریعت الهی تبیین می‌شود. بعد از آن قوه نظریه انسانی با معرفت قوانین عملی متخذ از ایشان و بکارگیری این قوانین در

جزئیات، در این امور تصرف می‌کند.»

ابن‌سینا در وجه تقسیم حکمت نظری با محوریت حرکت و تغییر، حکمت طبیعی را متعلق به اموری می‌شمارد که در حرکت و تغییرند. حکمت ریاضی از اموری بحث می‌کند که اگرچه وجودشان متغیر است اما ذهن می‌تواند آنها را از تغییر تجرید کند. و بالاخره فلسفه اولی متکفل بحث از اموری است که وجودشان مستغنی از همنشینی با تغییر است، و اگر هم با تغییر همنشین شود بالعرض خواهد بود نه اینکه بالذات در تحقق وجود نیازمند تغییر باشد. حکمت الهی یا ربویات یا الهیات بالمعنی الاخص جزئی از حکمت اولی است. به نظر ابن‌سینا در عیون الحکمة:

«مبادی هر سه شاخه حکمت نظری بر سبیل تنبیه مستفاد از صاحبان دین الهی است و با کمک قوه عقلی بر سبیل حجت برای تحصیل کمال در آن تصرف می‌شود.»

بنابراین از منظر ابن‌سینا در *عیون الحکمة* اولاً مبادی مطلق حکمت مستفاد از دین و شریعت الهی است، هرچند این استفاده در حکمت نظری تنبیهی است، اما در حکمت عملی این نیاز فراتر از استفاده تنبیهی است. ثانیاً در حکمت عملی علاوه بر مبادی، کمالات حدود نیز متخذ از دین و وحی است، در حالی که در حکمت نظری تحصیل این موارد عقلی است. ثالثاً شأن عقل در حکمت عملی تنها تطبیق کلیات بر جزئیات است، اما در حکمت نظری علاوه بر دو نکته پیشین، اقامه حجت نیز برعهده عقل است. این دیدگاه درست در نقطه عکس دیدگاه فارابی قرار می‌گیرد. فارابی در کتاب *الملة* تصریح کرده است: «همه شرایع فاضله تحت فلسفه عملیه‌اند»، همچنانکه جزء نظری ملت و دین ذیل کلیات فلسفه نظری قرار می‌گیرد. یعنی بین دین و فلسفه رابطه جزئی و کلی برقرار است، دین جزئی و فلسفه (نظری و عملی) کلی است. و این درست برعکس نسبت اصل و فرع (شریعت اصل و حکمت عملی و نظری فرع البته بر دو وجه مختلف) از دیدگاه ابن‌سینا است.

۴. تقسیم علوم در حکمت المشرقیین ابن‌سینا

اما بیان شیخ در مقدمه حکمة المشرقیین در تقسیم علوم از مواضع قبل متفاوت و حاوی نکاتی منحصر به فرد است. او ابتدا مطلق علوم (اعم از حکمت) را در تقسیم اولی به دو قسم تقسیم می‌کند: اول علوم موسمی که احکامشان تنها در برهه‌ای از زمان صلاحیت اجرا دارد. دوم علمی که احکام آنها نسبت به جمیع اجزاء روزگار متساوی النسبه است. دسته دوم به اینکه حکمت نامیده شوند سزاوارترند. دسته دوم یعنی حکمت به اصول و توابع و فروع تقسیم می‌شوند. او غرض از بحث را در علوم اصلی منحصر می‌داند و نیازی به بحث از علوم فرعی نمی‌بیند.

شیخ‌الرئیس آنگاه علوم اصلی را به علوم آلی و غیر آلی تقسیم می‌کند. علوم آلی که منحصر در علم منطقی است آلت و خادم دیگر علوم است. اما علوم اصلی غیر آلی به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شوند. هر یک از دو علم نظری و عملی به چهار علم تقسیم می‌شوند. اما اقسام چهارگانه علم نظری عبارتند از: علم طبیعی، علم ریاضی، علم الهی و علم کلی. قسم سوم یعنی علم الهی عهده‌دار بحث از امور مباین ماده و حرکت در تصور و در قوام است. در این علم از مجردات تامه بحث می‌شود از قبیل حق تعالی و عقول. این علم قریب به الهیات بالمعنی الاخص می‌باشد. قسم چهارم متکفل بحث از اموری است گاهی همنشین ماده‌اند و گاهی مفارق از ماده. نه مشروط به همنشینی با ماده‌اند نه مشروط به مفارقت از ماده. اینها کلی‌ترین احکام وجودند. معقولات ثانیه فلسفیه از قبیل وحدت و کثرت، کلی و جزئی، علت و معلول. این علم قریب به الهیات بالمعنی الاعم است. شیخ اذعان دارد که این تقسیم متعارف نیست. اما انصاف مطلب این است که این تقسیم به مراتب از تقسیم متعارف قابل دفاع تر است.

ابن‌سینا در تقسیم رباعی مشابهی علم عملی را نیز به علم اخلاق، تدبیر منزل، علم سیاست و صناعت شارعه تقسیم می‌کند. از آنجا که هر مشارکتی متکی به قانون مشروع و متولی آن قانون مشروع است که رعایت، عمل و حفظ آن را بر عهده دارد، اگر این قانون شریعت الهی و آن مقنن پیامبر باشد، به مشارکت کلی (سیاست) و

جزئی (تدبیر منزل) مبتنی بر آن «صناعت شارعه» گفته می‌شود. این صنعت از جانب خداوند است، و عقل انسانی را نرسد که آن را به عهده گیرد. اگرچه این تقسیم نیازمند ایضاح بیشتری است، اما بی‌شک از تقسیم مصطلح در شرق اسلامی قابل دفاع‌تر است، چرا که به هر حال دیدگاه شریعت در حوزه علوم عملی از منظر فلسفی در علم مستقلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

• بخش چهارم: ابتکارات و امتیازات رساله

در این بخش ابتدا سیر تحول اندیشه ابن‌سینا را در بحث طبقه‌بندی حکمت بررسی می‌کنیم، آنگاه در مقایسه رأی ابن‌سینا با پیشینیان در این حوزه می‌پردازیم تا میزان اقتباس وی از حکیمان سلف مشخص گردد، سپس به ابتکارات و امتیازات رساله *اقسام/الحکمة* خواهیم پرداخت، تا قدر و قیمت این رساله تعیین گردد. در نهایت میزان پای‌بندی ابن‌سینا در آثارش به مفاد این رساله را بررسی می‌کنیم.

۱) سیر تحول اندیشه ابن‌سینا در تقسیم حکمت

ابن‌سینا پس از نگارش *اقسام/الحکمة* حداقل چهار بار دیگر به تقسیم حکمت و علوم دست یازیده است. بخشی از این تقسیم‌بندی عیناً در هر پنج مرحله حفظ و رعایت شده است، و بخشی دیگر دچار تطور و تحول و احیاناً تکامل شده است. در این مقام در پی وقوف به جزئیات این دو مطلب هستیم.

مشترکات پنج اثر شیخ در تقسیم حکمت عبارتند از:

۱. در حکمت *المشرقیین*، حکمت به آلی و غیر آلی تقسیم می‌شود. حکمت آلی منطق است. حکمت غیر آلی به نظری و عملی تقسیم می‌شود. اگرچه این تقسیم صریحاً در چهار اثر دیگر نیامده اما مفاد آن در همگی رعایت شده است.
۲. در هر پنج اثر منطق به سه جزء تقسیم شده است.

تفاوت این آثار بویژه رساله *با شفا، دانشنامه، عیون و حکمة المشرقیین* به شرح ذیل است:

۱. مقسم در رساله، شفا، دانشنامه و عیون، «حکمت» است، اما در حکمت‌المشرقیین «مطلق علوم» شامل علوم موسمی و علوم ثابت یعنی حکمت است.
۲. در رساله، شفا، دانشنامه و عیون، حکمت نظری به سه قسم طبیعی، ریاضی و الهی تقسیم شده است. اما در حکمت‌المشرقیین در تقسیمی رباعی حکمت نظری به طبیعی، ریاضی، الهی و کلی تقسیم می‌شود. علم الهی از مجردات تامه و علم کلی از احکام کلی وجود بحث می‌کند. علم کلی در رساله قسم اول الهیات و علم الهی معادل چهار قسم دیگر آن است.
۳. در رساله، شفا، دانشنامه و عیون، حکمت عملی به سه قسم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست تقسیم شده است. اما در حکمت‌المشرقیین در تقسیمی رباعی حکمت عملیه به علم اخلاق، تدبیر منزل، علم سیاست و صناعت شارعه تقسیم شده است. ابن سینا در رساله و دانشنامه علم سیاست را متشکل از دو جزء دانسته، از آن با نام علم‌النوامیس و علم چگونگی شرایع یاد کرده، اما در حکمت‌المشرقیین آن را مستقل کرده است.
۴. ذکر منابع اصلی هر رشته مختص رساله است.
۵. بحث از علوم فرعی حکمت نظری اعم از ریاضی و طبیعی و الهی منحصرأ در رساله آمده است.
۶. نسبت حکمت و شریعت در هر پنج اثر مورد عنایت شیخ است. این نسبت به تدریج به سمت ابتناء حکمت بر شریعت و ازدیاد نقش وحی و شریعت تطور می‌یابد. ابن سینا در رساله به عدم مخالفت حکمت با شریعت اکتفا می‌کند. در شفا به این نتیجه می‌رسد که «صحت تمامی آنها [اقسام حکمت] با برهان نظری و شهادت شرعی محقق می‌شود. هرچند تفصیل و تقدیر آنها با شریعت الهی حاصل می‌شود». در دانشنامه تأکید می‌کند که «علم چگونگی شرایع اصل است و چگونگی سیاست شاخه و خلیفه». از منظر ابن سینا در عیون/الحکمة اولاً مبادی مطلق حکمت مستفاد از دین و شریعت الهی است، هرچند این استفاده در حکمت نظری تنبیهی است، اما در حکمت عملی این نیاز فراتر از استفاده تنبیهی است.

ثانیاً در حکمت عملی علاوه بر مبادی، کمالات حدود نیز متخذ از دین و وحی است، در حالی که در حکمت نظری تحصیل این موارد عقلی است. ثالثاً شأن عقل در حکمت عملی تنها تطبیق کلیات بر جزئیات است، اما در حکمت نظری علاوه بر دو نکته پیشین، اقامه حجت نیز برعهده عقل است. در *حکمة المشرقیین* صناعت شارعه، علمی الهی و برتر از عقل بشر معرفی شده است.

(۲) میزان اقتباس ابن سینا از حکیمان سلف

چکیده تحقیقات حکیمان پیش از ابن سینا در تقسیم حکمت به شرح ذیل است:

۱. تقسیم رئیسه حکمت به نظری و عملی: رساله *التنبیه علی سبیل السعادة* فارابی و *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

۲. تقسیم حکمت نظری به اقسام سه‌گانه ریاضی، طبیعی و الهی: رساله *التنبیه علی سبیل السعادة* فارابی و *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

۳. تقسیم علوم اصلی ریاضی به چهار قسم، رساله «*کمیة کتب أرسطوطاليس و ما يحتاج الیه فی تحصیل الفلسفة*» کندی.

۴. تقسیم علوم اصلی طبیعی به هشت قسم: رساله کندی، کتاب *احصاء العلوم* و رساله «*ما ینبغی آن یقدم قبل تعلیم فلسفة ارسطو*» فارابی.

۵. تقسیم علم اصلی الهی (دو قسم: وجود شناسی، خداشناسی): رساله کندی؛ (سه قسم: وجودشناسی، تعیین مبادی علوم نظری، مجردشناسی): کتاب *احصاء العلوم* فارابی.

۶. تقسیم حکمت عملی به اقسام سه‌گانه: رساله «*ما ینبغی ان یقدم قبل تعلیم فلسفة ارسطو*» فارابی و *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

۷. اقسام نه‌گانه منطق: *مفاتیح العلوم* خوارزمی.

بی‌شک ابن سینا در موارد فوق از کتب و رسائل پیشینیان خود بهره برده است.

(۳) ابتکارات و امتیازات رساله *اقسام الحکمة*

اما ابن سینا به میراث سلف صالح چه افزود؟ در پاسخ به این سؤال اساسی می‌توان به امتیازات و ابتکارات ذیل در دو قسمت اشاره کرد:

- اول: تثبیت مسأله در حکمت دوران اسلامی علیرغم غیر ابتکاری بودن آن:
۱. تبدیل «تقسیم حکمت به نظری و عملی» به تقسیم اصلی دوران اسلامی (با توجه به بی‌سابقگی این تقسیم در آثار کندی و *احصاء العلوم فارابی*).
 ۲. تقسیم ثلاثی حکمت عملی و احتساب تدبیر منزل به عنوان یک علم مستقل (با توجه به بی‌سابقگی این تقسیم در آثار کندی و *احصاء العلوم و التنبیه علی سبیل السعادة فارابی*).
 ۳. منطقی‌ت‌ جزئی با اضافه کردن ایساغوجی فورفریوس به هشت جزء ارسطویی (با توجه به بی‌سابقگی در آثار کندی و آثار یاد شده فارابی).
 ۴. تثبیت تقسیم رباعی علوم اصلی ریاضی (با توجه به بی‌سابقگی و عدم تفکیک علوم اصلی و فرعی در آثار فارابی).

دوم: ابتکارات و امتیازات رساله *اقسام الحکمة*:

۱. تقسیم سیاست مدنی به علم مُلک و علم نوامیس برای نخستین بار در این رساله صورت می‌گیرد.
۲. علم نوامیس (دین‌شناسی فلسفی) برای نخستین بار توسط ابن‌سینا در این رساله تأسیس می‌شود.
۳. عدم مخالفت حکمت با وحی و شریعت، اعتبار احکام وحی در حوزه ممکنات عقلی، و اذعان به محدودیت ادراک عقلی و خضوع عقل در برابر مفاد وحی در قلمرو یاد شده از ابتکارات این رساله است. این راه که با کندی آغاز شد، با ابن‌سینا به بالندگی رسید و با رویکرد اصالت فلسفه فارابی به کلی متفاوت است.
۴. فصول حکمت عملیه و حکمت الهیه این رساله در عین ایجاز حاوی مهم‌ترین آراء ابن‌سینا و از مهم‌ترین منابع حکمت دوران اسلامی است.
۵. ابن‌سینا در رساله، ۲۶ کتاب مرجع در رشته‌های مختلف حکمت از جمله ۲۰ کتاب ارسطو را معرفی کرده است. این رساله از زاویه «منبع‌شناسی فلسفی» یکی از سه اثر اصلی دوران اسلامی است.

۶. علوم اصلی الهی از ۳ مورد (در احصاء العلوم) به ۵ مورد افزایش یافته است. ابن سینا مجردشناسی فارابی را به سه بخش خداشناسی، عقل شناسی و نفوس سماوی تجزیه کرد. جزئیات و تفصیل هر پنج بخش با ابن سینا به اوج خود می‌رسد.

۷. دو علم مهم وحی شناسی فلسفی و آخرت‌شناسی فلسفی به‌عنوان علوم فرعی الهی برای نخستین بار توسط ابن سینا در این رساله مطرح می‌شوند. ابن سینا در شرح این دو علم به نکات مهم فلسفی در باب وحی و معاد جسمانی اشاره کرده است.

۸. علوم فرعی ریاضی توسط ابن سینا از ۳ مورد (در احصاء العلوم فارابی) به ۱۱ ، و علوم فرعی طبیعی از ۲ مورد (در مفاتیح العلوم) به ۷ مورد در رساله افزایش یافته است.

(۵) بررسی میزان پایبندی ابن سینا در آثارش به مفاد رساله أقسام الحکمة ابن سینا پس از نگارش این رساله آثار متعددی در شاخه‌های مختلف حکمت تدوین کرد. این آثار با طبقه‌بندی رساله أقسام الحکمة به چه میزان سازگار است؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال مهم در حوزه اخلاق علمی نکات ذیل یادکردنی است:

۱. فهرست آثار مسلم الانتساب ابن سینا حاکی از آن است که او به ندرت خارج از حوزه حکمت قلم زده است. آثار غیر حکمی او انگشت شمارند: ثلاث قصائد ضمنها الفاظاً الفاظاً غریبه فی اللغة؛ کتب ثلاث کتب احدها علی طریقه ابن العمید، و الآخر علی طریقه الصابی، و الآخر علی طریقه صاحب؛ کتاب لسان العرب؛ مقالة فی اسباب حدوث الحروف و مخارجها. بسیاری از این آثار کلاً یا جزئاً به زمان ما نرسیده است. آثار باقی‌مانده نیز خالی از جنبه حکمی نیست. آثار عرفانی شیخ از قبیل رساله حی بن یقظان، رساله الطیر و انماط ثلاثه اخیر الاشارات و التنبيهات را نیز می‌توان در زمره حکمت الهی بالمعنی الاعم دانست، هرچند مناسب‌تر آن است که آنها را حاکی از تحول منظر شیخ

در معرفت عقلانی بدانیم.

۲. اکثر قریب به اتفاق آثار مسلم الانتساب ابن سینا، در قلمرو حکمت نظری است. شیخ در تدبیر منزل و علم سیاست کتاب مستقل مسلم الانتسابی بجا نگذاشته است. در علم اخلاق تنها دو اثر «کتاب البر و الاثم فی الاخلاق» و «رساله العهد» را نگاشته است. آنچه‌آنکه در مقدمه شفا گفته است فشرده‌ای از علم اخلاق و سیاست را در انتهای علم مابعد الطبییه که از اقسام حکمت نظری است، آورده است. ابن سینا خود تقسیم خویش را رعایت نکرده است. اگر سیاست حکمت عملی است جایش در الهیات شفا نیست، و اگر جایش در الهیات شفا است، دیگر تقسیم حکمت عملی و نظری به چه معنا است؟

۳. ابن سینا تقسیم نه جزئی منطق این رساله را در آثار منطقی خود رعایت کرده است.

۴. آثار ریاضی شیخ‌الرئیس حاکی از انطباق آنها با تقسیم‌بندی رباعی او در این رساله است.

۵. آثار طبیعی ابن سینا جزئی تفاوتی با تقسیم هشت‌گانه او در این رساله دارد. ۶. از تألیفات شیخ‌الرئیس در فروع ریاضی و طبیعی، آثار طبی بسیار مهم او به ویژه «کتاب القانون فی الطب» قابل ذکر است. در میان آثار مسلم الانتساب او تألیف دیگری در این دو حوزه مشاهده نمی‌شود.

۷. در میان تألیفات متعدد شیخ در الهیات بخش اول (امور عامه) و بخش سوم (ربوبیات) به وفور به چشم می‌خورد. از بخش دوم (مبادی دیگر علوم) مطلقاً (چه به صورت تألیف مستقل، چه به صورت فصل مجزا) در آثار وی خبری نیست. او تألیف مستقلی درباره بخش سوم (عقول) و بخش چهارم (نفوس فلکی) نیز تدوین نکرده، هرچند فصول مستقلی را به این دو بخش در تألیفات اصلی‌اش اختصاص داده است.

۸. اگرچه از وحی‌شناسی فلسفی تألیف مستقلی از ابن سینا در آثار مسلم الانتسابش در دست نیست، اما در آخرت‌شناسی فلسفی و علم النفس فلسفی

او علاوه بر دائرة المعارف‌های ارزنده‌اش چندین تألیف مستقل بجا نهاده است: کتاب المبدء و المعاد؛ کتاب المعاد الاصغر؛ رساله فی النفس علی طریق الدلیل والبرهان؛ مقاله فی تحصیل السعادة و تعرف بالحجج العشرة.

۹. ابن سینا در هر ۹ علم منطوق، هر ۸ علم اصلی طبیعی، هر ۴ علم اصلی ریاضی تألیف دارد. اگرچه درباره کلیه مطالب پنجگانه اصلی و دوگانه فرعی علم الهی قلم زده است، اما تألیفات مستقل هفت‌گانه‌ای در شعب مختلف علم الهی ندارد. حتی الهیات او به شیوه تقسیم پنج‌گانه اصلی و دوگانه فرعی مذکور در این رساله فصل‌بندی هم نشده است. به یک معنی طرح تقسیم علم الهی رساله اقسام الحکمه حتی توسط خود مؤلف هم اجرا نشده است، چه برسد به دیگر فلاسفه. به بیان دیگر تقسیم علم الهی به ۷ قسمت اصلی و فرعی در دوران اسلامی هرگز پذیرفته نشده است، و چنین علوم مستقلی تدوین نشده‌اند.

• بخش پنجم: تأثیر رساله اقسام الحکمه ابن سینا در بحث طبقه‌بندی حکمت و علوم برای بررسی تأثیر رساله اقسام الحکمه ابن سینا در تاریخ طبقه‌بندی حکمت و علوم، پنج متفکری که در این حوزه صاحب تألیفند، برگزیدیم: غزالی و احیاء علوم الدین؛ فخر رازی و جامع العلوم؛ خواجه نصیرالدین طوسی و اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمه؛ شهرزوری و الشجرة الالهیه؛ قطب‌الدین شیرازی و درة التاج؛ و رساله ابن سینا را با هر یک از آنها به شرح ذیل مقایسه کردیم؛ و در انتها بر اساس این مطالعات تطبیقی موردی، میزان نفوذ رساله را در رشته خود ارزیابی کرده‌ایم.

۱. غزالی و احیاء علوم الدین

امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰) در کتاب «المنقذ من الضلال» دانش پژوهان روزگار خود را به چهار طبقه متکلم فیلسوفان، باطنیه (تعلیمی یا اسماعیلیه) و صوفیه (عرفا) تقسیم می‌کند. در کتاب العلم از کتاب «احیاء علوم الدین» و نیز «الرسالة اللدنیة» علوم را به دو طبقه شرعی (ماخوذ از انبیاء) و عقلی (که تنها از طریق عقل قابل دستیابی‌اند) تقسیم کرده است.

غزالی علوم شرعی را به دو دسته علم اصول و علم فروع تقسیم کرده است. علم اصول عبارت است از: علم توحید، علم نبوت، علم معاد، علم منابع معرفت شرعی (شامل دو منبع اصلی کتاب و سنت، و دو منبع فرعی اجماع امت و آثار صحابه). علم منابع شرع از علوم مقدماتی (علوم ادبی) و متمم برخوردار است. علوم قرآنی، علوم احادیث نبوی، اصول فقه و سیره از زمره علوم متمم منابع شرع محسوب می‌شوند. علم فروع به سه شاخه تقسیم می‌شود: تکلیف انسان نسبت به خداوند (عبادات)، تکلیف انسان نسبت به جامعه (معاملات و حقوق خانواده) و تکلیف انسان نسبت به نفس خود (علم اخلاق). علم عقلی از نظر غزالی به چهار دسته ریاضیات (حساب، هندسه، نجوم و هیأت، موسیقی)؛ منطق؛ طبیعیات (طب، هواشناسی، معدن شناسی، کیمیا) و علم ماوراءالطبیعه یا مابعدالطبیعه (وجود شناسی، ربوبیات، علم جواهر عقلی بسیط باشعور، علم عالم لطیف، علم نبوت ولایت و رؤیا، نیرنجیات).

غزالی در «مقاصد الفلاسفه» فلسفه یا علم حکمی را به نظری و عملی تقسیم می‌کند. در «الرسالة اللدنیة» علوم را به حصولی و حضوری تقسیم کرده است. در «جواهر القرآن» سخن از تقسیم فقهی علوم به واجب عینی و واجب کفائی گفته است. در احیاء از تقسیم علوم به دنیوی و اخروی نیز به چشم می‌خورد. (بکار، ۱۳۸۱، ص ۲۵۳-۲۴۷)

مقایسه تقسیم‌بندی‌های بویژه تقسیم عقلی شرعی غزالی با تقسیم‌بندی‌های فارابی و ابن‌سینا به نتایج ذیل منجر می‌شود:

۱. تقسیم‌بندی رئیسه عقلی شرعی در آثار غزالی از جمله مؤثرترین و مهمترین تقاسیم علم در دوران اسلامی است، که رویکرد متکلمانه وی را از رویکرد فیلسوفانه فارابی و ابن‌سینا متمایز می‌کند.

۲. از نظر فارابی علوم ادبی در زمره علوم شرعی است و لذا مختص زبان عربی است. حال آنکه به نظر فارابی در احصاء اولاً علوم ادبی یک دانش مستقل است. ثانیاً وسیله‌ای برای تمام علوم است نه فقط علوم دینی. و ثالثاً شامل همه زبانهاست نه مختص زبان عربی.

۳. غزالی به تبع ابن سینا منطق را یکی از علوم عقلی به حساب آورده است. هرچند فارابی و ابن سینا آن را مقدمه فلسفه و علم آلی شمرده‌اند، اما غزالی آن را یکی از اجزای چهارگانه فلسفه قلمداد کرده است.
۴. غزالی در سه قسم دیگر علوم عقلی (ریاضیات، طبیعیات و الهیات) از فارابی و بویژه ابن سینا تبعیت کرده است.
۵. غزالی به تبع ابن سینا طب و کیمیا را به علوم طبیعی افزوده است.
۶. غزالی همچون ابن سینا علم نیرنجیات را به فهرست علوم افزوده است، اما برخلاف ابن سینا آن را در زمره علوم الهی محسوب داشته نه طبیعی.
۷. غزالی در تقسیم علوم مابعدالطبیعه به شدت وامدار ابن سینا است.
۸. تفاوت اصلی غزالی با فارابی و ابن سینا از جمله در حذف کامل حکمت عملی از علوم عقلی، و ارجاع علم اخلاق و سیاست به علوم شرعی فرعی است. هر چند او در استقلال اخلاق از سیاست متأثر از ابن سیناست.

۲. فخر رازی و جامع العلوم

امام فخرالدین محمد بن عمر رازی (۶۰۶-۵۴۳) در کتاب فارسی جامع العلوم یا *حدائق الانوار فی حقائق الاسرار* معروف به کتاب ستینی (نگارش سال ۵۷۴) علوم متداول زمانه خود را گرد آورده، از هر يك سه مسئله اصلی و سه مسئله غامض و سه مسئله امتحانی «تا قصور اندك بضاعتان این علم در آن روشن شود» را ذکر و شرح داده است. او کتاب خود را با علم کلام آغاز کرده و پس از بحث در چهارده علم دینی به توضیح درباره هفت علم ادبی پرداخته است. منطق بیست و دومین علم مورد نظر اوست. علوم مقالات اهل عالم، الآخرة و الدعوات (شماره‌های ۵۳، ۵۷ و ۵۸) نیز ملحق به علوم دینی است.

علوم طبیعی اصلی (يك علم) و فرعی (۱۳ علم) مورد بحث فخر رازی به ترتیب عبارتند از: طبیعیات، تعبیر، علم الفراسة، طب، تشریح، علم صیدیه (دارو شناسی)، علم الخواص، علم اکسیر، علم الجواهر (شناخت سنگهای قیمتی)، طلسمات، فلاح، علم قلع آثار (زدودن لکه‌های لباس)، علم البيطرة (دامپزشکی)، علم البراة

(بیماری‌های باز).

فخر رازی به چهار علم اصلی و ۱۴ علم فرعی ریاضی و ملحقات آن (۲ مورد) به ترتیب ذیل پرداخته است: هندسه، مساحت، علم الاثقال، علم آلات حربیه، حساب هندی، علم الحساب الهوائی، جبر و مقابله، علم الالة ثماطیقی [ارثماطیقی]، علم عداد الوفق، علم المناظره [المناظر و المرايا]، موسیقی، هیئت، احکام نجوم، رمل، علم العزائم. علم شطرنج (۶۰) نیز ملحق به این قسمت است.

الهیات پنجاه و دومین علم در کتاب جامع العلوم است. فخر رازی حکمت عملی را در ضمن چهار علم اخلاق، سیاسات، تدبیر منزل و آداب ملوک بررسی می‌کند. اگر چه کتاب جامع العلوم در نوع خود منحصر به فرد است و گردآوری نه مسئله از هر علم در کنار هم آن را متمایز از کتب تقسیم علم و حکمت کرده است، اما تأثیر ابن سینا را در دو ناحیه در کتاب فخر رازی می‌توان مشاهده کرد، یکی آنچه او به تأیید یا نقد از شفا و قانون شیخ‌الرئیس نقل می‌کند. دیگری رعایت تقسیمات رساله ابن سینا در سه موضع است: یکی حکمت عملی، دیگری علوم فرعی ریاضی و سوم علوم فرعی طبیعی با برخی افزایشهای جزئی در دو ناحیه اخیر. جالب اینجاست که در عصر فخر رازی اهتمام مسلمین به علوم اصلی ریاضی و طبیعی و الهی کم شده، به همان میزان بازار برخی علوم فرعی افزایش فراوان یافته است.

۳. محقق طوسی، اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمة

خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمدبن محمد طوسی (۶۷۲-۵۹۷) در کتاب اخلاق ناصری و رساله اقسام الحکمة به تقسیم حکمت مبادرت کرده است. اما در اخلاق ناصری آنچه متفاوت با رساله ابن سیناست به این شرح است: در تقسیم علم مابعدالطبیعه آن را به دو فن اصلی علم الهی و فلسفه اولی، و فروعی از قبیل معرفت نبوت و شریعت و احوال معاد تقسیم کرده است. در فروع علم ریاضی و طبیعی، طوسی در هر يك به ذکر سه نمونه اکتفا کرده است. محقق طوسی پس از تقسیم ثلاثی حکمت عملی به نکات قابل توجهی اشاره کرده است:

«و بیاید دانست که مبادی مصالح اعمال و محاسن افعال نوع بشر که مقتضی نظام امور و احوال ایشان بود در اصل یا طبع باشد یا وضع؛ اما آنچه مبدأ آن طبع بود آنست که تفصیل آن مقتضای عقول اهل بصارت و تجارب ارباب کیاست بود و به اختلاف ادوار و تقلب سیر و آثار مختلف و متبدل نشود، و آن اقسام حکمت عملی است که یاد کرده آمد.

و اما آنچه مبدأ آن وضع بود اگر سبب وضع اتفاق رای جماعتی بود بران آن را آداب و رسوم خوانند، و اگر سبب اقتضای رأی بزرگی بود مانند پیغمبری یا امامی، آن را نوامیس الهی گویند؛ و آن نیز سه صنف باشد: یکی آنچه راجع با هر نفسی بود به انفراد، مانند عبادات و احکام آن؛ و دوم آنچه راجع با اهل منازل بود به مشارکت، مانند مناکحات و دیگر معاملات؛ و سیم آنچه راجع با اهل شهرها و اقلیمها بود مانند حدود و سیاسات؛ و این نوع علم را علم فقه خوانند.

و چون مبدأ این جنس اعمال مجرد طبع نباشد وضع است، به تقلب احوال و تغلب رجال و تطاول روزگار و تفاوت ادوار و تبدل ملل و دول در بدل افتد. و این باب از روی تفصیل خارج افتد از اقسام حکمت، چه نظر حکیم مقصور است بر تتبع قضایای عقول و تفحص از کلیات امور که زوال و انتقال بدان متطرق نشود و به اندراس ملل و انصرام دول مندرس و متبدل نگردد، و از روی اجمال داخل مسائل حکمت عملی باشد.» (ص ۴۱-۴۰)

دیدگاه ابن‌سینا در مقایسه با فارابی اگرچه اصالت فلسفی نبود، اما نگرش فلسفی‌اش را حتی به مقوله دین و اجزای آن تا به آخر حفظ کرد. بر این اساس علم نوامیس در ابن‌سینا به نوعی فلسفه دین بود، اما در طوسی به علم نقلی فقه که به تفصیل خارج از اقسام حکمت است، انجامید.

اما «رساله اقسام الحکمه» خواجه نصیر الدین طوسی که علی القاعده می‌باید از کارهای دوران جوانی وی باشد، تلخیص رساله اقسام الحکمه ابن‌سینا است، بی‌آنکه کمترین اشاره‌ای به این تلخیص و اقتباس از جانب مصنف یا مصحح صورت بگیرد. محقق طوسی در تلخیص خود تعریف و تشریح اکثر اقسام حکمت را (به استثنای طلسمات، نیرنجات، کیمیا و فروع علم الهی که مختصر شده‌اند) حذف کرده است. در رساله طوسی به عناوین کتب مرجع رشته‌های فلسفی نیز نیازی دیده نشده است.

نصیرالدین طوسی در رساله ملخص خود به پنج علم از علوم فرعی هندسه (مذکور در رساله شیخ) اشاره‌ای نکرده است:

علم الحیل المتحرکه، علم الاوزان و الموازن، علم الالات الحریّة، علم المناظر و المرايا و علم نقل المیاه. در این رساله همچنین علم الزیجات و التقاویم از فروع علم هندسه شمرده شده است، که احتمالاً این سهو از جانب ناسخان صورت گرفته است. شیخ این علم را به حق از فروع علم هیئت معرفی کرده بود.

ناسخان از کتاب هفتم منطق یعنی جدل (طویبقا) نیز غفلت کرده‌اند. خواجه در پایان می‌گوید حکمت ۴۴ بخش است و اگر منطق را بشمار نیاوریم ۳۵ می‌شود. ترتیب اقسام حکمت در رساله طوسی دقیقاً با رساله ابن‌سینا مطابقت دارد.

۴. شهرزوری و الشجرة الالهیه

شمس‌الدین محمد شهرزوری (قرن ۷) در کتاب «رسائل الشجرة الالهیه فی علوم الحقایق الریائیة» فصل سوم رساله اولی را به تقاسیم علوم، وجه امتیاز و چگونگی شعب علوم اختصاص داده است. او علوم را به دو دسته آلی و غیر آلی تقسیم کرده است. علوم آلی، منطق و علوم ادبی را در بر می‌گیرد. علم غیر آلی همان حکمت است، که به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شود. حکمت نظری علوم طبیعی، ریاضی، الهی و علم کلی را در بر می‌گیرد. ریاضیات به چهار علم هیأت، هندسه، موسیقی و عدد تقسیم می‌شود. مراد از حکمت عملیه، علم اخلاق، حکمت منزلیه و حکمت مدنیه (علم سیاست و علم نوامیس) می‌باشد. شهرزوری آنگاه به معرفی علوم فرعی طبیعی، ریاضی و الهی و نیز اقسام نه‌گانه منطق پرداخته است.

اگرچه شهرزوری در این فصل نکاتی را از سه‌روردی در تفاوت حساب و هندسه نقل کرده و نیز بحثی را در نقد افضلیت طبیعیات و ریاضیات بر یکدیگر منعقد کرده است، اما این بخش از کتاب خود را یقیناً از روی رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا نگاشته است، بی‌آنکه به این مهم اشاره کند. شهرزوری بخش اعظم رساله ابن‌سینا را

عیناً بدون کمترین تغییری در الفاظ نقل کرده است، تا آنجا که می‌توان در تصحیح متن رساله از گزارش بی‌نام شهرزوری سود جست. ضمناً شهرزوری به علوم اصلی طبیعی عنایتی نکرده است.

۵. قطب‌الدین شیرازی و درة التاج

قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی (۷۱۰-۶۳۴) در کتاب با ارزش «درة التاج لغرة الدباج» (تاریخ نگارش ۶۹۳) در فصل سوم فاتحه کتاب، (صفحه ۶۹ تا ۱۸۰ جلد اول، تصحیح محمد مشکوة، تهران، ۱۳۱۷ش) علوم را به حکمی و غیر حکمی تقسیم کرده است. علوم حکمی به نظری و عملی و علوم حکمی نظری به مابعدالطبیعه، ریاضیات، طبیعیات و منطق تقسیم می‌شود. از نظر قطب‌الدین مابعدالطبیعه دو بخش اصلی (علم الهی و فلسفه اولی) و سه بخش فرعی (علوم نبوت و علم امامت و علم معاد) دارد. او در ریاضیات چهار علم اصلی و نه علم فرعی، و در طبیعیات هشت علم اصلی و هشت علم فرعی و منطق را در نه بخش معرفی کرده است. علوم حکمی عملی نیز حکمت خُلقی، حکمت منزلی و حکمت مدنی را در بر می‌گیرد. او سپس به تقسیم حکمت مدنی به علم سیاست (که تعلق به ملک دارد) و علم نوامیس (که تعلق به نبوت و شریعت دارد) در نزد بعضی حکما اشاره می‌کند. مهمترین علوم غیرحکمی علوم دینی‌اند که به علوم نقلی و عقلی از یک سو و اصول و فروع از سوی دیگر تقسیم می‌شوند. وی شقوق مختلف و مفصلی را برای علوم دینی برشمرده است.

تقسیم علوم حکمی در درة التاج متخذ از رساله ابن‌سیناست. موارد تفاوت آن بسیار جزئی و به شرح ذیل است:

۱. قطب‌الدین دو علم فرعی ریاضی یعنی «آلات حربیه» و «اتخاذ الات عجیبه» (به ترتیب از فروع هندسه و موسیقی) را ذکر نکرده است.
۲. او در عوض در فروع طبیعیات «علم فلاحه» را افزوده است.
۳. وی قسم اول الهیات یعنی امور عامه را «فلسفه اولی» نامیده است، ولی به قسم

دوم یعنی «مبادی دیگر علوم» اشاره‌ای نکرده است.
۴. قطب‌الدین سه قسم اخیر الهیات را تحت نام واحد «علم الهی» آورده است. در واقع علم الهی او دو فن دارد: فن اول، عقول و آثار آن در عالم جسمانی و روحانی؛ فن دوم، واجب‌الوجود، وحدانیت او، نعوت جلال او، و کیفیت فعل و عنایت او. وی بخش پنجم علم الهی (به روایت ابن‌سینا) را در ضمن فن اول علم الهی و مقاله هفتم فن دوم طبیعیات گنجانیده است.
۵. او در حکمت عملی تنها نام سه رشته حکمت را تغییر داده است و تقسیم حکمت مدنی به علم سیاست و علم نوامیس را از دیگران نقل کرده، هرچند آن را رد هم نکرده است.

۶. قطب‌الدین معرفت امامت را به فروع علم الهی افزوده است.
۷. قطب‌الدین به کتب هر رشته از حکمت اشاره نکرده است.

طبقه‌بندی علوم حکمی درة التاج به شدت از رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا متأثر است. قطب‌الدین تقسیم علوم ریاضی و طبیعی اعم از اصلی و فرعی را عیناً از ابن‌سینا اخذ کرده است. هر چند او در کتاب خود صاحب ابتکار نیز هست. تغییرات ایجاد شده توسط وی در الهیات به واقعیت این علم نزدیک‌تر است. چرا که در هیچ‌یک از آثار حکمی، مبادی دیگر علوم که در حکمت الهی تبیین و اثبات می‌شود، جداگانه مورد بحث قرار نگرفته است. بر همین منوال تفکیک احکام نفوس فلکی از کتاب نفس و بحث عقول. صبغه دینی دیدگاه قطب‌الدین در تبیین حکمت عملی و نسبت آن با شریعت نیز شدیدتر از ابن‌سینا است که این نیز با زمانه وی سازگارتر است.

۶. میزان نفوذ رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا

اکنون پس از بحث تطبیقی موردی رساله اقسام/الحکمة ابن‌سینا با پنج اثر مهم پس از وی در حوزه طبقه‌بندی حکمت و علوم نتایج ذیل قابل ذکر است:
۱. تأثیر رساله اقسام/الحکمة در پنج متفکر مورد بحث به ترتیب چنین است: اول، خواجه نصیر (رساله اقسام الحکمة): اقتباس کامل؛ دوم، شهرزوری: اقتباس با

- پاره‌ای حذف و اضافات جزئی؛ سوم: قطب‌الدین شیرازی و اخلاق ناصری طوسی: اقتباس با پاره‌ای تغییرات غیر بنیادی؛ چهارم، غزالی: تأثیر در خطوط کلی؛ پنجم، فخر رازی: تأثیر در برخی موارد جزئی.
۲. غزالی در تقسیم علوم عقلی از فارابی و بویژه ابن سینا تبعیت کرده است. وی در تقسیم علوم مابعدالطبیعه به شدت وامدار ابن سینا است. تفاوت اصلی غزالی با فارابی و ابن سینا از جمله در حذف کامل حکمت عملی از علوم عقلی، و ارجاع علم اخلاق و سیاست به علوم شرعی فرعی است. هر چند او در استقلال اخلاق از سیاست متأثر از ابن سیناست.
۳. تأثیر ابن سینا در کتاب جامع العلوم فخر رازی در سه موضع است: یکی حکمت عملی، دیگری علوم فرعی ریاضی و سوم علوم فرعی طبیعی با برخی افزایشهای جزئی در دو ناحیه اخیر.
۴. خواجه نصیر الدین طوسی در اخلاق ناصری به شدت از رساله ابن سینا متأثر است. او تنها در تقسیم ثنوی سیاست مدن، رویکرد فلسفی به علم نوامیس و تقسیم علم اصلی مابعدالطبیعه با رساله ابن سینا تفاوت دارد. «رساله اقسام الحکمة» خواجه تلخیص رساله اقسام الحکمة ابن سینا است.
۵. شهرزوری فصل تقسیم حکمت الشجرة الالهية نکاتی را یقیناً از روی رساله اقسام الحکمة ابن سینا نگاشته است، بی آنکه به این مهم اشاره کند. شهرزوری بخش اعظم رساله ابن سینا را عیناً بدون کمترین تغییری در الفاظ نقل کرده است.
۶. طبقه‌بندی علوم حکمی درة التاج به شدت از رساله اقسام الحکمة ابن سینا متأثر است. قطب‌الدین تقسیم علوم ریاضی و طبیعی اعم از اصلی و فرعی را عیناً از ابن سینا اخذ کرده است. هر چند او در کتاب خود صاحب ابتکار نیز هست.
- رساله‌ای که بتواند متفکرانی چون محقق طوسی، شهرزوری، قطب‌الدین شیرازی را به اقتباس وادارد و متفکران صاحب مکتبی چون غزالی را به شدت و فخر رازی را

فی الجمله متأثر کند، جایگاه رفیعی در تاریخ طبقه‌بندی علوم در عالم اسلام دارد. رساله /قسام/ الحکمة ابن سینا بیش از کتاب /حصاء العلوم فارابی در حکیمان بعدی نافذ بوده است.

۲. مقدمه تحقیق

در این بخش از مقدمه به پنج مطلب به عنوان مقدمه تحقیق اشاره می‌شود. ابتدا درباره وجه انتساب رساله به ابن سینا بحث می‌کنیم. آنگاه با توجه به ذکر دو عنوان نزدیک به این رساله در برخی نسخ خطی رساله سرگذشت از وحدت یا تعدد این رساله سخن خواهیم گفت. سومین مطلب مهم عنوان رساله است: /قسام/ الحکمة یا /قسام العلوم العقلیة یا ...؟ آنگاه کوشش کرده‌ایم بر اساس برخی قرائن زمان نگارش رساله را تعیین کنیم. و بالاخره در پنجمین مطلب از روش تحقیق متن رساله بحث کرده‌ایم.

• وجه انتساب رساله به ابن سینا

از این رساله در قدیمی‌ترین منابع ابن سینا پژوهی یاد شده است تا آنجا که می‌توان به اطمینان گفت که این رساله یکی از چهل اثری است که ابو عبید عبدالواحد جوزجانی (متوفی ۴۳۸) در «رساله سیرة الشیخ/الرئیس» (نگارش بین ۴۲۸ تا ۴۳۸) در زمره آثار ابن سینا متذکر شده است. بر اساس تحقیق قریب‌الانتشار کتابشناسی جامع ابن سینا، این رساله سی و چهارمین اثر مسلم الانتساب ابن سینا می‌باشد. خلاصه این تحقیق به قرار ذیل است:

معتبرترین روایت «فهرست آثار ابن سینا» که به ترتیب روایات سوم و اول آن است، این رساله ذکر شده است:

روایت سوم: اثر ردیف شماره ۳۴ در فهرست موفق‌الدین ابوالعباس احمد بن قاسم ابن ابی‌اصیبعه سعدی خزرچی (۶۰۰-۶۶۸) در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء (نگارش ۶۴۰ یا ۶۴۷) (صفحه ۵ جلد ۲)؛ و فهرست جمال‌الدین ابوالحسن علی بن قاضی یوسف قفطی (۵۶۳-۶۴۶)؛ اخبار العلماء باخبار الحکماء به گزارش محمد بن

علی زورونی (صفحه ۴۱۸).

روایت اول: اثر ردیف شماره ۳۲ در فهرست ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بیهقی (۵۶۵-۴۹۹) در کتاب *تتمه صوان الحکمة / تاریخ حکماء الاسلام* (صفحه ۳۷) بر اساس نسخه خطی شماره ۷۳۷ کتابخانه برلن؛ و نسخه خطی شماره ۴۱۹۶/۱۰ کتابخانه ملک تهران با عنوان «ترجمة الحکیم الوزير شرف الملك ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری عفی الله تعالی عنه».

در دیگر روایات فهرست آثار ابن سینا، یعنی روایت دوم و چهارم که به ترتیب از اعتباری متوسط برخوردارند باز نام این رساله آمده است:

روایت دوم: اثر ردیف شماره ۳۶ در رساله «نکت جمعها الشیخ ابو عبید عبدالواحد الجوزجانی فی احوال الشیخ رئیس حجة الحق ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا و تواریخه المعروف بسرگذشت»، نسخه خطی شماره ۴۸۵۲^۱ ایاصوفیه، استانبول (و هفت نسخه مشابه آن)؛ و موفق الدین ابوالعباس احمد بن قاسم ابن ابی اصیبعه سعدی خزرچی (۶۶۸-۶۰۰) در کتاب *عیون الانباء فی طبقات الاطباء* (۶۴۰ یا ۶۴۷) در فهرست دوم آثار شیخ (صفحه ۱۹)؛ و اثر ردیف ۳۸ در رساله «سیره الشیخ رئیس رحمه الله و فهرست کتبه و ذکر احواله و تواریخه المعروفة بسرگذشت» نسخه خطی ۴۷۵۵^{۲۳} دانشگاه استانبول.

روایت چهارم: اثر ردیف ۵۵ و ۵۶ در فهرست ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بیهقی (۵۶۵-۴۹۹) در *تاریخ حکماء الاسلام (تتمه صوان الحکمة)* در روایت دوم این کتاب (صفحه ۱۸۸ مطبوع بر اساس نسخ خطی شماره ۱۴۰۸ کتابخانه مراد ملای استانبول مورخ ۶۳۹ و نسخه خطی شماره ۴۹۴ کتابخانه بشیر آغای استانبول مورخ ۶۸۹). و اثر ردیف ۷۴ و ۷۵ در رساله سرگذشت با عنوان «احوال الشیخ رئیس حجة الحق افضل المتأخرین ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری» در نسخه خطی شماره ۴۸۴۹^۱ کتابخانه ایاصوفیه که در تاریخ ۶۹۷ ثانیاً مقابله شده است (و دو نسخه مشابه آن)؛ و اثر ردیف ۵۵ و ۵۶ در نسخه خطی ۲۲۴/۱ دانشگاه تهران «رسالة فی تاریخ الشیخ رئیس حجة الحق ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا

روح الله رسمه و قدس نفسه عمله الحكيم ابو عبيد الجوزجاني عن بعض فضلاء اصفهان».

در دو روایت کم اعتبار فهرست آثار ابن سینا یعنی روایات پنجم و ششم، این رساله در روایت ششم معرفی شده اما در روایت پنجم ذکر نشده است: روایت ششم: اثر ردیف ۳۷ متن و ردیف ۶۴ حاشیه نسخه شماره ۳۴۴۷/۶ کتابخانه احمد ثالث؛ تاریخ کتابت ۸۶۶ رساله «مناقب الشيخ الرئيس ابی علی سینا رحمه الله» و دو نسخه مشابه آن.

عدم ذکر این رساله در روایت پنجم فهرست آثار ابن سینا یعنی رساله «تاریخ احوال الشيخ الرئيس افضل المتأخرين ابی علی الحسين بن عبدالله بن سینا البخاری سقی الله ثراه» نسخه خطی شماره ۱۴۵۲/۴ کتابخانه حمیدیه، احتمالاً قرن ۷ (و هفت نسخه خطی مشابه آن) خللی در اعتبار این رساله ایجاد نمی کند. زیرا اولاً فهرست آثار شیخ در این روایت، تمام آثار شیخ نیست؛ به دو قرینه: یکی عبارت «و هذا فهرست کتبه» در آغاز فهرست که بر خلاف دیگر روایات ادعای استقصای «جميع» آثار شیخ را ندارد. دیگری عبارت «... و كثير من الكتب و الرسائل لم تدخل في هذا الفهرست.» در انتهای فهرست که دلالت بر گزینشی بودن این فهرست دارد. ثانیاً این فهرست برخلاف متن رساله یقیناً کار جوزجانی نیست، بلکه نگارش کاتب مجهول الهویه این نسخه است. ثالثاً فهرست این روایت به لحاظ اعتبار در ردیف آخر یا ماقبل اخیر روایات شش گانه قرار دارد. در ۷۳ اثر معرفی شده در این روایت سه اثر اختصاصی مشکوک به نامهای کتاب *التعبير المترجم بالفیض الالهی؛ رساله فی کلف القمر، الرساله الخوریة* آمده است. بعلاوه دیگر آثار این روایت بر گرفته از روایت چهارم است که آن نیز روایت کم اعتباری است.

بر این اساس بدون تردید این رساله یکی از آثار مسلم الانتساب ابن سیناست. این رساله در فهرس متأخر آثار ابن سینا به شرح ذیل یاد شده است: عثمان ارگین: شماره ۳۲؛ بروکلن: شماره ۲۴، جورج شحاته قنواتی: شماره ۴؛ یحیی مهدوی: شماره ۳۲.

• یک رساله یا دو رساله؟

اگرچه در روایات معتبر سوم و اول و نیز روایت دوم فهرست آثار ابن سینا از یک رساله با مشخصات مورد نظر یاد شده است؛ اما در روایات کم اعتبار چهارم و ششم، دو رساله با عناوین ذیل ذکر شده است:

روایت چهارم: ردیف ۵۵ (۷۴): فی (الإشارة إلى) اقسام العلوم؛ ردیف ۵۶ (۷۵): فی (بیان) اقسام الحکمة.

روایت ششم: ردیف ۳۷ (۳۶): مقالة فی تقاسیم/تقسیم الحکمة و العلوم؛ ردیف ۶۴ حاشیه (۱۹۷): رساله فی اقسام العلوم.

اگر فرض کنیم عناوین «فی (بیان) اقسام الحکمة» و «مقالة فی تقاسیم/تقسیم الحکمة و العلوم» حاکی از یک اثر هستند (با توجه به قرائن عدیده‌ای که در بخش بعدی خواهد آمد)؛ این دو روایت اثر مستقل دیگری با عنوان «فی (الإشارة إلى) اقسام العلوم» یا «رساله فی اقسام العلوم» را نیز از آثار ابن سینا معرفی کرده‌اند.

پذیرش وجود دو رساله مستقل در اقسام علوم و حکمت از ابن سینا با توجه به ادله ذیل در بدو نظر دشوار است:

اولاً، در فهرست آثار مسلم الانتساب ابن سینا بیش از یک اثر در تقسیم حکمت یا تقسیم علوم عقلیه نیامده است. دو روایت معتبر سوم و اول و روایت دوم فهرست آثار شیخ نیز مؤید همین مطلب است.

ثانیاً، می‌توان گفت: حاشیه نسخه ۳۴۴۷ احمد ثالث (روایت ششم) که به خطی مغایر با خط متن نگاشته شده (و دو نسخه مشابه آن که بی‌هیچ توضیحی حاشیه را به متن منتقل کرده‌اند) بی‌اعتبارترین روایت فهرست آثار ابن سینا است؛ به ذکر «رساله فی اقسام العلوم» در این حاشیه واقعی نیست. اما در نسخ روایت چهارم (فارغ از کم اعتباریش) ذکر «فی (الإشارة إلى) اقسام العلوم» (مقدم بر «فی (بیان) اقسام الحکمة») مشکلی ایجاد نمی‌کند، چرا که به احتمال قوی مراد «اقسام العلوم العقلیه» بوده که کاتب با غفلت از کلمه «العقلیه» آن را مستقل از اقسام الحکمة توهم

کرده است.

اما برای آزمون ادعای رساله مستقل از /اقسام/ الحکمة یا اقسام العلوم العقلیه راه مطمئن‌تری سراغ است، و آن مراجعه به خود نسخ خطی آثار ابن سینا است. در نزدیک پنج هزار نسخه خطی کشف شده از آثار ابن سینا يك نسخه با مشخصات ذیل می‌تواند مصداق ادعای یادشده باشد: نسخه شماره ۷۱۲/۵ کتابخانه مجلس سنه، قرن ۱۱، با عنوان «رسالة فی اقسام العلوم» (در ۸ صفحه، از ۲۷۰ تا ۲۷۹، ۱۷ سطر). آغاز و انجام و فصل‌بندی این رساله چنین است:

«هذا ما عمله الشيخ الرئيس ابوعلی الحسين بن عبدالله بن سینا لمجلس الشيخ الجلیل السید ابی الحسین احمد بن محمد السهلی لما عرف کمال حظه فی فنون الحکمة و محبته لها و تکفله المنتهین الیهما عمل مشجرا یوضح فیہ جمیع اقسام علوم الاوائل بمجاء العین و یدکر ما الذی یشتمل علیه کل قسم منها و فی ای الکتب توجد القوانین و الاصول لكل فن منها لیسهل علی من تاملها معرفة الفائدة و الغرض فی العلم الذی یریده من علومهم و الکتاب الذی یدله علیه من کتبههم، و شفغ الی الشیخ الجلیل فضله العزیز فی الامر باصلاح الخلل ان کان وقع فی هذا العمل منعما ان شاء الله عز ذکره و له الحمد کفاء افضاله و صلواته علی نبیه محمد و اله. علوم الاوائل تنقسم قسمین: قسم هو الة و هو المنطق ... و هو تسعة اقسام ... و قسم هو غرض و هو مسمى عندهم فلسفة و هو تنقسم قسمین: احدهما و هو الفلسفة العملية ... و هو ثلاثة اقسام ... و الثانی و هو القسم الثانی من القسم الثانی من الکتاب و هو الفلسفة النظرية ... و هو ثلاثة اقسام احدها العلم الطبيعي ... و هو قسمان ... و الثانی و هو العلم التعالیم ... و هو قسمان ... و الثالث و هو العلم الموسوم بمابعد الطبيعة و هو ثلاثة اقسام قسم منه یشتمل علی تعریف الموجود ... و قسم یشتمل علی اثبات الاصول التي هی مبادئ للعلوم الجزئية ... و قسم یشتمل علی اثبات المبدء الاول ... و تعریف الملائكة المقربين و کم عدة طبقاتهم و تعریف سكان السموات منهم و انهم کیف تعبدوا فی تدبیرها حتی سموا المدبرات امرا و تدبیر تعلق تاجسام السفلیة بالعلویة و کیفیة تعلق الكل بتوکیل الملائكة المقربين به بالامر الالهی الواحد و فی تعریف الثواب و العقاب فی الآخرة، و الاقسام کلها فی کتاب مابعد الطبيعة، و هذا القسم خاصة فی کتاب اثولوجیان. و قد تمت الرسالة، و الحمد لله رب العالمین». (کتب فی حاشیة آخر النسخة: نقل هذه الرسالة من نسخة کتب فی آخرها «نقل هذه

الرسالة من خط المصنف اعلى الله درجته».

ابوالحسن احمد بن محمد السهيلي (ابوالحسن سهل بن محمد السهلي / ابى عبدالله الحسن بن سهل ابن محمد) چنانکه شيخ الرئيس خود در رساله سرگذشت متذکر شده همان وزير دانش دوست على بن مأمون خوارزمشاهى بوده است. شيخ الرئيس رسائل «فى امر مستور الصنعة / الاكسير ، الكيمياء، فى الصنعة»، «علة قيام الارض فى وسط السماء / رساله فى علة قيام الارض فى حيزها، تناهى الاجسام»، «كتاب فى دفع المضار الكلية عن الابدان الانسانية بتدارك انواع خطأ التدبير» و «ارجوزة فى المنطق» را برای اين وزير دانش دوست نوشته است.^۱

چون شيخ پس از فوت پدر (حدود ۳۹۲) و اضطراب امور سامانيان، به گرگانج رفته است و در حدود سال ۴۰۳ از گرگانج برای دريافتن خدمت قابوس عزيزت کرده و ابوالحسن السهيلي هم در سال ۴۰۴ گرگانج را ترك گفته است، تاريخ تصنيف اين رساله‌ها بايستی بعد از سال ۳۹۲ و قبل از ۴۰۳ باشد.

در رساله *اقسام العلوم* بحث اصلى در اقسام علوم اوائل و معرفى كتب قوانين و اصول هر علم است. علوم اوائل به دو قسم آلى و نفسى تقسيم شده است. در فلسفه عمليه از كتب اخلاق و نولوطيقا [بوليطيقا] ارسطاطاليس و كتاب السيادة [السياسة] افلاطون اسم برده شده است. در فروع علم طبيعى نام كتب هرمس، واليس، بقراط، جالينوس، دياسقوريدوس، ماجاطانيس، قرانبادينات، كتاب الفلاحة لقسطوس به چشم مى‌خورد. در همين بخش سه قسم كيميا كه مورد قبول برخى اوائل و مورد انكار جمهور است معرفى شده است. در بخش علوم رياضى از كتب اقليدس، ارشميدس، بنى موسى شاکر ياد شده است. و بالاخره در مابعدالطبيعة تنها كتاب *اثولوجيا* معرفى شده است. در اين رساله اقسام علوم فرعى با شرح و تفصيل و احياناً با ذکر اقسام جزئى و كتب مرجع در هر رشته معرفى شده‌اند.^۲

اين رساله را مى‌بايد «*رسالة اقسام علوم الاوائل*» ناميد. اين رساله تک نسخه‌ای اگر چه مشابه رساله *اقسام الحكمة* است، اما يقيناً با آن متفاوت است. عدم اشاره به آن در روايات سوم و اول فهرست آثار شيخ الرئيس آن را از زمره آثار مسلم

الانتساب ابن سینا بیرون می‌کند. با توجه به ذکر آن در دو خرده روایت اصلی از روایات چهارم (نسخه مرادملای تنمة صوان الحکمة و نسخه ۴۸۴۹ ایاصوفیای رساله سرگذشت) و عدم ناسازگاری با سبک و سیاق آثار مسلم شیخ و اقامه نشدن دلیلی بر عدم انتساب آن به ابن سینا، این رساله در زمره «آثار محتمل الانتساب» شیخ‌الرئیس محسوب می‌شود. هر چند عدم اشاره ولو جزئی به آن در رساله مسلم الانتساب اقسام الحکمة سؤالی جدی فراروی آن به شمار می‌آید. تحقیق درباره این رساله تازه مکشوف مجالی دیگر می‌طلبد. کشف این رساله از نتایج نیکوی تحقیق رساله اقسام الحکمة است، و لله الحمد.

• عنوان رساله

برای به دست آوردن عنوان رساله از سه دسته قرائن سود جسته‌ایم: اول، فهرست آثار ابن سینا؛ دوم، عناوین نسخ خطی رساله؛ سوم، قرائن داخلی متن رساله. قرائن دسته اول، فهرست آثار ابن سینا. از روایات مختلف آثار ابن سینا به ترتیب اعتبار عناوین ذیل برای رساله مورد بحث به دست می‌آید:

۱. اقسام الحکمة (قفطی، فهرست اول ابن ابی اصیبعه)؛ مقالة فی اقسام الحکمة (۴۷۵۵ یونیورسیتته، سرگذشت)؛ فی اقسام الحکمة (نسخه مراد ملای تنمة و ۴۸۴۹ ایاصوفیه، سرگذشت).

۲. اقسام علوم الحکمة (نسخه برلن، تنمة).

۳. مقالة فی تقاسیم الحکمة و العلوم (فهرست دوم ابن ابی اصیبعه و ۴۸۵۲ ایاصوفیا، سرگذشت و ۳۴۴۷ احمد ثالث، سرگذشت)

آنچنانکه گذشت روایت سوم از فهرست آثار ابن سینا معتبرترین روایت این فهرست است، که بر اساس آن عنوان «اقسام الحکمة» به دست می‌آید. دسته دوم، عناوین نسخ خطی رساله. از چهار نسخه اقدم و دیگر نسخ مختلف رساله این عناوین به دست می‌آید:

۱. کتاب اقسام الحکمة و تفصیلها له (۴۷۵۵ یونیورسیتته)؛ رساله فی اقسام الحکمة (۴۶۵۱ ملک)؛

۲. کتاب اقسام العلوم العقلية (۴۷۵۴ یونیورسیتته)؛

۳. رساله فی تقاسیم الحکمة (۴۸۵۲ ایاصوفیا)؛

از چهار نسخه منتخب، دو نسخه اقدم معنون به (کتاب/ رساله فی) اقسام الحکمة (و تفصیله‌ها له) هستند. نسخه سوم عنوان «کتاب اقسام العلوم العقلية» و نسخه چهارم «رساله فی تقاسیم الحکمة» را بر تارک خود دارند. عنوان اخیر به نحوی راجع به عنوان اول است. از این چهار نسخه عنوان «رساله اقسام الحکمة» به دست می‌آید، که با سه نسخه فی الجمله سازگار است. عنوان «کتاب/ رساله اقسام العلوم العقلية» اگرچه عنوان اصح نسخ منتخب است؛ اما با قرائن دسته اول و سوم (که خواهد آمد) سازگار نیست. از این دسته قرائن، عنوان «رساله اقسام الحکمة» راجح است، اگرچه متعین نیست.

دسته سوم، قرائن داخلی متن رساله. چه بسا از عبارت ابتدای متن رساله «فقد التمسست مئی ان اشیر الی اقسام العلوم العقلية» عنوان «اقسام العلوم العقلية» نتیجه گرفته شود. اما برخلاف نظر مرحوم دکتر مهدوی این قرینه برای تعیین نام رساله کافی نیست، زیرا اولاً ابن سینا در همین فقره این عنوان را درخواست دیگران برای تدوین این رساله ذکر می‌کند، بعلاوه در آخر فصل یازدهم قبل از شروع بحث در علم منطق می‌نویسد: «و اذ قد وقفنا علی الاقسام الاصلية و الفرعية للحکمة»، که گزارشی است از آنچه نوشته است با نام اقسام الحکمة. و نیز در عبارت پایانی رساله تصریح می‌کند: «فقد دللنا علی اقسام الحکمة و ظهر انه لیس شیء منها یشتمل علی ما یمخالف الشرع»، که با صراحت از آنچه در رساله نوشته با عنوان اقسام الحکمة یاد کرده است.

مهمتر از آن، شیخ در عناوین یازده‌گانه‌ای که برای فصول رساله انتخاب کرده است (در پنج مورد اول با تصریح به عنوان فصل و در شش مورد اخیر بدون ذکر عنوان فصل) در هشت مورد از یازده مورد از واژه حکمت استفاده کرده است، به این شرح: «فصل فی ماهية الحکمة، فصل فی اول اقسام الحکمة، فصل فی اقسام الحکمة النظرية، فصل فی اقسام الحکمة العملية، فصل فی اقسام الحکمة الطبيعية، اقسام الحکمة

الفرعية الطبيعية، الاقسام الاصلية للحكمة الرياضية، الاقسام التسعة للحكمة التي هي المنطق». و تنها در فصول هشتم، نهم و دهم بجای حکمت و اژه علم را استعمال کرده است، به این شرح: «الاقسام الفرعية للعلوم الرياضية، الاقسام الاصلية للعلم الالهي، فروع العلم الالهي».

با توجه به مجموعه قرائن یاد شده، عنوان «رسالة في اقسام الحكمة» را برای متن رساله مناسب تر یافتیم. عناوین فرعی رساله «تقسیم الحكمة» و «اقسام العلوم العقلية» خواهند بود. قنواتی نیز همین عنوان «اقسام الحكمة» را برگزیده است. بروکلن عنوان «تقسیم الحكمة و العلوم» را انتخاب کرده، ارگین و مهدوی هم «اقسام العلوم العقلية» را تعیین کرده اند.

لازم به ذکر است، بحث شیخ در ابتدای طبیعیات عیون الحكمة به «اقسام الحكمة» نزدیک است و در ابتدای منطق کتاب حکمة المشرقین و در مقدمه منطق کتاب الشفا به «اقسام العلوم». اما اصطلاح العلوم العقلية در دیگر آثار شیخ در این مقام یافت نشد.

• زمان نگارش رساله

زمان نگارش رساله در متن آن ذکر نشده است. علیرغم اینکه جوزجانی در متن رساله سرگذشت زمان و مکان نگارش بیست و شش تألیف ابن سینا را متذکر شده است، متأسفانه به چنین مشخصاتی برای این رساله اشاره ای نکرده است. حتی مخاطب این رساله که ابن سینا آن را به درخواست وی تدوین کرده است، مشخص نیست. نامی از آن نیز در دیگر آثار شیخ برده نشده است.

از مقایسه محتوای رساله بویژه در فصل طبیعیات آن با محتوا و فصل بندی شفا می توان اطمینان نسبی حاصل کرد که این رساله قبل از نگارش طبیعیات شفا تدوین شده است. چرا که تقسیم بندی آن مطابق کتاب ارسطو است و نه شفا. بی شک اگر رساله بعد از شفا تدوین شده بود، می بایست از نظم آن پیروی می کرد. با توجه به اینکه نگارش طبیعیات شفا از سال ۴۱۲ آغاز شده، می توان نگارش این رساله را قبل از ۴۱۲ دانست. از آنجا که نخستین آثار شیخ به سال ۳۹۱ (بیست و یک سالگی او)

باز می‌گردد، به نظر می‌رسد تاریخ نگارش این رساله بین سالهای ۳۹۲ تا ۴۱۲ باشد. ضمناً با عنایت به مقایسه تقاسیم این رساله و تقاسیم حکمت در دو اثر دیگر شیخ، زمان تدوین آن قبل از عبون الحکمة و حکمة المشرقین می‌باشد. (تاریخ تدوین این دو اثر مشخص نیست).

• روش تحقیق:

موارد ذیل در پاورقی مورد تحقیق قرار گرفته است:

اول، در واژه‌ها و اعلام یونانی، ضبط مصطلح در زبان عربی این واژه‌ها در متن و معادل یونانی آنها (با الفبای انگلیسی) آورده شد.

دوم، در مورد اعلام بکار رفته در متن، به تاریخ و مشخصات اجمالی آنها اشاره شده است.

سوم، در مورد کتب مستعمل در متن، مشخصات ترجمه‌های نخستین عربی آن کتب و مشخصات معتبرترین چاپ آن آمده است.

چهارم، کوشیده شده تا عناوین و مشخصات کتب مورد اشاره شیخ حدس زده شود.

پنجم، میزان انتساب این کتب به مؤلف مذکور در متن بویژه آثار ارسطو به اختصار مورد تحقیق قرار گرفته است.

ششم، در موارد کلیدی نشانی مطلب مشابه در دیگر آثار (حتی الامکان مسلم الانتساب) ابن سینا بویژه کتاب *الشفاء* اشاره شده است.

هفتم، آیات قرآنی مورد اشاره شیخ در متن استخراج شده است.

هشتم، در مراجع تحقیق حتی الامکان سعی شده از منابع نگاشته شده قبل از زمان تألیف رساله ابن سینا برای توضیح و تشریح استفاده شود.

۳. مقدمه تصحیح انتقادی

در سومین و آخرین بخش مقدماتی، از هفت مطلب بحث خواهیم کرد. نخست

مشخصات کلیه نسخ خطی شناخته شده رساله اقسام الحکمة ابن سینا معرفی می‌شود. سپس به معرفی و ارزیابی کلیه چاپهای رساله خواهیم پرداخت. در قسمت سوم از ضرورت نخستین تصحیح انتقادی رساله سخن خواهیم گفت. آنگاه مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح معرفی می‌شوند. پس از آن از روش تصحیح سخن خواهیم گفت. در ششمین قسمت مشخصات ترجمه‌های رساله به زبانهای مختلف ارائه می‌شود. واپسین قسمت به تشکر از عزیزانی خواهیم پرداخت که مصحح را به نحوی یاری کرده‌اند.

● مشخصات کلیه نسخ خطی شناخته شده رساله:

از رساله اقسام الحکمة ابن سینا مجموعاً ۵۸ نسخه شناسائی شده است.^۳ در این معرفی مشخصات اصلی نسخه خطی به ترتیب ذیل ذکر شده است: نام شهری که نسخه خطی در آن نگهداری می‌شود، نام کتابخانه در بردارنده نسخه خطی به اختصار، شماره نسخه خطی، نام کاتب (در صورت شناسائی)، تاریخ کتابت نسخه (در صورت ذکر یا احراز)، مکان کتابت (در صورت مذکور بودن)، ناقص یا کامل بودن نسخه، مشخصات فیلم یا عکس نسخه در دیگر کتابخانه‌ها. این نسخ خطی به لحاظ تاریخ کتابت به سه دسته تقسیم شده‌اند:

دسته اول: ۵ نسخه اقدم (کتابت اواخر قرن ششم تا اوائل قرن هشتم):

اول: استانبول، دانشگاه ۴۷۱۱/۳ (سال ۵۷۹)؛ دوم: استانبول، دانشگاه ۴۷۵۵/۵ (سال ۵۸۸)؛ سوم: تهران، ملک ۴۶۵۱/۲ (قرن ۷)؛ چهارم: استانبول، دانشگاه ۴۷۵۴/۴ (سال ۷۰۲)؛ تهران، دانشگاه ۲۳۲/۵ (فیلم)؛ پنجم: استانبول، ایاصوفیه ۴۸۵۲/۲ (سال ۷۲۴)؛ تهران، دانشگاه، ۲۲۶۶/۲ (ف).

دسته دوم: نسخ دارای تاریخ به ترتیب زمان کتابت (۱۵ نسخه، از اوائل قرن دهم تا اواسط قرن چهاردهم):

تهران، ملک ۴۶۴۱/۲ (سال ۹۰۴، شیراز)؛ تهران، دانشگاه ۴۷۳۲/۹ (ذیقعه ۹۶۲)؛ یزد، وزیری ۲۳۷۷/۲۳ (ابن محمود نور الله المیبدی، سال ۹۶۵)؛ مشهد،

رضوی ۱۰۶۵ (قرن ۱۰، افتادگی از آغاز و انجام،^۴ و قفسی ۱۰۶۷)؛ تهران، دانشگاه ۴۶۶۸/۸ (شوال ۱۰۱۸)؛ تبریز، خادم حسینی ۸۷/۵، خوی ۹۴۵ (عبدالرشید حسینی، سال ۱۰۳۰)؛ تهران، مجلس ۶۳۴/۳۸ (سال ۱۰۴۳)؛ تهران، مجلس ۱۴۲۸۰/۳۵ (سال ۱۰۸۰)؛ تهران، ادبیات، ۲۵۳/۱۳ (قرن ۱۱)؛ تهران، مجلس ۱۸۰۷/۶ (سال ۱۱۰۲)؛ تهران، مجلس ۲۸۱۴/۳ (رجب علی اصفهانی، سال ۱۱۱۸)؛ تهران، مجلس، ۱۴۴۷۳/۳۵ (قرن ۱۲)؛ تهران، ملك ۴۶۴۵/۳ (غلامحسین الطیب، سال ۱۲۷۷، مدرسه صالحیه مشهد)؛ قم، میراث ۳۶۳۶/۴ (قرن ۱۳)؛ استانبول دانشگاه، ۱۴۵۸/۸۶ (قرن ۱۳)؛ تهران، ملك ۱۰۲۲/۴ (سید علی تنکابنی قزوینی، ۱۳۵۸).

دسته سوم: ۳۸ نسخه فاقد تاریخ کتابت:

تهران: [دانشگاه: ۲۳۰/۳ ف و ۲۶۲/۱ ف و ۴۳۸/۲۶ ف و ۱۱۴۹/۱۳؛ ملك ۴۲۶۷/۸]؛ مشهد: [رضوی: ۵۹۵ (تهران، دانشگاه، ۶۴۵۲/۱ عکسی) و ۵۵۰ و ۵۹۱۳]؛ شیراز: [نور الدین ۱۶/۱۷ (نشریه ۲۸۸/۵)]؛ استانبول: [ایا صوفیه: ۴۸۱۸/۶ و ۴۸۲۹/۲۰ (تهران، دانشگاه، ۲۰/۲۶۴ ف) و ۴۸۵۳/۲۵؛ طوپ قاپ سرا، احمد ثالث ۱۳/۱۵۸۴ و ۳۴۴۷/۵۰؛ سلیمانیه: اسعد افندی ۳۶۸۸ و شهید علی پاشا ۲۷۲۵؛ نور عثمانیه ۴۸۹۴/۹؛ حمیدیه ۱۴۴۸/۵۸؛ ملت: جار الله ۱۳۰۲/۱ و پرتو پاشا ۶۴۷؛ کوپرولو: ۸۶۸/۵ و ۱۶۰۵/۳ و ۱۶۲۸/۵]؛ اکسفورد: [بادلیان: ۴۳۰/۳ و ۹۸۰/۱۰]؛ لندن: [موزه: ۴۳۰/۳ و ۹۷۸/۱۳ و ۹۸۰/۷ و ۹۸۱/۱۰]؛ منچستر، رایلند، ۳۸۴؛ گوتا، ۱۱۵۳/۲۹؛ لایدن، ۱۴۷۸؛ پترسبورگ، موزه ۱۵۶؛ قاهره: [دار الکتب: ۲۵۰، تیمور ۱، طلعت ۳۳۹]؛ حیدرآباد، اصفیه ۱۷۱۶.

از ۵۸ نسخه شناسائی شده به ۳۴ نسخه دسترسی حاصل شد، یعنی کلیه نسخه‌های دسته اول و دوم (به استثنای نسخه ۴۷۱۱ دانشگاه استانبول و تبریز)، و ۱۶ نسخه از دسته سوم یعنی کلیه نسخ موجود در ایران (به استثنای نسخه شیراز) و ۵ نسخه استانبول (نسخ ۴۸۲۹ و ۴۸۵۳ ایاصوفیا، نورعثمانیه و حمیدیه) به دست آمد. از ۲۴ نسخه باقیمانده (۲۲ مورد آن در دسته سوم یعنی نسخ بدون تاریخ قرار دارند) که متأسفانه علیرغم کوشش بسیار به دست نیامد، نسخه شماره ۴۷۱۱/۳

کتابخانه دانشگاه استانبول با تاریخ کتابت ۵۷۹ هجری (اقدام نسخ شناسائی شده) با ارزشترین آنهاست. به هر حال قدیمی ترین نسخه شناسائی شده، یک قرن و نیم پس از وفات مصنف کتابت شده است. در میان این نسخ، هیچیک به خط مصنف یا شاگردان بلاواسطه وی نمی باشد.

• معرفی و ارزیابی کلیه چاپ های پیشین رساله:

رساله اقسام الحکمة در ۱۳۰ سال اخیر مجموعاً ۱۱ بار در استانبول (۱۲۹۸)، بمبئی (۱۳۱۸)، قاهره (۱۳۲۶ و ۱۳۲۸ و ۱۹۸۶)، لکنه‌و (۱۳۲۳)، قم (۱۳۷۰ ش)، فرانکفورت (۱۴۲۰) و بیروت (۱۴۰۸، ۱۴۱۰ و ۱۴۲۶) به شرح ذیل منتشر شده است:

۱. *تسع رسائل فی الحکمه و الطبيعيات*، للشيخ الرئيس ابوعلی الحسين بن عبدالله بن سینا، الرسالة الخامسة: اقسام العلوم العقلية.^۵

الطبعة الاولى: مطبعة الجوانب، قسطنطيه، ۱۲۹۸، [۱۳۱ صفحه، صص ۸۰-۷۱]؛
[الطبعة الثانية]: ادارة الخان صاحب الميرزا محمد ملك الكتاب [الشيرازي] و شيخ محمد بن غلام رسول سورتی، مطبعة گلزار حسنی، بمبئی، ۱۳۱۸، [۱۰۴ صفحه،
الطبعة الحجرية، صص ۷۷-۶۷]؛ الطبعة الاولى [الثالثة]: علی نفقة امين هندية، مطبعة
هندية بالموسكى بمصر، سنة ۱۹۰۸ / ۱۳۲۶ [۱۸۰ صفحه، صص ۱۱۸-۱۰۴]؛
الطبعة الثانية [الرابعة]، قاهره، دار العربی للبيستانى، بی تا؛ [الطبعة الخامسة]: صححها
و قدم عليه حسن العاصی؛ بیروت ۱۹۸۶، دار القابوس، ۱۴۴ صفحه، {طبع دوباره
قاهره ۱۹۰۸ است}؛ [الطبعة السادسة]: مع شرح مصطفى النورانی، قم، ۱۳۷۰ ش،
۳۴۳ صفحه، انتشارات مکتب اهل بیت (ع)؛ [الطبعة السابعة]: الفلسفة الاسلامية،
يصدرها فؤاد سزگین، معهد تاريخ العلوم العربية و الاسلامية في اطار جامعة
فرانكفورت، جمهورية الالمانا الاتحادية، ۱۹۹۹/۱۴۲۰، المجلد ۴۲؛ اعادة طبعة
القاهره ۱۳۲۶ و ۱۳۲۸؛ [۳۳۸ صفحه، صص ۱۲۸-۱۱۴] (۱۰۴-۱۱۸).^۶

۲. *اخر المفصل* زمخشری، مطبع انصاری، دهلی ۱۳۰۹؛ لکنه‌و ۱۳۲۳.^۷

۳. *مجموعه الرسائل*، طبعت علی نفقة الشيخ محیی الدین صبری الکردی الکاغشکانی،

- مطبعة كردستان العلمية، مصر، ۱۳۲۸؛ ۶۳۶ صفحه.^۸ الرسالة التاسعة: اقسام العلوم العقلية [صص ۲۴۳-۲۲۵].
۴. المذهب التربوي عند ابن سینا خلال فلسفته العملية، عبدالامير ز. شمس الدين؛ بيروت، ۱۹۸۸، دارالاعلام للكتاب؛ ۴۴۸ صفحه، حاوی ۲۳ رساله ابن سینا در قسمت دوم کتاب؛ صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۲. {افست طبع قاهره ۱۳۲۸}
۵. کتاب مبحث عن القوى الانسانية او کتاب في النفس على سنة الاختصار، نشره و قدم له ادوارد كرنيلوس فنديک.^۹ الرسالة الخامسة: في اقسام العلوم العقلية [برگرفته از «تسع رسائل» با حروف چینی جدید، صص ۷۶-۶۵]؛ دار و مكتبة بيبليون، لبنان، ۲۰۰۵ م؛ [۸۷+۱۱۳ صفحه، بدون مقدمه، فهرست، مصحح و ...].
- این پنج عنوان منتشر شده اگرچه گاهی حروف چینی مجزا هم دارند، اما مجموعاً تنها به دو طبع مستقل منتهی می‌شوند:
- اول: طبع تسع رسائل (با هفت چاپ قسطنطنیه، بمبئی، قاهره، قم، فرانکفورت و بیروت). این طبع عیناً حروف چینی نسخه ۴۷۵۴ دانشگاه استانبول یا نسخه‌ای برگرفته از آن (بدون اشاره به نسخه مبنا) است با همان رسائل و همان ترتیب نسبی رسائل نه‌گانه، و نقل کلیه اغلاط آن بدون کمترین تصحیحی. اختلاف این چند چاپ تنها ناشی از اغلاط مطبعی است. این نسخه اگرچه اصح نسخ خطی است، اما متأسفانه هم افتادگی دارد هم غلط. این طبع رایجترین طبع رساله تا کنون بوده است.
- دوم: طبع مجموعه الرسائل (قاهره، ۱۳۲۸). این طبع نیز حروف چینی نسخه ۴۷۵۴ دانشگاه استانبول یا نسخه‌ای برگرفته از آن (بدون کمترین اشاره‌ای به نسخه مبنا و روش تصحیح) با تصحیح اجتهادی احتمالاً مرحوم محیی‌الدین صبری الکردی (مصحح النجاة و منطق المشرقیین و ...) است. این طبع اصح از طبع قبلی است، اما همانند دیگر تصحیحات اجتهادی قابل استناد به مصنف نیست، هرچند در فقدان تصحیح انتقادی مفیدترین طبعهاست. این دو طبع در طول تصحیح مورد مراجعه واقع شده است.

• **ضرورت نخستین تصحیح انتقادی رساله:**

رساله اقسام/الحکمه از آثار مسلم الانتساب به ابن‌سینا بوده، به لحاظ محتوی در عداد کتاب «احصاء العلوم» فارابی به حساب می‌آید و در بررسی دیدگاه مسلمانان در طبقه‌بندی علوم عقلی از منابع دست اول محسوب می‌شود. این رساله موجز پس از دائرةالمعارف‌های ابن‌سینا در میان آثار وی جایگاهی رفیع دارد و حاوی مشروح‌ترین ابحاث ابن‌سینا در اقسام حکمت و علوم وابسته به آن است. در این رساله، ابن‌سینا کتب مرجع حکمت در فلسفه یونان را معرفی نموده، به ایجاز به نسبت شرح و حکمت اشاره کرده است.

از رساله اقسام الحکمه علیرغم اهمیتش تا کنون تصحیح انتقادی در دست نیست، و استفاده از آن تنها از طریق دو طبع غیر مصحح صورت گرفته است، که به هیچ وجه در شأن این رساله فاخر نیست. حتی همان طبع‌های غیر مصحح نیز جز در برخی کتابخانه‌های قدیمی قابل دسترسی نمی‌باشد. بعلاوه متن مصحح این رساله سوگوارانه در سرزمین خود ابن‌سینا - ایران - منتشر نشده است.

اکنون که عزم بر تصحیح انتقادی مجموعه آثار ابن‌سینا جزم شده است، تصحیح انتقادی این رساله در اولویت قرار گرفت تا فارغ از فایده مترتب بر نشر مصحح آن، بر اساس مفاد آن ترتیب تصحیح انتقادی دیگر آثار شیخ‌الرئیس تنظیم شود.

• **مشخصات نسخ خطی مبنای تصحیح:**

برای یافتن اصح نسخ خطی رساله اقسام الحکمه، ۳۴ نسخه خطی به دست آمده رساله اعم از مورخ و غیر مورخ با یکدیگر مقابله شد. نتیجه این مقابله ابتدائی این شد که ۳۰ نسخه از نسخ موجود به نحوی از انحاء برگرفته و استنساخ شده از چهار نسخه اقدم هستند و به یکی از آنها منتهی می‌شوند. این چهار نسخه به عنوان نسخ مستقل مبنای تصحیح انتخاب شدند. قدیمی‌ترین این نسخ ۱۶۰ سال بعد از درگذشت ابن‌سینا نوشته شده است. مقابله ثانوی این نسخ نشان داد که میزان صحت آنها با میزان قدمشان نسبت مستقیم ندارد. مشخصات این نسخ به ترتیب صحت نسبی متن به شرح ذیل است:

نسخه اول: نسخه شماره ۴/۴۷۵۴ دانشگاه استانبول. این مجموعه حاوی ۱۰ رساله از آثار ابن سینا در ۱۱۴ برگ است. کاتب آن نامعلوم و تاریخ کتابت آن پایان ربیع الثانی ۷۰۲ است. خط آن نسخ و هر صفحه ۱۵ سطر دارد. نخستین رساله آن «رسالة القوى الانسانية و ادراکاتها» (منسوب به ابن سینا و خیرین آن «رساله جوهرية الاجرام السماوية» است. «کتاب اقسام العلوم العقلية» رساله پنجم این مجموعه از ورق ۳۹ تا ۵۰ پ در ۱۲ برگ و ۲۴ صفحه پس از «کتاب الحدود» و قبل از «رسالة في اثبات النبوة و تأویل رموزهم و امثالهم» آمده است. فیلم این نسخه به شماره ۲۳۲ در مجموعه فیلم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. خط این نسخه بسیار واضح و خوانا و اغلاط آن در مقایسه با سه نسخه دیگر منتخب کمتر است. در مواضع دشوار رساله، این نسخه تعیین کننده است. کاتب این نسخه مطمئناً افضل از کاتبان دیگر نسخ مورد بحث بوده است. با این همه برخی افتادگی‌ها و پاره‌ای اختلاف نسخ مرجوح با هر سه نسخه دیگر باعث شد که از انتخاب این نسخه به عنوان نسخه اصل در تصحیح اجتناب کنیم. هرچند بر اساس آنچه به عنوان متن نهائی رساله از تصحیح انتقادی حاصل شده است، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب بیشترین سهم است. رمز این نسخه در تصحیح حرف تاء «ت» است.

نسخه دوم: نسخه شماره ۴۶۵۱ کتابخانه ملك، تهران. این مجموعه ۲۰۴ برگی حاوی ۱۶ رساله از جمله ۱۳ رساله ابن سینا و «جوامع السياسة» فارابی (رساله نهم) و «شرح رساله حی بن یقظان» (رساله چهارم) و رساله‌ای نامشخص (رساله شانزدهم) است. مشخصات ظاهری این مجموعه عبارت است از: خط نسخ، فاقد نام کاتب، عناوین و علائم شنگرف، نوعی ترمه، جلد: میشن سیاه ضری، ۲۱/۴×۱۲/۷ سم. نخستین رساله این مجموعه «الادوية القلبية» ابن سینا است. «رسالة في اقسام الحکمة» دومین رساله این مجموعه در ۸ برگ و ۱۵ صفحه است. رساله سوم «رساله حی بن یقظان» ابن سینا است.

بر اساس ارزیابی مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار زمان کتابت این

مجموعه قرن هفتم است. (فهرست کتابخانه ملک، ج ۷ ص ۴۵۱). خط این نسخه بد، اما پرنقطه‌تر است. این نسخه دارای برخی حواشی توضیحی است و مقابله شده است. اعتبار علمی کاتب این نسخه از اعتبار علمی نسخه اقدم بیشتر است. بر اساس آنچه به عنوان متن نهائی رساله از تصحیح انتقادی حاصل شده است، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب بین دوم و سوم در نوسان است. رمز این نسخه در تصحیح حرف لام «ل» است.

نسخه سوم: نسخه شماره ۴۸۵۲ کتابخانه ایاصوفیه، استانبول. این مجموعه ۱۲۰ برگگی حاوی ۷ رساله فلسفی ابن‌سیناست. قطع آن ظاهراً رقعی، خط یکدست آن نسخ، تعداد سطور هر صفحه ۱۹ سطر است. نخستین رساله این مجموعه «سیره شیخ‌الرئیس و فهرست کتبه» است. در پایان صفحه اول این رساله عبارت «فی اوائل ربیع الاول من شهور سنة اربع و عشرين و سبع مائة» (۷۲۴ هجری قمری) مندرج است. «رسالة فی تقاسیم الحکمة» دومین رساله این مجموعه از صفحه ۱۳ پ تا ۲۱ ر در ۸ برگ و ۱۶ صفحه قبل از «رسالة فی القضاء و القدر» آمده است. عکس این نسخه در دانشگاه تهران به شماره ۲۲۶۶/۲ موجود است. خط این نسخه واضح و خوش‌خوان‌تر از نسخه ملک است. بر اساس آنچه به عنوان متن نهائی رساله از تصحیح انتقادی حاصل شده است، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب همانند نسخه ملک بین دوم و سوم در نوسان است. رمز این نسخه در تصحیح حرف صاد «ص» است.

نسخه چهارم: نسخه خطی شماره ۴۷۵۵ دانشگاه استانبول. این مجموعه ۳۲۶ برگگی حاوی ۲۶ رساله از آثار ابن‌سینا است. قطع آن ظاهراً رقعی، خط مجموعه یک دست و به قلم یک کاتب متأسفانه غیر معلوم، و به خط نسخ، و تعداد سطور هر صفحه ۱۵ سطر است. در آغاز مجموعه آمده است: «رسائل من تصانیف الشیخ‌الرئیس ابی علی رحمة‌الله علیه و بعضه منقول من خطه». نخستین رساله مجموعه «الموجز الصغیر فی المنطق»، رساله دوم «الرسالة الموجزة فی المنطق»؛ رساله سوم «الارجوزة الموسومة بمیزان النظر فی المنطق»، رساله چهارم «کتاب عیون الحکمة»

می‌باشد. «کتاب اقسام الحکمة و تفصیلها له» پنجمین رساله این مجموعه از ورق ۸۴ تا ۹۲ یعنی ۹ برگ یا ۱۷ صفحه است. پس از آن «رسالة اجرام العلویة» با عنوان رسالته فی تعریف الراى المحصل الذی ختمت علیه رؤیة الاقدمین فی تعریف الاشیاء السماویة» ششمین رساله این مجموعه است. سه رساله آخر این مجموعه عبارتند از «سیرة الشیخ الرئیس و قهرس کتبه و ذکر احواله و تواریخه»، «مقاله فی الهندباء» و قطعات متفرقه.

در حاشیه انتهای رساله سوم «الارجوزة الموسومة بمیزان النظر فی المنطق» دربرگ ۴۳پ این عبارت به چشم می‌خورد: «تمت المقابلة بالنسخة التي نقلت منها و كانت الام بخط همینیار تلمیذ الشیخ رحمهما الله و ؟ بحسب الطاقة فی محرم سنة ۵۸۹». در آخر رساله هجدهم «المسائل التي وردت علیه فاجاب عنها» [الاجوبة عن مسائل العشرة] در برگ ۲۶۶پ کاتب متذکر شده است: «هذا اخر ما وجد بخط الشیخ الرئیس رحمه الله تعالی... فرغت من تعليقها فی مستهل شهر رمضان سنة ثمان و ثمانین و خمس مائة». در ذیل رساله نوزدهم «رسالة فی اسباب حدوث الحروف و اسباب اختلافها» برگ ۲۷۷ر آمده است: «كان الفراغ منها فی رمضان سنة ۵۸۸» و در کنار همان صفحه عبارت «عورض بها اصلها و صحت بحسبه» به چشم می‌خورد. از مجموعه این قرائن می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که این مجموعه نفیس در سال ۵۸۸ هجری قمری از روی نسخ به خط شیخ یا به خط شاگردانش استنساخ شده است و یکی از منابع با ارزش آثار ابن سینا به حساب می‌آید. نحوه خاص نگارش و شیوه نقطه گذاری به این قدمت شهادت می‌دهد.

یکی از مشکلات این نسخه بی‌نقطه بودن یاء و تاء آغاز افعال مضارع و نیز بی‌نقطه بودن کلمات مشکل متن در اکثر قریب به اتفاق موارد است. از مجموعه شواهد به دست آمده در قرائت دقیق این نسخه و مقایسه آن با سه نسخه منتخب دیگر این نتیجه به دست آمد که علیرغم اقدمیت نمی‌توان آن را در این تصحیح به عنوان نسخه اصل به حساب آورد. کاتب اگرچه کم‌سواد نبوده اما متأسفانه فاضل نیز نبوده است و گاه اشتباهات بی‌نی مرتکب شده است. تا حدی که آنچه به عنوان متن

نهایی رساله از تصحیح انتقادی سر بر آورد، سهم این نسخه در میان چهار نسخه خطی منتخب چهارم است. رمز این نسخه در تصحیح حرف سین «س» است.

• روش تصحیح:

با عنایت به اینکه اولاً نسخه به خط ابن‌سینا یا به تصحیح وی یا به خط شاگردان مستقیم او یا به تصحیح ایشان به زمان ما نرسیده است و هیچ‌یک از نسخ منتخب نیز به لحاظ صحت حائز جمیع شرائط تشخیص داده نشد، این تصحیح از داشتن نسخه اصل محروم است. لذا روش تصحیح انتقادی بین چهار نسخه منتخب در پیش گرفته شد. به این معنی که در موارد اختلاف نسخ، اصح آنها به عنوان متن و دیگر موارد به عنوان نسخه بدل در پاورقی ذکر شد. اگر هیچ‌یک از موارد اختلافی صحیح به نظر نرسیده باشد، تمام آن موارد به پاورقی منتقل شده‌اند و واژه یا عبارت صحیح (همراه با مختصر توضیحی در پاورقی) در متن آورده شده است، نوعاً ممتاز با علامت کروش. به هر حال کوشش شده اولاً متنی حتی الامکان صحیح و ثانیاً نزدیک‌ترین متن به گزارش نسخ منتخب خطی ارائه شده باشد.

در این تصحیح به ترتیب نسخ «ت» در درجه اول، نسخ «ص» و «ل» در نوسان بین درجه دوم و سوم، و نسخه «س» (اقدام نسخ موجود) درجه چهارم در متن مصحح سهیم بوده‌اند. بعلاوه در موارد اختلافی بویژه زمانی که هیچ‌یک از نسخ صحیح به نظر نمی‌رسید از نسخ مطبوع کمک گرفته شد (همراه با تذکر در پاورقی).

در مورد رسم‌الخط در عین وفاداری کامل به گزارش نسخ خطی منتخب، کوشش شده رسم‌الخط متن برای خواننده امروز مانوس و مفهومی باشد (از جمله در کتابت همزه). از آنجا که در بسیاری از موارد اکثر نسخ خطی فاقد نقطه بوده‌اند (بویژه در افعال مضارع محتمل بین یاء و تاء) این نکته تشدید می‌شود.

کلیه پاراگراف‌بندی‌ها از مصحح است. عناوین فصول و شبه فصول (فاقد عنوان صریح فصل) را با قلم متمایز در وسط سطر آورده‌ایم. این عناوین را با شماره مسلسل ۱ تا ۱۱ در کروش همراه کرده‌ایم. قبل و بعد از مباحث منطقی تمایز مطلب را با سه ستاره متمایز کرده‌ایم.

• مشخصات ترجمه‌های رساله به دیگر زبانها:

رساله به پنج زبان لاتین، عبری، فرانسوی، فارسی و انگلیسی ترجمه شده است. مشخصات ترجمه‌ها به ترتیب تاریخ انتشار عبارت است از:

(۱) ترجمه لاتین: {اندريا الياگو؛ مجموعه دربارۀ نفس؛ دربارۀ معاد، جایگاه انسان پس از مرگ و اینکه بازگشت انسان به کجاست، نفس انسان پس از مرگ، کلمات قصار دربارۀ نفس، دربارۀ تعریف و مسائل، دربارۀ تقسیم علوم؛ ونیز، ۱۵۴۶}

Alpago, Andrea; *Avicenna Philosophi Praeclarissimi Compendium de anima*; De mahad-i-de dispositione, seu Loca, ad quem revertiture homo, velanima ejus post anima. Aphorismi de anima. De deffinitionibus, et quasesitis. De divisione scientiarum juntas; Venetiis, 1546, ff 145-(3)

Re-Print: Farnborough, Gregg Int., 1969, 145 folios. pp. 138v-145v.

(۲) ترجمه عبری: جزئی از آن Falqeras: Rersit hohokma (بروکلمن، جلد اول ملحقات ص ۸۱۷) و Monatsch. f. d. Gesch. u. Wiss. des Judentums 80, 97 (قنواقی، ص ۱۵).

(۳) ترجمه‌های فرانسوی. رساله/قسام/الحکمة سه ترجمه مختلف به زبان فرانسوی دارد. اقدام آنها توسط قنواقی منتشر شده است. ترجمه انتقادی بخش اعظم رساله توسط میشوت بهترین ترجمه رساله به این زبان است. ترجمه میمون به لحاظ اعتبار پس از دو ترجمه قبلی قرار می‌گیرد:

1. Anawati, G.C., Les divisions des sciences intellectuelles d'Avicenne, Melanges de l'Institut Dominicain des Etudes Orientales du Caire (Cairo), 13 (77), 323-335.
2. MICHOT, J. Les sciences physiques et métaphysiques selon la *Risâla fî Aqsâm al-'Ulûm* d'Avicenne, in: *Bull. Philos. Méd.*, 22 (80), 64-71.
3. Épître sur les parties des sciences intellectuelles d'Abû 'Alî al-Husayn Ibn Sînâ., traduit par Rabia Mimoune, in, "Études sur Avicenne.", dirigées par Jean Jolivet et Roshdi Rashed, Paris: Les Belles Lettres, [Sciences et philosophie arabes.], 1984, pp. 143-151

(۴) ترجمه فارسی:

راهنمای حکمت، پنج رساله ابوعلی سینا، شارح و مترجم مرحوم ضیاء الدین دری، کتابخانه خیام، تهران ۱۳۷۳ هجری قمری، ۷۰ صفحه، رساله اول: اقسام علوم عقلیه [صص ۲۳-۹].^{۱۰}

(۵) ترجمه انگلیسی: مرحوم محسن مهدی دو فصل دوم (فصل فی اول اقسام الحکمة) و چهارم (فصل فی اقسام الحکمة العملية) را به انگلیسی ترجمه کرده است:

Aqsām al-'Ulūm al-'Aqlīyya., Translated by Muhsin Mahdi, in, "Medieval Political Philosophy: A Sourcebook.", Edited by Ralph Lerner and Muhsin Mahdi, New York: Free Press of Glencoe; Toronto: Collier-Macmillan, 1963. pp 95-97.¹¹

جای آن دارد که ترجمه انگلیسی این رساله تکمیل شود، ترجمه فارسی آن ویرایش شود و نیز به دیگر زبانهای زنده دنیا ترجمه شود.

• تشکر

دستیاران تصحیح رساله عبارتند از: خانم مهسا محمدی‌پور (کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه تربیت مدرس): استنساخ، مقابله اولیه اکثر نسخ خطی و تنظیم نمایه‌ها؛ و خانم مریم سالم (دانشجوی دکتری فلسفه مشاء دانشگاه تربیت مدرس): مقابله اولیه معدودی از نسخ خطی. از زحمات ایشان صمیمانه سپاسگزارم. در مراحل مختلف تدوین و تصحیح این رساله نگارنده از کمک برخی از همکاران، دانشجویان و دوستان به شرح ذیل بهره‌مند بوده است:

حجج اسلام آقایان مصطفی درایتی و عباسعلی علیزاده (مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد(ع) مشهد): شناسائی نسخ خطی رساله؛ آقایان محسن خلیلی (کتابخانه مجلس شورای اسلامی)، دکتر سید حسین موسویان (موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) و احمد بستانی (دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس): دستیابی به نسخ خطی؛ آقایان محمد رضا احمدی (کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی) و محمد جواد اسماعیلی (دانشجوی دکتری فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران): دستیابی به کتب منتشره؛ خانم فروغ اعظمی (موسسه پژوهشی حکمت

و فلسفه ایران): تایپ متن رساله. از همه آنها تشکر می‌کنم.
از اساتید مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران آقایان دکتر غلامرضا اعوانی،
دکتر شهرام پازوکی و آقای بهمن پازوکی (در ترجمه واژه‌ها و عبارات یونانی، لاتین و
آلمانی)، و آقای دکتر سید محمود یوسف‌ثانی (در مطالعه متن تصحیح و تذکر
کاستی‌های آن) استفاده کرده‌ام. از ایشان ممنونم.
این نوشتار به عنوان نخستین طرح پژوهشی کوتاه‌مدت نگارنده در مؤسسه
پژوهشی حکمت و فلسفه ایران اجرا شده است. از رئیس، معاون پژوهشی، و
اعضای شورای پژوهشی مؤسسه از این بابت تشکر می‌کنم.
تهران، اردیبهشت ۱۳۸۷

بعد التحریر: در آستانه زیر چاپ رفتن مجله دو نسخه خطی دیگر از رساله یافت شد: تهران،
دانشگاه، ۲۱۰۶/۲ (قرن ۱۱، گ ۱۴-۲۲) و تهران، مجلس، ۴۷۴۹/۱۱ (طهماسب قلی،
گ ۱۳۳-۱۳۴)، بیان اقسام الحکمة: گزیده اقسام الحکمة). اما مهم‌تر از این دو مشخص
شد که نسخه «تهران، دانشگاه، ۳/۲۳۰ ف» فیلم نسخه اقدم یعنی «استانبول، دانشگاه
۳/۴۷۱۱ (سال ۵۷۹، گ ۲۳-۲۷)» بوده است (آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم).
بر این اساس این نسخه می‌بایست یکی از پنج نسخه اساس تصحیح واقع می‌شد. این
نقیصه در ویرایش بعدی مقاله رفع خواهد شد. ان شاء الله (۱۹ آبان ۱۳۸۷)

پی‌نوشت‌ها:

۱. (بیت ۳۴): قد سال الشيخ الرئيس سهل / ذاك الذي تم لديه الفضل.
۲. لازم به ذکر است در صفحه ۲۸۶ همین مجموعه (نسخه شماره ۷۱۲/۸ کتابخانه مجلس سنا) آمده است:
«الحکمة صناعة نظریة يستفید منها الانسان تحصیل ما علیه الوجود کله فی نفسه و ما علیه الواجب ممّا
ینبغی ان یکتسبه بعمله لتشرف بذلك نفسه و تستکمل و تصیر عالما معقولا مضاهیا للعالم الموجود و
تستعدّ للسعادة القصوى الاخریة و ذلك بحسب الطاقه الانسانیة.» کتب فی اخره: هذا تعریف
للشیخ‌الرئیس فی رساله المعموله فی اقسام العلوم». این عبارت برگرفته از ابتدای فصل اول رساله فی

- اقسام الحکمة است، که از ان با نام رساله فی اقسام العلوم ان هم ۷ صفحه بعد از رساله اقسام العلوم الاوائل نقل شده است.
۳. این فهرست از کتاب در دست انتشار «کتابشناسی جامع ابن سینا» به همین قلم نقل می شود.
۴. آغاز: مجال الموجودات التي لا يتعلق وجودها بفعل الانسان و يكون المقصود... فی اقسام الحکمة النظرية. انجام: الاقسام الاصلية لحکمة الرياضيه: هی اربعة علم العدد و علم الهندسه و علم الهیة و علم الموسيقى علم العدد يعرف فيه حال انواع العدد.
۵. همراه با رسائل: ۱. الطبيعيات من عيون الحکمه، ۲. الاجرام العلويه، ۳. القوى الانسانية، ۴. الحدود، ۶. اثبات النبوات و تاويل رموزهم و امثالهم، ۷. النيروزيه فی معانی الحروف الهجائيه، ۸. العهد، ۹. علم الاخلاق.
۶. یک. تسع رسائل فی الحکمة و الطبيعيات، الطبعة الاولى، علی نفقة امين هندية، مطبعة هندية بالموسکی بمصر، سنة ۱۹۰۸، ۱۳۲۶، و فی اخرها: قصة سلامان و ابسال ترجمة حنين بن الاسحاق، و فی اولها ترجمة حال ابن سینا المنقولة من تاريخ ابن خلکان؛ دو. منطق المشرقيين و القصيده المزدوجه فی المنطق، تصنيف الرئيس ابی علی سینا، عنيت بتصحيحه و نشره المكتبة السلفية لمؤسسها محب الدين الخطيب و عبدالفتاح القتلان، مطبعة المؤيد، القاهرة، ۱۳۲۸ / ۱۹۱۰، ۸۳ صفحه.
۷. به نقل بروکلن، جلد اول ملحقات ص ۸۱۷ و تنمة صوان الحکمة، لاهور، ۱۳۵۰، ص ۴۷، حاشیه ۳. نگارنده موفق به رويت اين طبع نشد. ظاهراً اين طبع به کتابخانه های ايران نرسيده است.
۸. حاوی ۲۳ رساله از ابن عربي، غزالی، ابی شامه الشافعی (... از جمله ۷ رساله ابن سینا: ۶. الاخلاق، ۷. العهد، ۸. القوى الانسانية و ادراکاتها، ۱۰. سرّ القدر، ۱۱. المبدأ و المعاد (۴ مساله)، ۱۲. بيان جوهر النفس [جوهر اجرام السماوية].
۹. بلیه لابن سینا ایضا رساله الطير، اسباب حدوث الحروف، النيروزية فی معانی الحروف الهجائية، الحدود، قصة سلامان و ابسال ترجمها من اليونانی حنين بن الاسحاق، رساله الحکومة فی حجج المثبتين للماضی مبدأ زمانیا و تحليلها الى القياسات.
۱۰. به همراه ترجمه رسائل مبدء و معاد، قصیده عینیه، در بیان جهت برپا بودن زمین در وسط عالم، عهد از ابن سینا و دو رساله به قلم خود شارح.

۱۱. از دیگر تحقیقات اروپائی درباره رساله اقسام الحکمة مقالات ذیل قابل ذکر است:

1. Gundisalvus, Domenicus; **De divisione philosophiae**, herausgegeben und philosophiegeschichtlich untersucht nebst einer Geschichte der philosophischen Einleitung bis zum Ende der Scholastik von Dr. Ludwig Baur, Münster, [Beiträge zur Geschichte der Philosophie des Mittelalters, etc. Bd. 4. Hft. 2, 3.], 1903. [On Ibn Sīnā, **Risālah fī Aqsām al-'Ulūm al-'Aqlīyyah**.]
2. Khaīrullaev, M.M; **Some Treatises and Epistles of Ibn Sīnā.**, *Indian Journal of History of Science*, 21 (1986), 244-250. [Discusses mss. In the collection of the

Institute of the Oriental Studies of the Uzbek SSR Academy of Sciences, namely **Risālah fī al-Ḥudūd**, **Risālah fī Aqsām al-'Ulūm al-'Aqliyyah**, **Risālah fī Taqsīm Aqsām al-Mawjūdāt**, Ibn Sīnā's exchange of Letters with contemporaries, **Ta'liqāt.**]

3. Strauss, Leo; **Eine vermißte Schrift Farabis.**, *Monatsschrift für Geschichte und Wissenschaft des Judentums (Breslau)*, 80 (1936), pp. 96-106. [On the sources of Ibn Falaquera, *Reshīth Hokhma: Fārābī*, **Iḥṣā' al-'Ulūm**; Ibn Sīnā, **Aqsām al-'Ulūm** and *Fārābī*, **Tahṣīl al-Sa'ādah.**]

منابع

قرآن کریم

احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقائیس اللغة، طبع عیسی البابی الحلبي، قم، ۱۴۰۶ (طبع افسست).
ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ کتاب الشفاء، مراجعه ابراهیم مدکور، قاهره، ۱۹۶۰-۱۹۵۰؛ طبع افسست:
قم، ۱۴۰۵، ۱۰ جلد.

ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ الهیات دانشنامه علائی؛ تصحیح و تحشیه محمد معین، همدان، ۱۳۸۳ ش
(چاپ دوم).

ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ عیون الحکمة؛ تصحیح عبدالرحمن بدوی، قاهره، ۱۹۵۴.
ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ حکمة المشرقین؛ تصحیح محب‌الدین الخطیب و عبدالفتاح القتلان، قاهره
۱۹۱۰.

ابن ندیم؛ الفهرست، تصحیح محمد رضا تجدد، تهران، ۱۳۸۱ ش.

رسائل اخوان الصفاء؛ ۴ جلد، قم، ۱۴۰۵ (طبع افسست).

ارسطو، منطق، ترجمه اسحاق بن حنین و یحیی بن عدی، تصحیح بدوی، قاهره، ۱۹۴۹.

ارسطو؛ متافیزیک، ترجمه شرف‌الدین شرف خراسانی، تهران، ۱۳۶۶ ش.

ارسطو؛ اصول حکومت آتن، ترجمه و تحشیه باستانی پاریزی، با مقدمه غلامحسین صدیقی، تهران،
۱۳۵۸ ش.

ابومنصور محمد بن احمد الازهری، تهذیب اللغة؛ تحقیق احمد عبدالحلیم بیرونی، قاهره، بی تاریخ.

عبدالرحمن بدوی؛ مخطوطات ارسطو فی العربیة، قاهره، ۱۹۵۹.

عبدالرحمن بدوی، افلاطون فی الاسلام، تهران، ۱۳۵۳ ش.

عثمان بکار؛ طبقه بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ترجمه جواد قاسمی، با مقدمه سید حسین
نصر، مشهد، ۱۳۸۱ ش.

علی بن ابی القاسم زید بیهقی؛ تنمة صوان الحکمة / تاریخ حکماء الاسلام، تصحیح محمد شریف،
لاهور، ۱۳۵۱.

اسماعیل بن حماد جوهری؛ الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار،
قاهره، ۱۳۷۶.

- احمد بن قاسم ابن ابی اصیبعه سعدی خزرچی؛ *عیون الانبیاء فی طبقات الاطباء*، تصحیح اوجست مولر، قاهره ۱۲۹۹.
- محمد بن احمد خوارزمی؛ *مفاتیح العلوم*؛ ترجمه حسین خدیوچم، تهران، ۱۳۶۲ش.
- محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش.
- محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار؛ فهرست کتابخانه ملک، ج ۷، مشهد، ۱۳۸۰.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ش؛ شرف خراسانی؛ مدخل ارسطو؛ تقی بینش؛ مدخل ارغنون؛ حمیده نورانی نژاد؛ مدخل تدبیر منزل.
- علی اکبر دهخدا، لغت نامه؛ تهران، ۱۳۷۳ش.
- شمس الدین محمد شهرزوری؛ *رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقائق الربانية*، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، ۱۳۸۳ش.
- ابوالحسن علی بن قاضی یوسف قفطی؛ *اخبار العلماء باخبار الحکماء* به گزارش محمد بن علی زورونی، تصحیح لبرت، لایزیک ۱۹۰۳.
- سید جواد طباطبائی؛ *زوال اندیشه سیاسی در ایران، گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران*؛ ویراسته جدید، تهران، ۱۳۸۳.
- خواجه نصیرالدین طوسی؛ *اساس الاقتباس*؛ تصحیح مدرس رضوی، تهران، ۱۳۶۱ش (چاپ سوم).
- خواجه نصیرالدین طوسی؛ *اخلاق ناصری*؛ تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، ۱۳۵۶ش.
- خواجه نصیرالدین طوسی؛ رساله اقسام الحکمة، *تلخیص المحصل* (نقد المحصل) به انضمام رسائل و فوائد کلامی، باهتمام عبدالله نورانی، تهران، ۱۳۵۹.
- ابوالحسن محمد عامری؛ *الاعلام بمناب الاسلام*؛ تصحیح احمد عبدالحمید غراب، همراه با ترجمه فارسی، تهران، ۱۳۶۷ش.
- ابوالحسن محمد عامری؛ *کتاب السعادة والاسعاد*؛ تصحیح احمد عبدالحلیم عطیه، قاهره، بی تاریخ.
- ابوحامد محمد بن محمد غزالی؛ *مجموعه رسائل الامام الغزالی (الرسالة الدنیه)*، کتاب المنقذ من الضلال، (...، بیروت، ۱۴۰۶.
- امام محمد غزالی؛ *کتاب احیاء علوم الدین*، تصحیح عبدالعزیز سیروان، بیروت، بی تاریخ.
- امام محمد غزالی؛ *مقاصد الفلاسفه*، تصحیح سلیمان دنیا، قاهره، ۱۹۶۴.
- ابوحامد محمد غزالی؛ *جواهر القرآن و درره*، تهران، ۱۳۶۷ش.
- بونصر فارابی؛ *رسالة التنبيه علی سبیل السعادة*، تصحیح سبحان خلیقات، اردن، ۱۹۸۷.
- بونصر فارابی؛ *کتاب احصاء العلوم*، تحقیق عثمان امین، قاهره، ۱۹۴۹.

- ابونصر فارابی؛ ما ينبغي ان يقدم قبل تعلم فلسفة ارسطو، قاهره، ۱۳۲۸.
- ابونصر فارابی؛ الفصول المنتزعة، تصحيح فوزى مبرى نجار، بيروت، ۱۹۷۱.
- فخرالدين رازى؛ جامع العلوم يا حقائق الانوار فى حقائق الاسرار معروف به كتاب ستينى، به كوشش محمد حسين تسبيحى، تهران، ۱۳۴۶ش.
- قطب‌الدين محمود بن مسعود شيرازى؛ درة التاج لغرة الدجاج، جلد اول، تصحيح محمد مشكوة، تهران، ۱۳۱۷ش.
- قنواتى، الاب، جورج شهاته، مؤلفات ابن سینا، قاهره، ۱۹۵۰.
- فردريك كاپلستون؛ تاريخ فلسفه يونان و روم، ترجمه سيد جلال الدين مجتبوى، تهران، ۱۳۶۸ش.
- محسن كديور و محمد نورى؛ ماخذ شناسى علوم عقلى، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹ش.
- محسن كديور؛ كتاب شناسى جامع ابن سینا، تهران، ۱۳۸۷ش (در دست انتشار).
- ابويوسف يعقوب بن اسحاق كندى؛ رسائل الكندى الفلسفية، محمد عبدالهادى ابوريده، قاهره، ۱۹۵۰.
- مسعودى؛ التنبيه و الاشراف، ليدن، ۱۹۵۶.
- محمد معين؛ حاشيه بر برهان قاطع، تهران، ۱۳۴۲ش.
- مهدوى، يحيى؛ فهرست نسخه‌هاى مصنفات ابن سینا، تهران، ۱۳۳۳ش.
- Allan, D.J., *Aristote le philosophe*, traduit de l'anglais par Ch. Lefevre, Lovain, Paris, 1962.
- Brockelmann, *Geschichte der Arabischen Literature*
- During, I., *Aristotle in the ancient biographical tradition*, Goteborg, 1957.
- Ergin, Osman; *Ibnisina bibliografyasi*, Istanbul, 1956.
- Gohlman, Wiliam, E., *The Life of Ibn Sina (A Critical Edition and Annotated Translation)*, Albany, New York, State University of New York, press, 1974.
- Janssens, Jules, L.; *Annotated Bibliography of Ibn Sina (1970- 1989)*, Leuven University press, 1991.
- Khanbagi, Ramin; *Ibn Sīnā (Avicenna): A Comprehensive Bibliography*, Second edition, Tehran, Iranian Institute of Philosophy, 2008.
- Laertius, Diogenes; *Lives of Eminent Philosophers*, with an English translation by R.D. Hicks, Harvard University Press, 1972.
- Lerner, Ralph & Muhsin Mahdi, *Medieval Political Philosophy: A Sourcebook*, New York: Free Press of Glencoe; Toronto: Collier-Macmillan, 1963.

رسالة اقسام الحكمة^٣

للشيخ^٤ الرئيس ابي علي الحسين بن عبدالله بن سينا^٥ رحمه الله^٦

بسم الله الرحمن الرحيم^٧

الحمد لله^٨ ملهم الصواب و منور^٩ الالباب^{١٠} و واهب العقل و المتكفل بالعدل،
و صلواته على رسوله^{١١} محمد^{١٢} و اله.^{١٣}

و^{١٤} بعد، فقد التمس^{١٥} متى ان اشير الى اقسام العلوم العقلية^{١٦}، اشارة تجمع الى
الايجاز الكمال و الى البيان الاجمال^{١٧} و الى التحقيق التقريب و الى التبويب^{١٨} الترتيب.
فبادرت^{١٩} الى مساعدتك^{٢٠} و نزلت^{٢١} عند اقتراحك و لم اتعد^{٢٢} شرطك و لاتباوزت^{٢٣}
مقالك^{٢٤}.

و استعنت^{٢٥} بمن ضمن للمجاهدين فيه الهداية^{٢٦} و اولى اوليائه المخلصين^{٢٧} الرعاية، و
اياهم اسال التوفيق لسواء الطريق^{٢٨}.

[١] فصل^{٢٩} في مائة^{٣٠} الحكمة

الحكمة صناعة نظرية^{٣١} يستفيد^{٣٢} منها الانسان تحصيل ما عليه الوجود كله في نفسه و
ما عليه الواجب مما ينبغي ان يكتسبه^{٣٣} بعمله^{٣٤} لتشرف^{٣٥} بذلك نفسه و تستكمل و
تصير عالما معقولا مضاهيا للعالم الموجود و تستعد^{٣٦} للسعادة القصوى الاخروية^{٣٧} و
ذلك بحسب الطاقة الانسانية^{٣٨}.

[۲] فصل ۳۳ في اول اقسام الحكمة

الحكمة تنقسم الى قسم^{۳۵} نظري مجرد و^{۳۶} قسم عملي.
و القسم النظري هو الذي الغاية فيه حصول الاعتقاد اليقيني^{۳۷} بحال^{۳۸} الموجودات التي لا تتعلق وجودها بفعل الانسان و يكون المقصود انما هو حصول راي فقط، مثل علم التوحيد و^{۳۹} علم الهيئة^{۴۰}.
و القسم العملي هو الذي ليس الغاية فيه حصول الاعتقاد اليقيني^{۴۱} بالموجودات، بل ربما^{۴۲} يكون المقصود فيه^{۴۳} حصول صحة^{۴۴} راي في امر يحصل بكسب الانسان ليكتسب^{۴۵} ما هو الخير منه؛ فلا يكون المقصود حصول راي فقط، بل حصول راي لاجل عمل.

فغاية النظري هو الحق، و غاية العملي هو الخير.^{۴۶}

[۳] فصل ۴۷ في اقسام الحكمة النظرية

اقسام الحكمة النظرية^{۴۹} ثلاثة: العلم الاسفل، و يسمى العلم الطبيعي؛ و العلم الاوسط، و يسمى العلم^{۵۰} الرياضي؛ و العلم الاعلى، و يسمى العلم الالهي.
و انما كانت اقسامها^{۵۱} هذه الاقسام^{۵۲}، لان الامور التي يبحث^{۵۳} عنها^{۵۴}: اما ان تكون امورا وجودها و حدودها^{۵۵} متعلقان^{۵۶} بالمادة الجسمايية و الحركة، مثل اجرام الفلك و العناصر الاربعة، و ما يتكون منها و ما يوجد^{۵۷} من الاحوال خاصا بها، مثل الحركة و السكون و التغيير و الاستحالة و الكون و الفساد و النشوء^{۵۸} و البلى و القوى و الكيفيات التي عنها تصدر هذه الاحوال و ساير ما يشبهها، فهذا قسم.
و اما ان تكون امورا وجودها متعلق بالمادة و الحركة^{۵۹}، و حدودها غير متعلقة بهما، مثل التربيعة و التدوير و الكرية و المخروطية و مثل^{۶۰} العدد و خواصه. فانك^{۶۱} تفهم الكرة من غير ان تحتاج في تفهمها الى ان تفهم^{۶۲} انما من خشب او ذهب^{۶۳} او حديد^{۶۴}، و لا تفهم^{۶۵} الانسان الا و تحتاج^{۶۶} الى^{۶۷} ان تعرف^{۶۸} و تفهم^{۶۹} ان صورته في^{۷۰} لحم و عظم. و كذلك تفهم^{۷۱} التقعير من غير حاجة الى فهم الشيء الذي فيه التقعير، و

لاتفهم^{٧٢} الفطوسةَ الّا مع حاجة الى^{٧٣} فهم الشيء الذي فيه الفطوسة^{٧٤}. و مع هذا كلّه فالتدوير و التربيع^{٧٥} و التقعير^{٧٦} و الاحديداب لا يوجد الّا في ما^{٧٧} تحملها^{٧٨} من الاجرام^{٧٩} الواقعة في الحركة، فهذا قسم ثان.

و اما ان تكون امورا لا^{٨٠} وجودها^{٨١} و لا حدودها مفتقرين^{٨٢} الى المادّة و الحركة، اما من الذوات^{٨٣}، فمثل ذات الاحد^{٨٤} الحقّ رب العالمين، و اما من الصفات، فمثل الهويّة و الوحدة و الكثرة و العلة و المعلول و الكلّيّة و الجزئيّة^{٨٥} و التماميّة و النقصان و ما اشبه هذه المعاني.

و لما كانت^{٨٦} الموجودات على هذه الاقسام الثلاثة، كانت^{٨٧} العلوم النظريّة بحسبها على اقسام ثلاثة^{٨٨}: فالعلم^{٨٩} الخاصّ بالقسم الاولّ يسمّى طبيعيّا، و العلم الخاصّ بالقسم الثاني يسمّى رياضيّا، و العلم الخاصّ بالقسم الثالث يسمّى الهيّا.

[٤] فصل في اقسام الحكمة العمليّة

لما كان التدبير الانساني^{٩١} اما ان يكون خاصّا بشخص واحد، و اما ان يكون غير خاصّ بشخص واحد^{٩٢}، و الذي يكون غير خاصّ^{٩٣} هو الذي ائما يتمّ بالشركة، و الشركة اما بحسب اجتماع منزلي^{٩٤}، و اما بحسب اجتماع مدنيّ، كانت العلوم العمليّة ثلاثة:

واحد منها خاصّ بالقسم الاولّ و يعرف به ان الانسان كيف ينبغي ان يكون في^{٩٥} افعاله و اخلاقه^{٩٦} حتى تكون حياته الاولى و الاخرى^{٩٧} سعيدة، و يشتمل على هذا القسم^{٩٨} كتاب ارسطاطاليس^{٩٩} في الاخلاق^{١٠٠}.

و الثاني منها خاصّ بالقسم الثاني و يعرف به^{١٠٢} ان الانسان كيف ينبغي ان يكون تدبيره لمنزله المشترك بينه و بين زوجه^{١٠٣} و ولده^{١٠٤} و مملوكه حتى تكون^{١٠٥} حاله^{١٠٦} منتظمة مؤدّية الى التمكن من كسب السعادة، و يشتمل عليه كتاب بروسن^{١٠٧} في تدبير المنزل^{١٠٨} و كُتب فيه لاقوام^{١٠٩} اخرين^{١١٠} غيره^{١١١}.

و الثالث منها خاصّ بالقسم الثالث، و يعرف به اصناف السياسات و الرياسات و الاجتماعات المدنيّة الفاضلة و الرديّة و يعلم^{١١٢} وجه استبقاء^{١١٣} كلّ واحد منها و علة

زواله و جهة^{١١٤} انتقاله، فما^{١١٥} كان يتعلّق من ذلك بالملك فيشتمل عليه كتاب^{١١٦} افلاطون^{١١٧} و ارسطو في السياسة^{١١٨}، و ما كان يتعلّق به^{١١٩} من ذلك^{١٢٠} بالنبوة و الشريعة فيشتمل عليه كتابان^{١٢١} هما في النواميس^{١٢٢}.
و الفلاسفة لاتريد^{١٢٣} بالناموس^{١٢٤} ما تظنّه^{١٢٥} العامّة^{١٢٦} انّ الناموس هو الحيلة و الخديعة^{١٢٧}، بل الناموس عندهم هو السنّة^{١٢٨} و المثال القايم الثابت بنزول^{١٢٩} الوحي. و العرب ايضا تسمّى^{١٣٠} الملك النازل بالوحي^{١٣١} ناموسا^{١٣٢}.
و هذا الجزء من الحكمة العمليّة يعرف به^{١٣٣} وجوب^{١٣٤} النبوة و حاجة^{١٣٥} نوع الانسان في وجوده و بقائه و منقلبه الى الشريعة، و تعرف^{١٣٦} به^{١٣٧} الحكمة في الحدود الكليّة المشتركة في الشرايع و^{١٣٨} التي تخصّ شريعة شريعة بحسب قوم قوم و زمان زمان، و^{١٣٩} يعرف به الفرق بين النبوة الالهية و بين الدعاوى الباطلة كلّها^{١٤٠}.

[٥] فصل^{١٤١} في اقسام الحكمة^{١٤٢} الطبيعيّة الاصلية

الحكمة الطبيعيّة منها ما يقوم مقام الاصل، و منها ما يقوم مقام الفرع. و اقسام ما يقوم مقام الاصل ثمانية:
قسم^{١٤٤} به تعرف^{١٤٥} الامور العامّة لجميع الطبيعيات، مثل المادة و الصّورة و الحركة و الطبيعة و الاسباب^{١٤٦} بالتهاية^{١٤٧} و غيرالتهاية و تعلّق الحركات بالحرّكات و انتهائها^{١٤٨} الى محرّك اول واحد^{١٤٩} غيرمتحرّك^{١٥٠} و غيرمتناهي^{١٥١} القوّة لاجسم و لا في جسم، و^{١٥٢} يشتمل عليه كتاب سمع^{١٥٣} الكيان^{١٥٤}.
و القسم الثاني يعرف به^{١٥٥} احوال الاجسام التي هي اركان العالم، و هي السّموات و ما فيها^{١٥٦} و العناصر الاربعة و طبائعها و حركاتها و مواضعها و تعريف^{١٥٧} الحكمة فيما^{١٥٨} صنعها^{١٥٩} و نضدها^{١٦٠}، و يشتمل عليه كتاب السماء و العالم^{١٦١}.
و القسم الثالث يعرف منه^{١٦٢} حال الكون و الفساد و التّوليد^{١٦٣} و التّشوّ و البلى و الاستحالات مطلقا من غير تفصيل و يبيّن^{١٦٤} فيه عدد الاجسام الاولى^{١٦٥} القابلة^{١٦٦} لهذه الاحوال و لطيف الصّنع الالهى في ربط الارضيات بالسّموات^{١٦٧} و استبقاء^{١٦٨} الانواع على فساد الاشخاص بالحرّكتين السّماويتين، اللّتين^{١٦٩} احدهما شرقيّة، و

الاحرى غربيّة^{١٧٠} منحرفة عنها^{١٧١} ومواجهة لها^{١٧٢}. وتحقق^{١٧٣} ان هذه كلها بتقدير العزيز العليم^{١٧٤}، ويشتمل عليه كتاب الكون والفساد.^{١٧٥}

والقسم الرابع يتكلم^{١٧٦} فيه في الاحوال^{١٧٧} التي تعرض في العناصر الاربعة قبل الامتزاج لما تعرض^{١٧٨} لها من انواع الحركات والتخلخل والتكاثف^{١٧٩} بتأثير السماويات^{١٨٠} فيها، فيتكلم^{١٨١} في العلامات والشهب والغيوم والامطار والرعد والبرق والهالة وقوس قزح والصواعق والرياح والزلازل والبحار^{١٨٢} والجبال؛ ويشتمل عليه ثلاث مقالات من كتاب الآثار العلوية.^{١٨٣}

والقسم الخامس يعرف فيه^{١٨٤} حال الكائنات الجمادية^{١٨٥} وما في المعادن^{١٨٦}؛ ويشتمل عليه كتاب المعادن، وهو المقالة الرابعة من كتاب^{١٨٧} الآثار العلوية.^{١٨٨}

والقسم السادس يعرف فيه^{١٨٩} حال الكائنات النباتية^{١٩٠}؛ ويشتمل عليه كتاب^{١٩١} النبات.

والقسم السابع يعرف فيه^{١٩٢} حال الكائنات الحيوانية؛ ويشتمل عليه كتاب طبائع^{١٩٣} الحيوان.

والقسم الثامن يشتمل على معرفة النفس والقوى الدركية^{١٩٤} التي^{١٩٥} في الحيوانات^{١٩٦} وخصوصا التي في الانسان، ويبين ان^{١٩٧} النفس التي في الانسان^{١٩٨} لاتموت بموت البدن و أنها جوهر روحاني الهى؛ ويشتمل عليه كتابا^{١٩٩} النفس^{٢٠٠} والحس والمحسوس.^{٢٠١}

[٦] اقسام الحكمة الطبيعية الفرعية^{٢٠٢}

فمن ذلك الطب^{٢٠٣}، والغرض فيه معرفة^{٢٠٤} مبادئ البدن الانساني و احواله من الصحة والمرض و اسبابها و دلائلها، ليدفع المرض و تحفظ^{٢٠٥} الصحة.

و من ذلك احكام النجوم^{٢٠٦}، وهو علم تخميني^{٢٠٧}، و^{٢٠٨} الغرض فيه الاستدلال من اشكال الكواكب^{٢٠٩} بقياس بعضها الى بعض و بقياسها الى درج البروج و بقياس جملة^{٢١٠} ذلك الى الارض على ما يكون من احوال ادوار^{٢١١} العالم و الملل^{٢١٢} و الممالك و البلدان و الموالي و التحويل و التساير و الاختيارات و المسائل.

و من ذلك علم الفراسة، و الغرض فيه الاستدلال من الخلق على الاخلاق.
 و من ذلك علم التعبير^{٢١٣}، و الغرض فيه الاستدلال في^{٢١٤} المتخيّلات الحكميّة^{٢١٥}
 على ما شاهدهته النفس من عالم^{٢١٦} الغيب فخيّلته^{٢١٧} القوّة المتخيّلة بمثال غيره.
 و من ذلك علم الطّلسمات، و الغرض فيه تمزيج القوى السمائيّة^{٢١٨} بقوى بعض
 الاجرام^{٢١٩} الارضيّة لياتلف من ذلك قوّة تفعل فعلا غريبا في عالم الارض^{٢٢٠}.
 و من ذلك علم التنريحيات^{٢٢١}، و الغرض فيه تمزيج القوى التي^{٢٢٢} في جواهر العالم
 الارضى ليحدث عنها^{٢٢٣} قوّة يصدر عنها فعل غريب.
 و من ذلك علم الكيمياء^{٢٢٤}، و الغرض فيه سلب الجواهر المعدنيّة^{٢٢٥} خواصّها و
 افادتها خواصّ غيرها و افادة بعضها خواصّ بعض ليتوصّل الى اتّخاذ^{٢٢٦} الذهب
 والفضّة من غيرها^{٢٢٧} من الاجسام^{٢٢٨}.

[٧] الاقسام الاصلية للحكمة الرياضيّة^{٢٢٩}

و^{٢٣٠} هي اربعة^{٢٣١}؛ علم^{٢٣٢} العدد و علم الهندسة و علم الهيئة و علم الموسيقى.
 علم العدد^{٢٣٣}، يعرف فيه^{٢٣٤} حال انواع العدد و خاصيّة كل نوع^{٢٣٥} في نفسه و حال
 النسب^{٢٣٦} بعضها من بعض و حال تولّد الاعداد بعضها من بعض^{٢٣٧}.
 و^{٢٣٨} علم الهندسة، يعرف فيه^{٢٣٩} حال اوضاع الخطوط و اشكال السّطوح و اشكال
 المجسّمات^{٢٤٠} و التّسب كلّها^{٢٤١} الى^{٢٤٢} المقادير^{٢٤٣} كلّها بما^{٢٤٤} هي مقادير و التّسب التي لها
 بما هي ذوات اشكال و اوضاع؛ و يشتمل عليه اصول^{٢٤٥} كتاب اقليدس^{٢٤٦}.
 و^{٢٤٧} علم الهيئة^{٢٤٨}، يعرف فيه^{٢٤٩} احوال^{٢٥٠} اجزاء العالم في اشكالها^{٢٥١} و اوضاع
 بعضها عند بعض^{٢٥٢} و مقاديرها و ابعاد ما بينها و حال الحركات التي للافلاك و التي
 للكواكب و تقدير^{٢٥٣} الكرات^{٢٥٤} و القطوع و الدواير التي بها تتم^{٢٥٥} الحركات؛ و يشتمل
 عليه كتاب المجسطي^{٢٥٦}.
 و^{٢٥٧} علم الموسيقى^{٢٥٨}، يعرف فيه^{٢٥٩} حال النغم و يعطى العلة في اتّفاقها و اختلافها
 و^{٢٦٠} حال الابعاد و الاجناس و المجموع و الانتقالات و الايقاع و كيفية تاليف اللحون
 و الهداية الى معرفة الملاهي^{٢٦١} كلّها^{٢٦٢} بالبراهين.

[8] الاقسام الفرعية للعلوم الرياضيّة

من فروع العدد عمل الجمع و التفريق بالهندي و علم^{٢٦٣} الجبر و المقابلة.
و من فروع الهندسة علم المساحة و علم^{٢٦٤} الحيل المتحرّكة و علم^{٢٦٥} جرّالاتقال و
علم الاوزان و الموازين و علم الالات الحرّية^{٢٦٦} و علم المناظر و المرايا^{٢٦٧} و علم نقل
المياه.

و من فروع علم الهيئة^{٢٦٨} علم^{٢٦٩} الزيجات و التقاويم.
و من فروع علم^{٢٧٠} الموسيقى اتّخاذ الالات العجيبة الغريبة^{٢٧١} مثل الارغن^{٢٧٢} و ما
اشبهه^{٢٧٣}.

[9] الاقسام الاصلية للعلم الالهّي

هي خمسة:

الاول منها التّظر في معرفة^{٢٧٤} المعاني العامّة لجميع الموجودات، مثل^{٢٧٥} الهويّة و
الوحدة و الكثرة و الوفاق و الخلاف و التّضاد و القوّة و الفعل و العلة و المعلول.^{٢٧٦}
و القسم الثّاني هو التّظر في الاصول و المبادئ لمثل^{٢٧٧} علم الطبيعيين و علم^{٢٧٨}
الرياضيين و علم المنطق و مناقضة الاراء الفاسدة فيها.^{٢٧٩}
و القسم الثّالث هو التّظر في اثبات^{٢٨٠} الحقّ الاول^{٢٨١}، و توحيد و الدلالة على
تفرّده بربوبيته^{٢٨٢} و امتناع مشاركة موجود^{٢٨٣} له في مرتبة وجوده و أنّه وحده واجب
الوجود بذاته، و وجود ما سواه يجب به.^{٢٨٤}
ثمّ التّظر في صفاته، و أنّها كيف تكون^{٢٨٥} صفاته، و أنّ^{٢٨٦} المفهوم^{٢٨٧} من لفظ^{٢٨٨} كلّ
صفة ما هو، و أنّ الالفاظ المستعملة في صفاته مثل الواحد و الموجود و القديم و العالم و
القادر يدلّ كلّ واحد منها على معنىّ اخر^{٢٨٩}، و لا يجوز^{٢٩٠} ان يكون الشّيء الواحد الذي
لا كثرة فيه بوجه له معان كثيرة كل^{٢٩١} واحد منها غير الاخر، و يعرف^{٢٩٢} أنّه^{٢٩٣} كيف
يجب ان تفهم^{٢٩٤} هذه الصّفات له حتّى لا توجب في ذاته غيريّة^{٢٩٥} و كثرة و لا تقسح^{٢٩٦}
في وحدانيّته الذاتيّة الحقيقيّة^{٢٩٧}.

و القسم الرابع هو التَّنظَر في اثبات الجواهر الاول الروحانية التي هي مُبدعاته و اقرب^{٢٩٨} مخلوقاته مُنزلةً عنده، و الدلالة على كثرتها^{٢٩٩} و اختلاف مراتبها و طبقاتها و الغنى^{٣٠٠} الذي يتعلَّق بكل^{٣٠١} منها في تميم الكل؛ و هذه^{٣٠٢} رتبة^{٣٠٣} الملائكة الكروبيين^{٣٠٤}.

ثم في اثبات الجواهر الروحانية الثانية التي هي بالجملة دون جملة تلك الاولى و تعريف طبقاتها^{٣٠٥} و درجاتها و افعالها^{٣٠٦}. و هذه هي الملائكة الموكلّة بالسّموات و حَمَلَة العرش و مدبّرات الطبيعة و متعهّدات^{٣٠٧} ما يتولّد^{٣٠٨} في^{٣٠٩} عالم الكون و الفساد^{٣١٠}.

و القسم الخامس في معرفة^{٣١١} تسخير^{٣١٢} الجواهر الجسمانية السّماوية و الارضية لتلك الجواهر الروحانية التي بعضها عاملة^{٣١٣} محرّكة و بعضها امرة^{٣١٤} مؤدّية عن ربّ العالمين^{٣١٥} وحيه و امره^{٣١٦}، و الدلالة على ارتباط الارضيات بالسّماويات و السّماويات بالملائكة العاملة^{٣١٧} و الملائكة العاملة بالملائكة المبلّغة^{٣١٨} الممثّلة و ارتباط الكلّ بالامر الذي ما هو آلا واحدة^{٣١٩} كَلَمَحٍ بِالْبَصَرِ^{٣٢٠}. و بيان انّ الكلّ المبدع تام^{٣٢١} لا تفاوت فيه و لا فطور^{٣٢٢} و لا^{٣٢٣} في اجزائه، و انّ مجراه الحقيقي على مقتضى الخير المحض و انّ الشّرّ فيه ليس بمحض، بل هو بحكمة^{٣٢٤} و مصلحة^{٣٢٥}، و هو يتبع في جهة^{٣٢٦} خير^{٣٢٧}. فهذه هي^{٣٢٨} اقسام الفلسفة الاولى اعنى العلم الالهى؛ و يشتمل عليه كتاب متافيسيقي^{٣٢٩} اى^{٣٣٠} مابعد الطّبيعة و يعرف جميع^{٣٣١} هذا بالبرهان اليقيني^{٣٣٢}.

[١٠] فروع العلم الالهى

من ذلك معرفة كيفية^{٣٣٣} نزول^{٣٣٤} الوحي^{٣٣٥}، و الجواهر الروحانية التي تؤدّي الوحي، و انّ الوحي كيف يتادّي حتى يصير مُبصراً^{٣٣٦} مسموعا بعد روحانيته، و انّ الذي ياتي [به] تكون له خاصّة^{٣٣٧} تصدر عنه المعجزات المخالفة لمجرى الطبيعة، و كيف يُخبر بالغيب، و انّ الابرار الاتقياء كيف يكون لهم الهام شبيه بالوحي^{٣٣٨} و كرامات تشبه^{٣٣٩} المعجزات، و ما^{٣٤٠} الرّوح الامين و^{٣٤١} روح القدس^{٣٤٢}، و انّ الرّوح الامين من طبقات^{٣٤٣} الجواهر

الروحانية الثانية^{٣٤٤}، و ان روح القدس^{٣٤٥} من طبقة الكروبيين^{٣٤٦}.
 و من ذلك علم المعاد؛ ويشتمل^{٣٤٧} على تعريف ان^{٣٤٨} الانسان لو لم يبعث بدنه مثلا
 لكان له بقاء روحه بعد موته ثواب و عقاب غير بدنيين^{٣٤٩}؛ و كانت^{٣٥٠} الروح^{٣٥١} التقيّة
 التي هي النفس المطمئنة الصحيحة الاعتقاد للحقّ العاملة بالخير، الذي يوجه الشرع و
 العقل، فائزة بسعادة و غبطة و لذة، هي^{٣٥٢} فوق كل سعادة و غبطة و لذة، و انها اجلّ
 من الذي صحّ بالشرع و لم يخالفه العقل انها^{٣٥٣} تكون^{٣٥٤} لبدنه؛
 انا ان الله تعالى اكرم عباده الاتقياء^{٣٥٥} على لسان الانبياء^{٣٥٦} عليهم^{٣٥٧} السلام^{٣٥٨}
 بموعده^{٣٥٩} الجمع^{٣٦٠} بين السعادتين، الروحانية ببقاء النفس، و الجسمانية ببعث البدن،
 الذي هو عليه قدير ان شاء^{٣٦١} و متى شاء^{٣٦٢}؛ و تبين^{٣٦٣} ان تلك السعادة الروحانية
 كيف تكون^{٣٦٤} لان^{٣٦٥} العقل^{٣٦٦} وحده طريق^{٣٦٧} الى معرفتها^{٣٦٨}، و اما السعادة البدنية
 فلا يفي بوصفها الا الوحي و الشريعة.

و بمثل ذلك يعرف حال الشقاوة الروحانية التي لانفس الفجار و انها اشدّ ايلاما^{٣٦٩}
 من^{٣٧٠} الشقاوة التي اوعدوا مجلوها بهم^{٣٧١} بعد البعث. و يعرف ان تلك الشقاوة على من
 تدوم و عمّن تزول^{٣٧٢}. و اما التي^{٣٧٣} تختصّ بالبدن فالشريعة اوقفهم^{٣٧٤} على صحتها^{٣٧٥}
 دون النظر و العقل وحده؛ و اما الشقاوة الروحانية فان للعقل طريقا^{٣٧٦} اليها من جهة
 النظر و القياس و البرهان، و الجسمانية تصحّ بالثبوت التي صحّت بالعقل و وجبت
 بالدليل و هي متممة للعقل^{٣٧٧}. فان^{٣٧٨} كل ما لا يتوصل العقل^{٣٧٩} الى اثبات وجوده او
 وجوبه بالدليل فائما^{٣٨٠} يكون معه جوازه فقط، فان الثبوت تعقد^{٣٨١} على وجوده او
 عدمه فضلا و قد صحّ عنده صدقها^{٣٨٢} فيتمّ عنده^{٣٨٣} ما^{٣٨٤} قصر عنه من معرفته^{٣٨٥}.

xxx

و اذ^{٣٨٦} قد وقفنا^{٣٨٧} على^{٣٨٨} الاقسام الاصلية و الفرعية للحكمة^{٣٨٩}، فقد حان لنا
 ان^{٣٩٠} نعرف^{٣٩١} اقسام العلم^{٣٩٢} الذي هو الة للانسان^{٣٩٣}، موصلة الى كسب^{٣٩٤} الحكم^{٣٩٥}
 النظرية و العملية، واقية عن السهو و الغلط في البحث و الروية، مرشدة الى الطريق الذي
 يجب ان يسلك في كل بحث، و معرفة حقيقة الحد^{٣٩٦} الصحيح، و حقيقة الدليل الصحيح

الَّذِي هُوَ الْبَرهَانُ^{٣٩٧}، وَ حَقِيقَةُ الْجَدْلِ^{٣٩٨} الْمَقَارِبِ لِلْبَرهَانِ^{٣٩٩}، وَ حَقِيقَةُ الْاِقْنَاعِي الْقَاصِرِ عَنْهُمَا^{٤٠٠}، وَ حَقِيقَةُ الْمَغَالِطِي الْمَدْلَسِ^{٤٠١} مِنْهُمَا، وَ حَقِيقَةُ الشَّعْرِي الْمَوْهَمِ^{٤٠٢} تَحْيِيلًا^{٤٠٣}؛ وَ هُوَ صِنَاعَةُ الْمَنْطِقِ^{٤٠٤}.

[١١] فِي اقسام الْحِكْمَةِ الَّتِي هِيَ الْمَنْطِقِ

اقسامها^{٤٠٥} تسعة:

القسم الاول، يتبين^{٤٠٦} فيه اقسام الالفاظ و المعاني من حيث هي كلية^{٤٠٧} و^{٤٠٨} مفردة؛ و يشتمل عليه كتاب ايساغوجي^{٤٠٩} تصنيف فرفوروريوس^{٤١٠}، و هو المعروف^{٤١١} بالمدخل^{٤١٢}.

و القسم الثاني، يتبين^{٤١٣} فيه عدّة المعاني المفردة الذاتيّة الشاملة بالعموم لجميع الموجودات من جهة ما هي تلك المعاني من غير شرط تحصيلها^{٤١٤} في الوجود او قوامها^{٤١٥} في العقل؛ و يشتمل عليه كتاب ارسطو^{٤١٦} المعروف بقاطيغورياس^{٤١٧} اى المقولات^{٤١٨}.

و القسم الثالث، يتبين^{٤١٩} فيه^{٤٢٠} تركيب المعاني المفردة بالايجاب و السلب^{٤٢١} حتّى يصير^{٤٢٢} قضيةً و خيرا يلزمه ان يكون صادقا او كاذبا؛ و يشتمل عليه كتاب ارسطو^{٤٢٣} المعروف بباريميانياس^{٤٢٤} اى العبارة^{٤٢٥}.

و القسم الرابع، يتبين فيه تركيب القضايا حتّى يتألف^{٤٢٦} منها دليل يفيد علما بجهول، و هو القياس؛ و يشتمل عليه كتاب ارسطو^{٤٢٧} المعروف بانالوطيقا الاولى^{٤٢٨} اى التحليل بالقياس^{٤٢٩}.

و القسم الخامس: يعرف فيه^{٤٣٠} شرايط القياس في تاليف^{٤٣١} قضاياها التي هي مقدماته، حتّى يكون ما يكتسب^{٤٣٢} به يقينا لاشكّ فيه، و هو القياس البرهاني^{٤٣٣}؛ و يشتمل عليه^{٤٣٤} كتابه المعروف بانالوطيقا^{٤٣٥} الثانية و بافوذ قطيقي^{٤٣٦} اى البرهان^{٤٣٧}.

و القسم السادس، يشتمل على تعريف القياسات التافعة في مخاطبة^{٤٣٨} من يقصر^{٤٣٩} فهمه او^{٤٤٠} علمه عن تبين^{٤٤١} البرهان في كلّ شيء^{٤٤٢} التي^{٤٤٣} لا بدّ منها في المحاورات^{٤٤٤} التي يراد منها الزام محمود او تحرّز عن الالزام مذموم^{٤٤٥}، و المواضع التي تكتسب منها

٤٤٦ الحجج التافعة^{٤٤٨} في الجدل و الوصايا^{٤٤٩} للمجيب^{٤٥٠} و السائل^{٤٥١}؛ و يتضمّنه كتابه المعروف بطوبيقا^{٤٥٢} اى صحّة^{٤٥٣} المواضع. و^{٤٥٤} يرسم^{٤٥٥} ايضا بديا لقطيقى^{٤٥٦} اى الجدلى^{٤٥٧}، و بالجملة تعرف^{٤٥٨} منه القياسات الاقناعية في الامور^{٤٥٩} الكلية^{٤٦٠}. و القسم السابع، يشتمل على تعريف المغالطات التي تقع في الحجج و الدلائل، و انحاء^{٤٦١} السهو و الزلّة^{٤٦٢} فيها و تعديدها باسرها كم هي، و التنبيه على وجه التحرز منها؛ و يتضمّنه كتابه الموسوم^{٤٦٣} بسوفسطيقا^{٤٦٤} اى نقض شبه المغالطين^{٤٦٥}. و القسم الثامن، يشتمل على تعريف المقائيس الخطابية البلاغية التافعة في مخاطبات الجمهور، على سبيل المشاورات^{٤٦٦} و المخاصمات^{٤٦٧} و المشاجرات^{٤٦٨}، او^{٤٦٩} المدح^{٤٧٠} و الذم^{٤٧١} و الحيل التافعة، في الاستعطاف و الاستمالة و الاغراء و تصغير الامر و تعظيمه و وجوه المعاذير و المعتبات، و وجوه^{٤٧٢} ترتيب الكلام في كل قضية^{٤٧٣} و خطبة؛ و يتضمّنه كتابه المعروف بریطوريقى^{٤٧٤} اى الخطابة^{٤٧٥}. و القسم التاسع، يشتمل على الكلام الشعري اّنه^{٤٧٦} كيف يجب^{٤٧٧} ان يكون في كل^{٤٧٨} فن، و ما انواع التّقصير و النقص فيه؛ و يشتمل عليه كتابه المعروف بقرابيطيقى^{٤٧٩} [بابوطيقا]، و يقال اّنه^{٤٨٠} رطوريقى^{٤٨١} [بوطيقا] اى الشعري^{٤٨٢}.

XXX

فقد دللنا^{٤٨٣} على اقسام الحكمة.

و ظهر اّنه ليس شيء منها يشتمل على ما يخالف الشرع^{٤٨٤}؛ فان^{٤٨٥} الذين^{٤٨٦} يدعونها ثم^{٤٨٧} يزيغون عن منهاج الشريعة^{٤٨٨}، اّما يضلّون من تلقاء انفسهم و من عجزهم و تقصيرهم، لا ان الصّناعة نفسها توجبه، فائّها^{٤٨٩} بريّة منهم. فلنختم الان مقالتنا هذه، بالحمد^{٤٩٠} لواهب^{٤٩١} العقل^{٤٩٢} و التّوفيق، و نُصلى على رسوله محمّد و اله اجمعين^{٤٩٣}.

پی‌نوشت‌ها

۱. س، ت: کتاب؛ ل، ص: + فی.
۲. ص: تقاسیم.
۳. س: + و تفصیله‌ها له؛ ت: العلوم العقلیه.
۴. س: قال الشیخ؛ ت: تصنیف الشیخ.
۵. ص: لابن سینا.
۶. ل، ص: -؛ س: + تعالی.
۷. س: (فاقد بسمله)؛ ص: + عونک اللهم یا قیوم.
۸. ص: میسر.
۹. ص: الاسباب.
۱۰. ص: نبیه؛ ل: انبیائه المصطفین من خلقه؛ ت: المصطفین من انبیائه خصوصاً.
۱۱. ل: (فاقد محمد و اله)؛ ت: محمد النبی و اله.
۱۲. س: اما.
۱۳. ص: -.
۱۴. ت: الاکمال.
۱۵. ت: التثویب؛ س: (حروف تاء و یاء بدون نقطه)؛ ص: (فقط یک دندان بعد از لام و کلاً بدون نقطه).
۱۶. س: مساعفک.
۱۷. س: (بدون نقطه)؛ ل، ص: لم ابعده.
۱۸. س: لا جاورت.
۱۹. س: مثالک؛ ص: مقاتلک.
۲۰. اشاره به ایه شریفه «وَ الَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنُثَبِّتَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (سوره عنکبوت، ایه ۶۹).
۲۱. س: ضمن علی نفسه (بجای اولی اولیائه المخلصین).
۲۲. س: و هو ولی التوفیق (بجای و ایاه اسئل التوفیق لسواء الطریق).
۲۳. س، ل، ص: -.
۲۴. ت: ماهیه.
۲۵. ت: نظر.
۲۶. س، ل، ص: (حرف اول فاقد نقطه).
۲۷. س: فاقد نقطه‌های یاء و تاء؛ ل: ان یکسبه.
۲۸. ت: فعله.
۲۹. س: لیتشرّف؛ ل، ص: لیشرف.
۳۰. ص: یستعد.

۳۱. س، ص: الاخرية؛ ت: بالآخرة.
۳۲. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الاولى في المنطق، الفن الاول في المدخل، المقالة الاولى، الفصل الثاني في التنبيه على العلوم و المنطق».
۳۳. س، ل: - .
۳۴. س، ص: - .
۳۵. ص: قسمين.
۳۶. س، ل: + الى.
۳۷. س، ص: اليقين؛ ل: لليقين.
۳۸. ل: لحال.
۳۹. س: + مثل.
۴۰. ل: القسمة.
۴۱. س: و اليقين؛ ص: اليقين.
۴۲. س: فقط و يكون؛ ل، ص: فقط و انما يكون.
۴۳. س: + انما هو.
۴۴. س، ل، ص: - .
۴۵. ل، ص: ليكسب؛
۴۶. برای اشنائی بیشتر با مباحث ابن سینا در موضوع این رساله رجوع شود به: «الشفاء، الجملة الاولى في المنطق، الفن الاول في المدخل، المقالة الاولى، الفصل الثاني في التنبيه على العلوم و المنطق» و «الشفاء، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالة الاولى، الفصل الاول في ابتداء طلب موضوع الفلسفة الاولى لتبين انيته في العلوم» و «دانشنامه علائی، الهیات، نخستین فصل» «عیون/الحکمة، الطبيعيات، الفصل الاول: الحکمة و اقسامها» و «منطق/المشرقيين، المقدمة: في ذكر العلوم».
۴۷. س، ل، ص: - .
۴۸. س، ص: - .
۴۹. ص: فاقد «الحکمة النظرية».
۵۰. ل: - .
۵۱. س، ت، ل: اقسامه.
۵۲. ل: القسمة.
۵۳. ص: تبحث.
۵۴. س، ل، ص: + لا يخلوا.
۵۵. ت: حدودها و وجودها.
۵۶. س: متعلقة؛ ت: متعلقات.

٥٧. ل: تعدّ.
٥٨. ت: النشور.
٥٩. س: + وحدها؛
٦٠. س: - ؛
٦١. س: فان.
٦٢. س: فاقد «الى ان تفهم» ؛ ل: الى تفهم؛ ت: الى فهم.
٦٣. ص: من ذهب او خشب.
٦٤. ت: فضّة.
٦٥. ص: لا يفهم.
٦٦. ص: يحتاج.
٦٧. س، ل، ص: - .
٦٨. ت: - ؛ ص: يعرف.
٦٩. س: - ؛ ص: يفهم.
٧٠. ت، ص: من.
٧١. ص: يفهم.
٧٢. ص: لا يفهم.
٧٣. س، ل: فاقد «حاجة الى».
٧٤. ل: فاقد جملة «و لا يفهم الفطوسة ... فيه الفطوسة».
٧٥. ص: فالتربيع و التدوير.
٧٦. س، ل: - .
٧٧. س، ل، ص: شيء.
٧٨. س، ل، ص: تحمله.
٧٩. س: الاجسام؛
٨٠. ت: لا يكون.
٨١. س: بوجودها.
٨٢. س، ل: مفتقران؛ ص: يفتقران(ن.ب.: مفتقرا).
٨٣. ل: الذات.
٨٤. ص: الاجل.
٨٥. ل: الجزئية؛ ت: الجزئية و الكلية؛ ص: الجزئية.
٨٦. ص: + هذه.
٨٧. س: كان.

۸۸. س: ثلاثة اقسام.
۸۹. ت: و العلم.
۹۰. س، ل، ص: فاقد «فصل في».
۹۱. ت: تدبير الانسان.
۹۲. س: فاقد «بشخص واحد».
۹۳. ل: + بشخص واحد.
۹۴. ت: + علوی، مطبوع (مجموعه الرسائل، ۱۳۲۸ مصر): + عائلی.
۹۵. ت: - .
۹۶. ص: اخلاقه و افعاله.
۹۷. ل: الاخيرة؛ س، ل، ص: + حیاة.
۹۸. ت: يشتمل عليه.
۹۹. ل، ص: ارسطوطاليس.
۱۰۰. س: فاقد « ارسطوطاليس في».
۱۰۱. از ارسطو در حوزه اخلاق سه کتاب در دست است: (Ethica Nicomachea) اخلاق نیکوماخوس، ترجمه عربی: کتاب الاخلاق لارسطوطاليس، ترجمه اسحاق بن حنین، تصحيح عبدالرحمن بدوی، کویت، ۱۹۷۹ (مراد ابن سینا همین کتاب است)؛ (Ethica Eudemia) اخلاق ادموس (نزد برخی عالمان اسلامی شناخته شده بود از جمله قفطی ۳۳ و ابن ابی اصیبعه ۵۸/۱، اما از ترجمه آن اثری در دست نیست)؛ (Magna moralia) اخلاق کبیر (این مکتوب پس از تئوفراستوس پدید آمده و در آن آموزشهای اخلاقی ارسطو پایه قرار گرفته است. از این کتاب اثری در دوران اسلامی یافت نشده است). برای آشنائی با رویکرد اخلاقی ابن سینا رجوع شود به: کتاب فی البر و الاثم فی الاخلاق.
۱۰۲. س: - ؛ ت: منه.
۱۰۳. س، ل، ص: زوجته.
۱۰۴. س: + و خادمه.
۱۰۵. ص: یکون.
۱۰۶. س، ل، ص: حالته.
۱۰۷. ت: ارونس.
۱۰۸. (Oikonomia) کتاب تدبیر المنزل (ایکونومیکوس)، تالیف بروسن Bryson، فیلسوف نوفیثاغوری سده ۲ میلادی که در سده ۳ یا ۴ هجری به عربی ترجمه شده است. ابن ندیم در الفهرست (۳۷۷) از آن یاد کرده است. این رساله نخستین اثر ترجمه شده از یونانی به عربی درباره تدبیر منزل است. بروسن به پیروی از ارسطو رساله خود را در چهار باب تنظیم کرده است. باب اول در مال و تدبیر آن، باب دوم در تدبیر بندگان و خدمه، باب سوم در تدبیر زن، باب چهارم در تدبیر فرزند. «رسالة فی السياسة»

منسوب به فارابی تحریری از همین رساله است. متن عربی رساله تدبیر منزل بروسن همراه با ترجمه المانی و توضیحاتی درباره جایگاه آن در دوره اسلامی در این اثر آمده است. درباره رساله بروسن در تدبیر منزل و انتقال آن به تمدن اسلامی

Martin Plessner, Der Oikonomikos des Nneupythagoreers 'Bryson' und sein Einfluss auf die islamische Wissenschaft (Heidelberg, ۱۹۲۸)

۱۰۹. ت: لقوم.

۱۱۰. ص: اخر.

۱۱۱. از قبیل: ۱. کتاب تدبیر منزل گزنفون، ۲. رساله ای منسوب به ارسطو در تدبیر منزل در سه کتاب (گزیده ترجمه عربی کتاب اول آن در کتاب *الثمار الطيبة والفلسفیه ابوالفرج بن طیب* (قرن ۵) آمده است)، فارابی در رساله «ما ینبغی ان یقدم قبل تعلم فلسفه ارسطو» از این رساله چنین یاد کرده است: «و اما الكتب التي يتعلم منها الامور التي في الفلسفة فبعضها يتعلم منه اصلاح الاخلاق، و بعضها يتعلم منه تدبیر المدن و بعضها يتعلم منه تدبیر المنزل»، ۳. فارابی در کتاب *الفصول المنتزعة فصول ۲۲ تا ۲۵* اجمالا به مباحث مرتبط با تدبیر منزل اشاره کرده است. ۴. کتاب *السعادة والاسعاد ابوالحسن عامری* (قرن ۴) که به اجمال به برخی از ابعاد «السیاسة البیتية» پرداخته است. و نیز رجوع شود به ابن سینا «*الشفاء، المجلد الاوّل في الالهيات، المقالة العاشرة، الفصل الرابع في عقد المدينة وعقد البيت وهو النکاح و السنن الكلية في ذلك*» و محتلا ابن سینا «*رسالته في السياسة*» نخستین رساله مستقل تالیف حکیمان مسلمان در باره تدبیر منزل.

۱۱۲. ت: يعرف.

۱۱۳. ت: استیفاء.

۱۱۴. س: وجه؛ ل: وجهه.

۱۱۵. ت: ما.

۱۱۶. ل: کتابا.

۱۱۷. آراء سیاسی افلاطون در سه کتاب او آمده است: رساله جمهوری (Republic)؛ رساله سیاستمدار (Politikos)؛ کتاب قوانین (Nomoi). ظاهرا هیچیک از این سه رساله همانند دیگر آثار افلاطون در قرون اولیه دوران اسلامی به عربی ترجمه نشده است. آنچه در منابع عربی درباره افلاطون آمده، برگرفته از نوشته طیب و فیلسوف یونانی جالینوس (۱۹۹-۱۲۹ م) با عنوان «*خلاصه دیالوگهای افلاطون*» در ۸ کتاب بوده است. فارابی در رساله *فلسفه افلاطون و اجزاؤها* از کتاب نخست با نام *کتاب السياسة* یاد کرده است. (بدوی، ۱۳۵۳ش، ص ۲۴). ابن ندیم نیز هکذا: «*کتاب السياسة فسر حنین بن اسحاق*» (الفهرست/ ۳۰۶). مراد ابن سینا در اینجا همین رساله اول افلاطون است.

۱۱۸. (Politica) کتاب سیاست ارسطو. از نوشته‌های اصیل ارسطو ظاهرا تنها کتاب سیاست او در قرون اولیه به عربی ترجمه نشده بود، هرچند عالمان مسلمان آن را می‌شناختند. کندی (الرسائل ۱/ ۳۸۴) از آن با عنوان «*بولیطیقی ای المدنی*» یاد کرده و مفاد آن را با *اخلاق نیکوماخوس* مقایسه کرده است.

- مسعودی در *التنبیه و الاشراف* (۱۱۸) کتاب «السیاسة المدنية» ارسطو را مختصراً توصیف کرده است. ابوعلی مسکویه در *ترتیب السعادات* (مطبوع در حاشیه المبدأ و المعاد ملاصدرا، تهران، ۱۳۱۴ ق، ص ۴۵۸ و ۴۵۹) مدعی شده که دو مقاله از کتاب تدبیر المدن ارسطو به عربی ترجمه شده است.
۱۱۹. ل: - رجوع شود به ابن سینا «الشفاء، الجملة الاولى في الاهليات، المقالة العاشرة، الفصل الرابع في عقد المدينة ... و الفصل الخامس في الخليفة و الامام و في وجوب طاعتهما و الاشارة الى السياسات و المعاملات و الاخلاق».
۱۲۰. ت: و ما كان من ذلك يتعلق .
۱۲۱. س، ل، ص: کتابا.
۱۲۲. فارابی در رساله *فلسفة افلاطون و اجزاؤها*: «ثم اعطى في كتاب "النواميس" السير الفاضلة التي يؤخذ بها اهل هذه المدينة». (بدوی، ۱۳۵۳ ش، ص ۲۴) *تلخیص نوامیس افلاطون* توسط فارابی انجام شده است (پیشین، ص ۸۳-۳۴). ابن ندیم: «کتاب النوامیس، نقله حنین و نقله یحیی بن عدی» (الفهرست/۳۰۶). ارسطو مجموعه ای درباره ۱۵۸ قانون اساسی دولت شهرهای یونان گرد آورده بود که همه از میان رفته، تنها بخش مربوط به جمهوری اتن در اواخر قرن ۱۹ در مصر یافت شد و با عنوان «*قانون اساسی اتن*» در لندن منتشر شد. این کتاب در قرن چهارم در میان مسلمانان شناخته شده بوده است. مسعودی در *التنبیه و الاشراف* / ۷۸: «و ذکرهم ارسطاطاليس في كتابه الذي رسمه بسياسة المدن و هو كتاب ذكر فيه سياسة امم و مدن كثيرة من امم و مدن اليونانيين و غيرها و يسمى باليونانية بوليطيا و عدد الامم و امدن التي ذكر مائة و سبعون». در فهرست بطلمیوس منقول در کتاب *قفطی* / ۴۷ توصیف مشابهی آمده است. ظاهراً مراد ابن سینا در اینجا کتاب قوانین (نوامیس) افلاطون و اصول حکومت اتن ارسطو است. به نظر سید جواد طباطبائی (۱۳۸۳، ۲۴۲): «به احتمال بسیار، این دو کتاب باید اشاره ای به دو تلخیص کتاب‌های یادشده افلاطون بوده باشد که در فهرستهای قدیمی نوشته‌های ارسطو از آنها نام برده‌اند، به هر حال روشن است که ابن سینا مانند دیگر فیلسوفان دوره اسلامی، رساله ارسطو را نمی‌شناخته است». با عنایت به اینکه هیچیک از این دو کتاب در آن زمان به عربی ترجمه نشده بود، و با توجه به تلقی الهی مسلمانان از این دو فیلسوف، نسبت تعلق سیاست مطرح در این دو کتاب به نبوت و شریعت قابل فهم است.
۱۲۳. س، ل، ص: یریدون.
۱۲۴. ت: الناموس. معرب (Nomos) یونانی، «سنت‌هایی که فلاسفه برای عامه مردم به خاطر مصلحتی وضع می‌کنند» (مفاتیح العلوم، خوارزمی، آخر باب ۲ از مقاله ۱)؛ در فلسفه به معنای حکم و قانون (حاشیه محمد معین بر برهان قاطع) و سنتی که حکما نهند عامه را برای مصلحتی (دهخدا)
۱۲۵. س: یریده.
۱۲۶. س: الغاغة من الناس. ل، ص: العامة من الناس.
۱۲۷. س: الخديعة و الحيلة.

١٢٨. ل: الشبه. «قال افلاطون: السنة الكلية انما تقوم بالناموس الاعظم، فان الناموس الاعظم هو الذى تولى احكام السنة الكلية و اتقانها. و اما الحروب فانما يقوم بها الناموس الاصغر، و الناموس الاعظم هو الاول و هو العقل المجرد و هو الحكمة و الحق و الوجود و الجوهرية. و الناموس الاصغر هو العقل المتجرد عن الشهوة. العقل ناموس النفس و النفس هى خادمة العقل. الناموس الاعظم هو ناموس كل عقل. و قال ابو عبيد القسيم بن سلام فى غريب المصنف: الناموس خاصة الرجل و موضع سره. قال ارسطاطاليس: الناموس هو حاكم الحكام و انما يحكم فى المستقبلات، و ما يحكم به كلى كل، و اما سائر الحكام فانهم يستنبطون من ذلك الكلى و يستخرجون، و ربما وقع لهم الغلط فى الاستنباط. و قال فى حرف اللام و قد اخرجناه من تفسير ثامسطيوس الناموس هو الله. قال: و انه السبب لنظام الاشياء الموجودة و لترتيبها. قال: و انه ناموس حى و حياته افضل حياة و هى دائمة. و فى حرف [مقالة] اللام: الله قدوة و تاموس و سبب لنظام العالم و تبيته و انه حق و انه عقل و انه الخير على الحقيقة. قال: و هو المبدأ و الكمال فان الناموس هو المحرك للسياسات و المتحركون بالسياسة الى الناموس يتحركون.» (عامرى، السعادة و الاسعاد، ملخصا ص ٢٣٥-٢٣٣)

١٢٩. ت: و نزول.

١٣٠. س: يسمون؛ ل: -؛ ص: يسمى.

١٣١. ل: + يسميه.

١٣٢. «و فى حديث المبعث: ان خديجة و صفت امر النبي (ص) لورقة بن نوفل و كان قد قرا الكتب، فقال: ان كان ما تقولين حقا انه لياتيه الناموس الذى كان ياتى موسى (ع). قال ابو عبيد: الناموس صاحب سرّ الرجل الذى يطلع على سرّه و باطن امره و يخصه بما يستره عن غيره» (ابو منصور محمد بن احمد الازهرى [٣٧٠-٢٨٢]، تهذيب اللغة)؛ «الناموس صاحب سرّ الانسان و فى مصنف الغريب: الناموس جبرئيل (ع)» (احمد بن فارس بن زكريا [م ٣٩٥]، معجم مقائيس اللغة) «و اهل الكتاب يسمون جبرئيل عليه السلام الناموس، و فى الحديث ان ورقة بن نوفل قال لخديجة رضى الله عنه لئن مان ما تقولين حقا انه لياتيه الناموس الذى كان ياتى موسى عليه السلام» (صاحح الجوهرى م ٤٥٣). «... فقال: هذا الناموس الذى انزل على موسى بن عمران» [تاريخ محمد بن جرير الطبرى] ورقة بن نوفل، مرادش همان قانون خداوند بود و "هذا" به "خبر" راجع است نه "جبرئيل". ولى چون تصور رفته است كه مرجع ضمير جبرئيل است، ناموس و سپس ناموس اكبر را لقب جبرئيل يا نام او گفته اند. حال انكه اين كلمه يونانى به معنى جبرئيل نيست و معنى جبرئيل را به غلط از اين حديث فهم کرده اند.» (على اكبر دهخدا، لغت نامه)

١٣٣. ل: فيه.

١٣٤. س، ت: وجود.

١٣٥. س: خاصة.

١٣٦. ص: يعرف.

۱۳۷. ت: بعض.
۱۳۸. س، ل: فی؛ ص: و فی.
۱۳۹. ل: -.
۱۴۰. س، ل، ص: فیها.
۱۴۱. س، ل، ص: -.
۱۴۲. ل: -.
۱۴۳. س: -.
۱۴۴. ص: فقسام.
۱۴۵. س، ل: قسم يعرف به؛ ص: فقسام يعرف فيه.
۱۴۶. ت: الانسان.
۱۴۷. س، ص: و النهاية.
۱۴۸. ت: اثباتها.
۱۴۹. س: واحد اول.
۱۵۰. ت: غير محرك.
۱۵۱. س: متناه.
۱۵۲. س: -.
۱۵۳. ت: -.
۱۵۴. **(Physica) كتاب الطبيعة (السماع الطبيعي)** لارسطاطاليس ترجمه اسحاق بن حنين، با شروع ابن سمش، يحيى بن عدى، متى بن يونس و ابوالفرج طيب، تصحيح عبدالرحمن بدوى، ۲ جلد، قاهره، ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الثانية فى الطبيعيات، الفن الاول فى السماع الطبيعي».
۱۵۵. س، ل: فيه.
۱۵۶. ت: فيهن.
۱۵۷. ل: تعرف.
۱۵۸. س، ل، ص: فى.
۱۵۹. س، ل، ص: صنعتها.
۱۶۰. س: تنضدها (فاقد نقطه)؛ ل: تنضيدها (فاقد نقطه)؛ ص: تنضدها (فاقد نقطه).
۱۶۱. **(De Caelo) فى السماء** (درباره آسمان)؛ كتاب السماء و الآثار العلوية لارسطاطاليس ترجمة يحيى بن بطريق، ويرایش حنين بن اسحاق، تصحيح عبدالرحمن بدوى، قاهره، ۱۹۶۰. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الثانية فى الطبيعيات، الفن الثانى فى السماء و العالم».
۱۶۲. س، ل، ص: فيه.
۱۶۳. س: للتوليد و التوالد؛ ل: + و التوالد؛ ص: التولد و التوالد.

۱۶۴. ص: بین.
۱۶۵. وفاقا للمطبوع ۱۳۲۸ بمصر؛ س: الاولية؛ ل: الازلیة؛ ت: الاولة؛ ص: - .
۱۶۶. س: المقابلة.
۱۶۷. س، ل: السماویات؛ ص: و السماویات.
۱۶۸. س: استیفاء.
۱۶۹. ت: التی.
۱۷۰. س، ل: اخرى منحرفة عنها {و} مواجهة اياها غریبة؛ ص: اخرى منحرفة عنها او مواجهة اياها.
۱۷۱. س: - ؛ ص: او.
۱۷۲. س، ل: اياها.
۱۷۳. ص: تتحقق.
۱۷۴. س، ل، ص: عزیز حکیم.
۱۷۵. (De generatione et corruptione) کتاب الکون و الفساد لارسطاطالیس، ترجمه اسحاق بن حنین [ابن ندیم ۳۱۱؛ قفطی ۴۱] (متأسفانه از این ترجمه اثری در دست نیست). رجوع شود به: ابن سینا «لشفاء، الجملة الثانية في الطبيعيات، الفن الثالث في الكون و الفساد».
۱۷۶. ت: نتکلم.
۱۷۷. ص: الاصول.
۱۷۸. ت: يعرض.
۱۷۹. ص: التکایف.
۱۸۰. ت: السماوات.
۱۸۱. ت: فنتکلم.
۱۸۲. س: + و الرياح.
۱۸۳. (Meteorologica) کتاب الآثار العلویة (درباره پدیده های جوی)؛ کتاب السماء و الآثار العلویة لارسطاطالیس ترجمه یحیی بن بطریق، تصحیح عبدالرحمن بدوی، قاهره، ۱۹۶۰. رجوع شود به: ابن سینا «لشفاء، الجملة الثانية في الطبيعيات، الفن الرابع في الافعال و الانفعالات، و الفن الخامس في علل اکوان الكائنات التي لانفس لها من المعادن و الآثار العلویة و ما يشبهها و هو مقالتان، المقالة الثانية في الاحداث و الكائنات التي لانفس لها ما يكون فوق الارض».
۱۸۴. ت: منه.
۱۸۵. ص: الحادثة.
۱۸۶. ت: فاقد «الجمادية و ما في المعادن».
۱۸۷. ت: - .

۱۸۸. **(Meteorologica)** کتاب الآثار العلویة (درباره پدیده های جوی)؛ کتاب السماء و الآثار العلویة لارسطاطالیس (پیشین). رجوع شود به: ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الثانية في الطبيعيات، الفن الخامس في علل اكوان الكائنات التي لانفس لها من المعادن والآثار العلویة وما يشبهها، المقالة الاولى فيما يحدث من ذلك بناحية الارض».

۱۸۹. ت: منه.

۱۹۰. س: التامية؛ ص: + التامية.

۱۹۱. «کتاب في النبات» [منسوب به ارسطو] تفسیر نيقولا س دمشقی، ترجمه اسحاق بن حنین، ویرایش ثابت بن قره، تصحیح عبدالرحمن بدوی، مندرج در کتاب «في النفس»، قاهره، ۱۹۵۴. رجوع شود به: ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الثانية في الطبيعيات، الفن السابع في النبات».

۱۹۲. ت: منه.

۱۹۳. ارسطو در حوزه حیوان پنج کتاب بجا گذاشته است: (**Historia animalium**) تاریخ حیوانات، ترجمه عربی: کتاب طبایع الحيوان لارسطاطالیس، ترجمه یحیی بن بطریق، تصحیح عبدالرحمن بدوی، کویت ۱۹۷۹؛ (**De Partibus animalium**) درباره اجزای حیوانات، ترجمه عربی: اجزاء الحيوان، تصحیح عبدالرحمن بدوی، کویت ۱۹۷۸؛ (**De generatione animalium**) درباره پیدایش حیوانات، ترجمه عربی: في كون الحيوان، ترجمه منسوب به یحیی بن بطریق، به کوشش ی. بروگمان (Brugman) و دسارت لولفس (H. J. Droddaart Lulofs)، لیدن، ۱۹۷۱؛ (**De incessu animalium**) درباره راه رفتن حیوانات؛ (**De motu animalium**) درباره حرکت حیوانات. رجوع شود به: ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الثانية في الطبيعيات، الفن الثامن في طبایع الحيوان».

۱۹۴. ص: + و المحركة.

۱۹۵. س، ل: الدراکة و المحركة في.

۱۹۶. س، ل: الحيوان.

۱۹۷. ص: -.

۱۹۸. س، ل: للانسان.

۱۹۹. ت: کتاب.

۲۰۰. (**De Anima**) في النفس لارسطاطالیس ترجمه اسحاق بن حنین، ۱. تصحیح احمد فؤاد الاهدانی، قاهره، ۱۹۵۰؛ ۲. تصحیح عبدالرحمن بدوی، قاهره، ۱۹۵۴ همراه با چند نوشته دیگر. رجوع شود به: کندی: «القول في النفس المختصر من کتاب ارسطو و فلاطن و سائر الفلاسفة» (الرسائل)؛ ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الثانية في الطبيعيات، الفن السادس في النفس»، «رساله في النفس على طريق الدليل والبرهان» و «مقاله في تحصيل السعادة و تعرف بالحجج العشرة».

۲۰۱. (**Parva naturalia**) طبيعيات صغیر، بخش اول: درباره حس و محسوس. «کتاب الحس و المحسوس» لارسطاطالیس، متن ترجمه عربی تا کنون به دست نیامده است. تلخیص کتاب الحس و

- محسوس لارسطو للقاضی ابی الولید ابن رشد، با تصحیح عبدالرحمن بدوی مندرج در کتاب «فی النفس»، کویت/ بیروت، ۱۹۷۹. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الثانية فی الطبيعيات، الفن السادس فی النفس، المقالات الثانية الى الرابعة فيها».
۲۰۲. ت: الفرعية الطبيعية.
۲۰۳. رجوع شود به: ابن سینا «كتاب القانون فی الطب».
۲۰۴. ت: - .
۲۰۵. س، ل، ص: بدون نقطه.
۲۰۶. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الرابعة فی الالهيات، المقالة العاشرة، اواخر الفصل الاول فی حال احکام النجوم» و محتملا ابن سینا «رسالة فی ابطال احکام النجوم».
۲۰۷. س: تخمین.
۲۰۸. س: - .
۲۰۹. س: النجوم و.
۲۱۰. س، ل، ص: حمله (فاقد نقطه).
۲۱۱. س: ادوار احوال.
۲۱۲. ت، ل، ص: الملك.
۲۱۳. ارسطو در کتاب (Parva naturalia) طبيعيات کوچک، در دو بخش درباره رؤیاهای و تعبیر آنها بحث کرده است. رجوع شود رساله محتمل الانتساب ابن سینا «تعبیر الرؤیا».
۲۱۴. س، ل، من؛ ل: و الغرض فيه علم المتخیلات.
۲۱۵. س، ل: الحلمية.
۲۱۶. ل، ت: علم.
۲۱۷. ص: حملته.
۲۱۸. ل: السماوية.
۲۱۹. س، ل، ص: الاجسام.
۲۲۰. س، ل، ص: العالم الارضی.
۲۲۱. س، ل: نیرنجات. رجوع شود به رساله غیرمحرز الانتساب ابن سینا «النیرنجات».
۲۲۲. ت: - .
۲۲۳. ل، ص: منها.
۲۲۴. رجوع شود به رساله محتمل الانتساب ابن سینا «رسالة الى الشيخ ابی الحسن سهل بن محمد السهلی فی الكیمیا».
۲۲۵. ل: + و .
۲۲۶. ص: ایجاد؛ ل: اتحاد.

۲۲۷. ل: غیرها.
۲۲۸. س، ل، ص: الاجساد.
۲۲۹. ص: اقسام الحکمة الاصلية، الحکمة الرياضية.
۲۳۰. ص: - .
۲۳۱. س، ل: + اقسام.
۲۳۲. س: - .
۲۳۳. رجوع شود به: ابن سينا «الشفاء، الجملة الثالثة في التعليمات، الفن الثاني في علم الحساب».
۲۳۴. ت: منه.
۲۳۵. ل: + منها.
۲۳۶. س، ص: نسب الاعداد؛ ل: كسب الاعداد.
۲۳۷. ت: فاقد جملة «و حال تولّد الاعداد بعضها من بعض».
۲۳۸. س، ل، ص: - .
۲۳۹. ل، ت: منه.
۲۴۰. ت: المتسطحات.
۲۴۱. س، ل، ص: الكلية.
۲۴۲. س، ل، ص: التي.
۲۴۳. س، ل، ص: للمقادير.
۲۴۴. ت: انما.
۲۴۵. س، ل، ص: على اصوله كتاب.
۲۴۶. ل: اوقليدس. اصول الهندسه، اقليدس، ترجمه اسحاق بن حنين، ويرايش ثابت بن قره. اين اثر با تحرير نصيرالدين طوسي (تهران، ۱۲۹۸) منتشر شده است. رجوع شود به: ابن سينا «الشفاء، الجملة الثالثة في التعليمات، الفن الاول: كتاب اوقليدس (اصول علم الهندسة)».
۲۴۷. س، ص: - .
۲۴۸. رجوع شود به: ابن سينا «الشفاء، الجملة الثالثة في التعليمات، الفن الرابع في المجسطى (تلخيص كتاب بظلميوس في علم الهيئة)».
۲۴۹. س: منه.
۲۵۰. س، ت: حال.
۲۵۱. س: + و اوضاعها .
۲۵۲. ص: وضع.
۲۵۳. س، ل، ص: متعدد.
۲۵۴. س: الاكر.

۲۵۵. س، ل، ص: تتم بها تلك.
۲۵۶. *المجسطی*، اقلیدس، ترجمه اسحاق بن حنین، ویرایش ثابت بن قره.
۲۵۷. س، ل، ص: - .
۲۵۸. رجوع شود به: ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الثالثة في التعليمات، الفن الثالث جوامع علم الموسيقى».
۲۵۹. ت: منه.
۲۶۰. ت: او.
۲۶۱. س، ل، ص: الهداية الى اتخاذ الآلات.
۲۶۲. س، ل، ص: كله.
۲۶۳. ت: العمل.
۲۶۴. ت: العمل.
۲۶۵. ت: العمل.
۲۶۶. س، ل، ص، و هر دو نسخه مطبوع: الجزئية.
۲۶۷. ل: الراي؛ س، ص: + علم. المناظر، اقلیدس، ترجمه اسحاق بن حنین، ویرایش ثابت بن قره. این اثر با
تحریر نصیرالدین طوسی با عنوان تحریر المناظر طوسی (حیدرآباد، ۱۳۵۸) منتشر شده است.
۲۶۸. س: از «علم المساحة» تا اینجا از قلم افتاده است.
۲۶۹. ت: عمل.
۲۷۰. س: - .
۲۷۱. ل، ص: الغريبة العجيبة.
۲۷۲. ت: الارغل. ارغن یا ارغنون ماخوذ از یونانی (*Organon*) ساز باستانی و ارمانی دنیای قدیم.
۲۷۳. س، ل، ص: يشبهه.
۲۷۴. س: - .
۲۷۵. ت: من.
۲۷۶. رجوع شود به: ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالات الاولى و الرابعة الى السابعة»
۲۷۷. ت: مثل.
۲۷۸. ت: - .
۲۷۹. رجوع شود به: ابن سینا «*الشفاء*، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالات الاولى (الفصل الثامن)، الثانية و
الثالثة».
۲۸۰. س، ل، ص: + الاله.
۲۸۱. س: الاله - .
۲۸۲. س: برتبه؛ ت: و ربوبيته.
۲۸۳. س، ل، ص: + اخر.

۲۸۴. ص: و سبب وجود ما سواه بغيره.
۲۸۵. ل: يكون.
۲۸۶. س: فان.
۲۸۷. ت: الموهوم.
۲۸۸. ل: لفظة؛ ص: - .
۲۸۹. س، ل، ل: احدى.
۲۹۰. ت: ولا تجوز.
۲۹۱. ت: + معنى.
۲۹۲. ت: و تعرف.
۲۹۳. ت: - .
۲۹۴. ل: يفهم.
۲۹۵. ت: غيرة.
۲۹۶. س، ل، ت، ص: لا يقدر.
۲۹۷. س، ل، ص: الحقیقیة الذاتیة. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالة الثامنة»
۲۹۸. س: اكرم..
۲۹۹. س: كثرها؛ ص: كثرها.
۳۰۰. س، ل، ص: العنا.
۳۰۱. س، ل، ص: + واحد.
۳۰۲. ل: رتبة.
۳۰۳. س، ل، ص: هي.
۳۰۴. س، ل، ص: الكرويون.
۳۰۵. ل: كیفیاتها.
۳۰۶. ت: الاولى و دون درجاتها و طبقاتها و اقوالها.
۳۰۷. س: منقذات.
۳۰۸. س، ل، ص: + و يتوالد.
۳۰۹. س: من.
۳۱۰. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالة التاسعة، الفصل الاول الى الرابع».
۳۱۱. ت: - .
۳۱۲. ل: تسخر.
۳۱۳. ل: عاقلة.
۳۱۴. ت: امرية.

۳۱۵. س: + و .
۳۱۶. ص: + و نهیه.
۳۱۷. س: - ؛ ل: العاقله.
۳۱۸. ل، ص: + و .
۳۱۹. س: واحد.
۳۲۰. س، ل، ص: البصر. اقتباس من ایه «وَمَا امرنا اِلَّا واحدة کَلَمَحٍ بالبصر» (القمر/۵۰).
۳۲۱. س، ت: - .
۳۲۲. اشاره الى ایه «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَاتَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (الملك/۳).
۳۲۳. ل: فاقد و لا.
۳۲۴. ل، ص: لحکمة.
۳۲۵. ص: لمصلحة.
۳۲۶. س، ل، ص: فهو من جهة.
۳۲۷. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء»، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالات التاسعة (الفصول الرابع الى السادس) و العاشرة (الفصل الاول)»
۳۲۸. س: - .
۳۲۹. براساس نسخه ۱۴۵۸ دانشگاه استانبول؛ س: میطاطافوسيقا؛ ل: ماطاطافوسيقا؛ ص: ملطاطافوسيقا، ت: ماطاطانوسقا؛ (Metaphysica). رجوع کنيد به: کتاب متافيزیک يا مابعد الطبيعة ارسطو، ترجمه برخی مقالات از جمله الفا و لامبدأ توسط اسحاق بن حنين. يحيى بن عدى مقاله الفا را شرح کرده است. متن ترجمه عربی متافيزیک ارسطو در ضمن کتاب ذیل قابل دسترسى است: تفسير مابعد الطبيعة، ابن رشد، به کوششى موريس بويژ، ۳ جلد، بيروت، ۱۹۵۲-۱۹۳۸ و ۱۹۶۷.
۳۳۰. ت: الى.
۳۳۱. س: - .
۳۳۲. س، ص: حقيقى.
۳۳۳. س: كيفية معرفة.
۳۳۴. س، ل: - .
۳۳۵. س، ل، ص: + «والتبوة والدلالة على القوة التي يتلقى بها الانسان الموحى اليه الوحي».
۳۳۶. ل: + و .
۳۳۷. س، ل، ص: النبي باى خاصية تكون له (بجای «الذى ياتى به تكون له خاصية»).
۳۳۸. س: شبه الوحي.
۳۳۹. ص: شبه.

۳۴۰. ل: اما.
۳۴۱. ت: - .
۳۴۲. ص: - .
۳۴۳. س: طبقة.
۳۴۴. س: الثابتة.
۳۴۵. ل، ص: + هو.
۳۴۶. رجوع شود به: ابن سينا «لشفاء» الجملة الرابعة في الالهيات، المقالة العاشرة (الفصلان الاول و الثاني)». ۳۴۷. ل: يشمل.
۳۴۸. س، ت: - .
۳۴۹. ص: يدنين.
۳۵۰. ل، ص: فكانت.
۳۵۱. ص: النقية.
۳۵۲. ت: - .
۳۵۳. ل، ص: انه.
۳۵۴. ل، ص: يكون.
۳۵۵. ت: المتقين.
۳۵۶. ت: - .
۳۵۷. ص: عليا؛ ت: - .
۳۵۸. ص: - .
۳۵۹. ص: للوعد.
۳۶۰. ت: بالجمع.
۳۶۱. ت: + هو .
۳۶۲. س: فاقد «و متى شاء» ت: + هو.
۳۶۳. ت: تبين؛ ص: نيين.
۳۶۴. ت: - .
۳۶۵. ت: ان.
۳۶۶. ل، ص: للعقل.
۳۶۷. ل، ص: طريقا.
۳۶۸. س، ت: معرفته.
۳۶۹. ت: ادامة؛ س، ل، ص: + و اذى.
۳۷۰. ت: - .

۳۷۱. س، ص: لهم.
۳۷۲. ت: تنقطع.
۳۷۳. ص: البدن.
۳۷۴. ص: وافقتهم.
۳۷۵. س: صفتها.
۳۷۶. ت: العقل طريق.
۳۷۷. س: العقل؛ ت: بالعقل.
۳۷۸. ل، ص: لان.
۳۷۹. س: فاقد عبارت «فان كل ما لا يتوصل العقل».
۳۸۰. ل، ص: و اما.
۳۸۱. س، ل: توفقه؛ ص: توفقه.
۳۸۲. ت: + يتم عنده صدقها.
۳۸۳. ص: + عنده.
۳۸۴. ت: + صح و.
۳۸۵. رجوع شود به: ابن سينا «لشفاء، الجملة الرابعة في الالهيات، المقالات التاسعة (الفصل التاسع) و العاشرة (الفصل الاول)» و «المبدء والمعاد».
۳۸۶. ص: فاذا.
۳۸۷. ت: قد اتي وصفنا.
۳۸۸. ص: + على.
۳۸۹. ل، ت: للحكم.
۳۹۰. س: - .
۳۹۱. ل: + حال.
۳۹۲. س: + المنطقي.
۳۹۳. ل: لانسان الله.
۳۹۴. س: كتب.
۳۹۵. ص: للحكمة.
۳۹۶. ت: - .
۳۹۷. ل: البرهاني.
۳۹۸. س: الجدل.
۳۹۹. ل، ص: للبرهاني.
۴۰۰. س، ل، ص: منهما.

۴۰۱. ص: المداس.
۴۰۲. س، ص: الموقع.
۴۰۳. س، ص: تخیلا.
۴۰۴. ترجمه عربی (Organon) ارسطو با عنوان «منطق ارسطو» به کوشش عبدالرحمن بدوی در سه جلد در ۱۹۴۸، ۱۹۴۹ و ۱۹۵۲ در قاهره منتشر شده است: کتاب المقولات، کتاب العبارة، کتاب التحلیلات الاولى، کتاب التحلیلات الثانية، کتاب الطویقا، کتاب السوفسطیقا، به ضمیمه ایساغوجی فرفوروس.
۴۰۵. س: + هی اقسام.
۴۰۶. س، ل: بین (بدون نقطه)؛ ت: نبین.
۴۰۷. ت: ثلاثة.
۴۰۸. س، ل: - .
۴۰۹. (Isogoge) به معنای مدخل.
۴۱۰. ت: فریوس. (Phorphoriosis)
۴۱۱. س، ل، ص: - .
۴۱۲. س: المدخل؛ ل، ص: كالمدخل. ایساغوجی فرفوروس، ترجمه ابوعثمان دمشقی، تصحیح عبدالرحمن بدوی، منطق ارسطو، جلد سوم، قاهره، ۱۹۵۲. رجوع شود به: ابن سینا «اشفاء»، الجملة الاولى في المنطق، الفن الاول في المدخل».
۴۱۳. س، ل: بین (بدون نقطه)؛ ت: نبین.
۴۱۴. س: تحصيلها.
۴۱۵. س: قیامها.
۴۱۶. ل، ص: + طاليس.
۴۱۷. س: قاطاغورياس. (Categoriae) کتاب المقولات لارسطاطاليس، ترجمه اسحاق بن حنین از یونانی به عربی، تصحیح تسنکر (J. Th. Zenker)، لايبزيك، ۱۸۴۶؛ تصحیح مجدد بدوی، قاهره، ۱۹۴۸ در منطق ارسطو.
۴۱۸. رجوع شود به: ابن سینا «اشفاء»، الجملة الاولى في المنطق، الفن الثاني في المقولات».
۴۱۹. س، ل: بین (بدون نقطه)؛ ت: نبین.
۴۲۰. س: + كیفیة؛ ص: قدر كیفیة.
۴۲۱. ت: بالسلب و الايجاب.
۴۲۲. ت: تصیر.
۴۲۳. ل، ص: + طاليس.
۴۲۴. ل: پیریرمیناس؛ ت: بنارامیناس؛ ص: بارمیناس. (Perihermeneias) کتاب العبارة لارسطاطاليس ترجمه اسحاق بن حنین از یونانی به عربی، تصحیح بدوی، قاهره، ۱۹۴۸، در منطق ارسطو.

۴۲۵. رجوع شود به: ابن سینا «لشفاء، الجملة الاولى في المنطق، الفن الثالث في العبارة».
۴۲۶. س: یا تلف.
۴۲۷. ل، ص: + طالیس.
۴۲۸. ل، ت، ص: - . (Analytika priora) کتاب التحلیلات الاولى لارسطاطالیس، ترجمه حنین بن اسحاق و اسحاق بن حنین از یونانی به سریانی، ترجمه تذاری / ثودروس (Theodorus) از سریانی به عربی، تصحیح بدوی، قاهره، ۱۹۴۸، در منطق ارسطو.
۴۲۹. س، ل: بالعکس. رجوع شود به: ابن سینا «لشفاء، الجملة الاولى في المنطق، الفن الرابع في القياس».
۴۳۰. س، ت: منه.
۴۳۱. س، ل، ص: تالیفه و.
۴۳۲. س، ل، ص: یثبت.
۴۳۳. ت: فاقد عبارة «و هو القياس البرهانی».
۴۳۴. ت: و علیه یشتمل.
۴۳۵. ت: بانانوطیقا.
۴۳۶. ل: بافودیطیقی؛ ت: بانودقیطیقی. (Apodeiktikos): برهان جلی. «و هی المخصوص باسم افودقیطیقا و معناه الايضاح» (کندی، رسائل ۱/۳۶۷)؛ «... البرهان المعروف بافودوطیقا» (فارابی، مابینغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة)؛ ابودقیطیقا و هو انالوطیقا الثاني و معناه البرهان (ابن ندیم، الفهرست/۳۰۸)؛ معناه البرهان (قفطی).
۴۳۷. (Analytika posteriora) کتاب البرهان او انالوطیقا الاواخر لارسطاطالیس، ترجمه اسحاق بن حنین از یونانی به سریانی و متی بن یونس از سریانی به عربی، تصحیح بدوی، قاهره، ۱۹۴۹، در منطق ارسطو. رجوع شود به: ابن سینا «لشفاء، الجملة الاولى في المنطق، الفن الخامس في البرهان».
۴۳۸. ت: مخاطبات.
۴۳۹. ت: نقص.
۴۴۰. س، ص: و.
۴۴۱. ل: یبین.
۴۴۲. س، ل: + و؛ ت: + فی.
۴۴۳. ص: - .
۴۴۴. ت: منها للمحاورات.
۴۴۵. س، ل، ص: - .
۴۴۶. س: منها تکتسب؛ ل: منها تکتسب؛ ص: فیها یکسب.
۴۴۷. س: الحججة.
۴۴۸. ت: - .

۴۴۹. س، ل، ص: وصایا.
۴۵۰. ت، ص: المجیب.
۴۵۱. ت: المسائل.
۴۵۲. (Topica) کتاب الجدل او الطوبیقا لارسطاطالیس، ترجمه اسحاق بن حنین از یونانی به سریانی و یحیی بن عدی از سریانی به عربی، تصحیح بدوی، قاهره، ۱۹۴۹، در منطق ارسطو.
۴۵۳. س، ل، ص: - .
۴۵۴. س، ل، ص: + قد.
۴۵۵. س، ل: یوسم؛ ص: ترسم.
۴۵۶. س: بدیالقطبی؛ ل: بدیالیطیقی؛ ص: یدیالتقطیقی. (Dialectics)
۴۵۷. ل: الجدل.
۴۵۸. ص: يعرف.
۴۵۹. س، ل: + العلمیة؛ ص: + العامة.
۴۶۰. رجوع شود به: ابن سینا «لشفاء» الجملة الاولى في المنطق، الفن السادس في الجدل».
۴۶۱. ت: المجاز و.
۴۶۲. س: الغلط.
۴۶۳. ت: المعروف.
۴۶۴. (Sophistici elenchi) کتاب السوفسطیقا لارسطاطالیس ترجمه یحیی بن عدی و عیسی بن زرعة و ترجمه قدیم منسوب به ناعمی، تصحیح بدوی، قاهره، ۱۹۵۲، در منطق ارسطو.
۴۶۵. رجوع شود به: ابن سینا و «لشفاء» الجملة الاولى في المنطق، الفن السابع في السفسطة».
۴۶۶. ل: المحاورات.
۴۶۷. ت: فی.
۴۶۸. ت: المشاعرات.
۴۶۹. س، ل: + فی.
۴۷۰. ت: او.
۴۷۱. ت: او.
۴۷۲. س: حد.
۴۷۳. ت: + قصّة و.
۴۷۴. (Rhetorica) کتاب الخطابة او ریطوریکا لارسطاطالیس، ترجمه اسحاق بن حنین [ابن ندیم ۳۱۰؛ قفطی ۳۷] (متأسفانه از این ترجمه اثری در دست نیست)، تصحیح عبدالرحمن بدوی، کویت، ۱۹۷۹.
۴۷۵. رجوع شود به: ابن سینا، «فی معانی کتاب ریطوریکا و هو قسم من الحکمة العروضية او کتاب المجموع» (تصحیح محمد سلین سالم، قاهره، ۱۹۵۰) و «لشفاء» الجملة الاولى في المنطق، الفن الثامن في الخطابة».

۴۷۶. س: بانه و؛ ل: انه؛ ص: - .

۴۷۷. س: ینبغی؛ ص: یمکن.

۴۷۸. ت، ص: فن.

۴۷۹. س: بقواسطقی؛ ت: بقرانیطقا؛ ص: بقوانطیقی. واژه ابوطیقا (Poetica) به عنوان اسم کتاب ارسطو در فن شعر بر اساس گزارش کندی، فارابی و ابن ندیم در متن در کروش انتخاب شد. هیچیک از واژه‌های نسخ خطی و چاپی در این موضع صحیح به نظر نمی‌رسد. «بویطیقیا و معناه الشعری» (کندی، الرسائل ۳۶۸/۱)؛ «و هذا الكتاب یسمى بالیونانیة بویوطیقا و هو کتاب الشعر» (فارابی، احصاء العلوم)؛ ابوطیقا و یقال بوطیقا معناه الشعر (ابن ندیم، الفهرست/۳۰۹). کتاب الشعر، ارسطو، ترجمه متی بن یونس القناتی، با مقدمه و پژوهش (Jaroslau Tkatsch، ۲ جلد، وین، ۱۹۲۸ و ۱۹۳۳. فن الشعر، ارسطاطالیس، مع الترجمة العربیة القديمة و شروح الفارابی و ابن سینا و ابن رشد، عبدالرحمن بدوی، قاهره، ۱۹۵۳.

۴۸۰. س: به.

۴۸۱. س، ل، ص: ریطوریقی. انچنانکه چند سطر قبل گذشت ابن سینا ریطوریقی (Rhetorica) را به حق "خطابه" معنی کرد. ریطوریقی یقینا به معنی "شعری" نیست. البته در ریطوریقی فراوان از شعر استفاده می‌شود، اما این باعث نمی‌شود معنای لفظ ریطوریقی تغییر کند. احتمالا عبارت ابن سینا به سیاق ابن ندیم چنین بوده است: «المعروف بابوطیقا و یقال انه بوطیقا ای الشعری» و کاتبان نسخ سهوا بجای بوطیقا ریطوریقی نوشته‌اند. قول خواجه نصیرالدین طوسی در اساس الاقتباس/۵۸۶: «در شعر و آن را بیطوریقا خوانند» نیز نزدیک به همین احتمال است. و الله عالم.

۴۸۲. رجوع شود به: ابن سینا «الشفاء، الجملة الاولى فی المنطق، الفن التاسع فی الشعر».

۴۸۳. ت: دلت.

۴۸۴. س: الشریعة.

۴۸۵. س: و ان القوم؛ ل، ص: فان القوم.

۴۸۶. ص: الذی.

۴۸۷. ص: و.

۴۸۸. ت: الشرع.

۴۸۹. ص: و انها.

۴۹۰. س: حامدین.

۴۹۱. س: واهب.

۴۹۲. س: القوة.

۴۹۳. س: عورض بها و صحّت و لله المنة و الحمد. ل: + بلغ المقابلة؛ ت: (بجای جمله آخر) و الحمد لله و صلواته علی خیر خلقه محمد و اله الطاهرین. + فجملة العلوم المعقولة المضبوطة فی هذه الرسالة ثلاثة و خمسون علما؛ ص: (بجای جمله آخر) و نصلی علی نبیه منیرنا؟ محمد النبی و اله الطیبین الطاهرین.